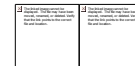




(۱)

(۲)



اندیشه‌های رضوی

نویسنده: «حاج میرزا احسان زاهری»

(۳)

«شناسنامه کتاب»

نام کتاب: اندیشه‌های رضوی

مؤلف: احسان زاهری

صفحه‌آرا: محمد زاهری

چاپ: اول/سال ۱۳۸۵

ناشر: الطیّار

قطع: رقعی /

شمارگان: ۳۰۰۰

شابک:

مرکز پخش: قم، خ امام خمینی، چهارراه غفاری، کوی نوربخش، پ ۱۱۷. و از طرف حرم مطهر، پل آهنچی، خیابان اراک، انتهای کوی شماره ۷ (حرم نما)، کوی نوربخش، دفتر انتشارات الطیّار

تلفن: ۶۶۰۶۶۷۴، فکس، ۶۶۰۶۸۴۴، همراه، ۱۵۲۸ ۲۵۲ ۰۹۱۱

(۴)

تفهرست مطالب

پیشگفتار: ۸

بخش اول: ۱۰

این جا کجاست؟ ۱۱

- جایگاه زیارت... ۱۹
- فضیلت زیارت حضرت امام رضا علیه السلام ... ۲۱
- بخش دوم: ... ۳۰
- حضرت امام رضا علیه السلام و توحید... ۳۱
- انحراف از توحید... ۳۸
- معاد... ۴۲
- حضرت امام رضا علیه السلام و مقام نبوت... ۴۷
- امام رضا علیه السلام و جایگاه امامت... ۵۳
- منصب امامت جامعه... ۵۸
- جایگاه امامان نور... ۶۹
- شناخت حق امام و رهبری... ۷۶
- امام رضا علیه السلام و امامت خاصه... ۸۹
- امام رضا علیه السلام و شیعه... ۹۶
- بخش سوم: ... ۱۰۱
- امام رضا علیه السلام و نماز... ۱۰۲
- امام رضا علیه السلام و خمس... ۱۱۲

(۵)

-
- امام رضا علیه السلام و زکات... ۱۱۷
- امام رضا علیه السلام و حج و عمره... ۱۲۲
- امام رضا علیه السلام و جهاد... ۱۲۹
- امربه معروف و نهی از منکر... ۱۳۳
- تولی و تبری... ۱۳۸
- بخش چهارم: ... ۱۴۲
- امام رضا علیه السلام و قرآن... ۱۴۳
- حضرت امام رضا علیه السلام و سنگر... ۱۵۱

امنیت ... ۱۵۱

وظیفه صاحبان نعمت ... ۱۶۰

حقیقت عبادت ... ۱۶۳

حقیقت ایمان ... ۱۶۸

مرز ایمان و اسلام ... ۱۷۱

زیربنای ایمان ... ۱۷۵

یاری ضعیفان و مظلومان ... ۱۸۰

مردم داری ... ۱۸۶

جایگاه عقل و اندیشه ... ۱۹۲

عوامل خشم الهی ... ۲۰۰

جایگاه سکوت ... ۲۰۳

جایگاه خودپسندی ... ۲۰۶

(۶)

امام رضا و صلح رحم ... ۲۰۹

امام رضا علیه السلام و پدر و مادر ... ۲۱۵

امام رضا علیه السلام و ایمان کامل ... ۲۲۰

مهمانی و زندگی زیبا ... ۲۲۴

کمالات انسانی ... ۲۲۶

موانع ذکر الهی ... ۲۳۱

گناهان کبیره ... ۲۳۶

جایگاه نظافت ... ۲۴۲

جایگاه گوینده و شنونده ... ۲۴۷

(۷)

پیشگفتار:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَلِیُّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا

عشق و ارادت و محبت به آستان حضرت ثامن الائمه علیه السلام در میان شیعیان دلباخته‌اش آن چنان گسترده است که در اطراف مرقد شریف آن امام همام چون کیوتران و پروانه‌های عاشقی هستند، که از عشقش مستانه در طواف آن مزار مطهرند.

هزاران بلکه میلیون‌ها نفر از زن و مرد، پیر و جوان، کودک و خردسال، به آن آستان وارد می‌شوند. با بوسیدن در و دیوار و ضریح با آرمان‌ها و رسالت آن رهبر الهی بیعت می‌نمایند. و بر مظلومیت آن مهمان الهی که او را با زهر به شهادت رساندند، باران اشک بر گونه‌های خویش جاری می‌نمایند.

آری؛ این جا فقط حرم فرشیان و زمینیان نمی‌باشد، بلکه عرشیان و ملائکه از بالا به پائین قدم می‌نهند، تا

(۸)

در کنار آن مرقد پاک و منور اقامت نمایند و با این طواف و سکونت کسب فیض و افتخار نمایند.

این جاذبه‌ها و توجهات مردم به مقتدای خویش ما را بر آن داشت تا گزیده‌ایی از اندیشه‌های پاک و منزّه آن امام بزرگوار را که موجب حیات و عزت، نجات و عظمت، رستگاری و پیروزی انسان در دنیا و آخرت می‌شود. در اختیار شیعیان، پیروان و زائرین حرم آن امام معصوم به گذاریم. تا همه ما در اندیشه و عمل، اعتقاد و تربیت از بیانات الهی حضرتش بهره‌مند گردیم.

تقدیم به روح آن امام بزرگوار و اجداد و فرزندان پاکش و اساتید و شهدا و مرحوم حضرت امام خمینی و ابوی گرامی.

«بهار ۱۳۸۶ مصادف با ایام هفده ربیع الاول سال ۱۴۲۸ قمری مصادف با ذیحجه و عید قربان و غدیر»

حاج میرزا احسان زاهری کاشانی

امام جمعه احمد آباد مستوفی استان تهران

(۹)

بخش اول:

گزیده‌ایی از مطالب در مورد جایگاه و فضایل ارتباط با اولیای الهی و زیارت آنها

(۱۰)

«فصل اول»

این جا کجاست؟

ای زائر حرم رضوی!

۱. این جا مهمان خانه حضرت ثامن الائمه، زائر سرای حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌باشد.

۲. این مکان مقدس، محل رفت و آمد ملائکه الله است.

۳. این جا باید با دقت وارد و خارج شد، که نه پا بر روی بال ملائکه به گذاری و نه از دیدن اولیای الهی و

(۱۱)

حجت خدا امام زمان (عج) که برای زیارت جدش وارد می‌شود، غافل شوی.

۴. در این محل اولیا و خاصان الهی حاضر، سر و صورت بر مرقد شریفش می‌سایند.

۵. این جا محل شفا یافتن صدها مریض جواب داده شده است. مطب و طبیبی که سرآمد همه دکنترها است، با ولایت در تکوین و تشریح، در دنیا و برزخ و دوزخ، حکم و اراده‌اش به اذن الهی نافذ می‌باشد.

۶. این جا محل عشق بازی عاشقان ولایت و امامت است.

۷. این جا محل پرواز کبوتران حرم رضوی به سوی خداوند است.

۸. این جا محل عارفان و سالکان طریق کوی خداست، که با استغفار و توبه و الهی‌العفو بر مزار و تربت حجت و ولی خدا چون ابر بهاری می‌گیرند

(۱۲)

۹. این جا محلی است که انسان با ریختن اشک بر مظلومیت آن امام یا بر شرمندگی خویش در رفتار و عمل، خویشتن را از قید و بندگی دنیا و شیاطین آزاد می‌نماید

۱۰. این جا شفاخانه ارواح و جان‌ها از آلودگی‌های اعتقادی و فکری و عملی است.

۱۱. این جا محل بازسازی و سازندگی نفوس انسانی است.

۱۲. این جا محل گرفتن حاجت و درخواست‌ها می‌باشد.

(۱۳)

برنامه‌های زائر نمونه حرم رضوی:

۱. پرنمودن اوقات فراقت، با کسب فضایل و معرفت.

۲. اقامه نمازهای یومیه با جماعت و شرکت در نماز جمعه در حرم رضوی و مساجد اطراف.

۳. اقامه نافله‌های یومیه، به خصوص یازده رکعت نماز شب که چشم روشنی انسان مؤمن است، کبریت احمر، مایه برکت و خیرات دنیا و آخرت می‌باشد.

۴. تلاوت قرآن، اگر می‌خواهی خداوند با شما سخن به گوید، قرآن تلاوت نما. زائر باید هر روز جهت شادی روح امام علیه‌السلام تلاوت قرآن داشته و ارتباط با حضرتش را حفظ نماید، یکی از ایراداتی که به ما وارد است و بارها در داخل و خارج کشور به ما گفته‌اند؛ شما زیارت و دعا را بیشتر از قرآن می‌خوانید. ای زائرین محترم! خداوند در قرآن آیه ۲۰ سوره مزمل می‌فرماید: در همه احوال، هر کجا هستید، هر آن چه ممکن است، قرآن را به

(۱۴)

خوانید. حال ارتباط با قرآنی که حضرت پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام فدای آن شدند، حفظ نمائیم، کتابی که سر بریده حسین بن علی علیه‌السلام تلاوت نمود، تا برای همیشه به همه مردم اتمام حجت نماید، که من و یارانم قربانی آن گشته‌ایم^(۱).

۵. مناجات با حضرت حق؛ اگر می‌خواهی با خداوند صحبت نمایی، دعا به خوان.

۶. برای تقرب به خدا ذکر و صلوات برای شادی ارواح چهارده معصوم علیهم السلام، شهدا و مؤمنین.
۷. مطالعه و اندیشه در مورد اسلام، امامت و ولایت اهل بیت علیهم السلام یکی از بهترین کارهای زائر نمونه می‌باشد.
۸. عبرت گرفتن از فرازهای تاریخ اسلام، به ویژه، آغاز امامت حضرت و سفر حضرت از مدینه به ایران، مورد تحقیق و دقت قرار گیرد، که همه‌اش بیانگر چهره

۱. در این خصوص به کتاب قرآن معجزه جاوید اسلام از مؤلف مراجعه نمایید.

(۱۵)

-
- حق و باطل، نور و ظلمت، راه گشا و هدایت گر می‌باشد.
۹. خدمت رسانی به مهمانان حضرت و احترام نمودن به آنان.
۱۰. احترام حرم و نظافت و خدمت کردن به آن را مورد توجه عملی قرار دادن.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا

(۱۶)

ملاک‌های زائر نمونه:

۱. زائری که ایمان و اعتقادش موجب سرور و خوشحالی امام باشد.
۲. زائری که در جهت اهداف و قوانین دینی قدم بر دارد، تحت هدایت و رهبری حضرتش قرار گرفته از رهبر زمانش پیروی نماید.
۳. زائری که حضرتش را سرلوحه زندگی و الگوی سیره فکری و عملی خویش قرار دهد.
۴. زائری که اصول دین را، خاصه امامت و ولایت آن حضرت را در زمان حیات و ممات، حضور و غیبت با استدلال باور نموده باشد.
۵. زائری که فروع دین را در تمام ابعادش از نماز تا اخلاق اسلامی در سرتاسر شئون زندگی عملی نماید.
۶. رعایت عفت و پاکی به خصوص حجاب کامل و بدون زینت، برای زنان مسلمان زائر حرم رضوی لازم

(۱۷)

می‌باشد. زنان بجز دست‌ها تا مچ و گردی صورت بقیه وجود خود را باید کامل در مقابل نامحرم به پوشانند، و پاها باید با لباس یا جوراب ضخیم پوشیده گردد. در حال طواف و نماز زنان باید تمام وجود خود را در مقابل نامحرم حفظ کنند، این شرط صحت نماز و طواف است. البته در حال نماز اگر نامحرم نباشد، مچ پا تا سرانگشتان پوشش لازم ندارد.

۷. زنان و مردان زائر در

ظاهر و حجاب خویش باید حضرت علی و زهرا علیهما السلام را الگوی عملی و رفتاری خویش قرار دهند، تا آیات حجاب قرآن را عمل نموده و عزت خود را کسب نمایند.

۸. اعمال و رفتار و گفتاری که روح امام علیه‌السلام را آزرده و ناراحت می‌کند، ترك نماید کارهای حرام و گناهان را مرتکب نشوند.

۹. زائر واقعی باید با زیارت خویش به معرفت و شناخت دست یافته، به رشد و کمال بالاتری نایل گردد.

(۱۸)

اگر او در سفر زیارتی خویش متحول و موفق نشد، این زیارت از کیفیت مطلوب برخوردار نبوده است.

۱۰. زنان و مردان با توجه به غیرت دینی خویش، جهت شادی روح امام معصوم علیه‌السلام و نجات از عذاب الهی باید به وظایف دینی خود به گونه‌ایی توجه نمایند، که اندیشه و دل، دنیا و آخرتشان به نور الهی روشن گردد.

۱۱. مهمان خوب کسی است که میزبان از آمدن او شاد و از رفتنش ناراحت می‌گردد، پس این زائر سرآمد زائرین می‌باشد.

۱۲. هرکس به مهمانی و زیارت کسی می‌رود از آن لذت می‌برد و از جهت روحی شاد می‌گردد، پس زائر باید این گونه باشد، وگرنه به هدف خویش نرسیده است. ۱۵. زائر در حرم رضوی باید تحت تأثیر روش و سیره عملی و اعتقادی امام قرارگیرد، وگرنه از امام و اخلاق و رفتار او بهره نبرده و او را جلودار و رهبر خویش در

(۱۹)

اندیشه و عمل قرار نداده است.

۱۶. خلاصه؛ زائر نمونه باید تقوای الهی را مراعات نماید. یعنی واجبات و مستحبات را انجام داده، حرام‌ها و مکروه‌ها را ترك نماید. انسان در درجه عالی ایمان باید کارهایش در قالب واجب یا مستحب عملی گردد.

(۲۰)

«فصل دوم» جایگاه زیارت

بحث زیارت در فرهنگ اسلامی جایگاه ویژه‌ایی دارد. درباره زیارت خانه خدا و کعبه، مقام ابراهیم و حجر اسماعیل، حجر الاسود و زمزم، و زیارت انبیای به ویژه خاتم آن‌ها حضرت محمد بن عبدالله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و زیارت چهارده معصوم علیهم‌السلام و شهداء و اصحاب و یاران آن انوار

(۲۱)

الهی، زیارت اهل قبور، مؤمنین و مؤمنات، روایات بسیاری وجود دارد، دلیل عقلی و سیره عملی اولیای الهی بر این عمل خدا پسندانه دلالت دارد.

زیارت رمز ارتباط انسان با آن ارواح پاک، جهت کسب فضیلت و رساندن خیرات و ثواب بعنوان توشه برای برزخیان می‌باشد.

لذا ککه اهل دنیا از زیارت آن‌ها بهره می‌برند، برزخیان هم از یاد و ذکر، عبادت و خیرات اهل دنیا بهره‌مند می‌گردند.

لذا واردین به مکه و مسجد را مهمانان خداوند و زائر الهی می‌نامند. در نتیجه صاحب خانه، مهمان و زائر خویش را از کرامتش بهره‌مند می‌نماید.

مسلمین با زیارت انبیاء و ائمه علیهم‌السلام و شهداء، ثوابها و خیرات بسیاری از قبیل هزاران حج و عمره، شفاعت و

(۲۲)

شفای روح و جان را از محضر آن‌ها کسب می‌نمایند^(۱).

۱. برای تفصیل بحث زیارت به جلد ۱۰۰ تا ۱۰۲ از بحار الانوار مراجعه شود.

(۲۳)

«فصل سوم»

فضیلت زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام

درباره زیارت حضرت ثامن الائمه علیه‌السلام در کتابهای زیارتی، روایات بسیاری نقل شده است. کتاب بحار الانوار مرحوم علامه مجلسی رحمة الله علیه که پنجاه و یک حدیث درباره فضیلت زیارت حضرت و یازده روایت در باب کیفیت زیارت آن نقل نموده است. ما تعدادی از آن‌ها را به عنوان نمونه می‌آوریم.

(۲۴)

حدیث اول: حضرت پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «سَتُدْفَنُ بِضَعَّةٍ مَنَى بِأَرْضِ خُرَّاسَانَ لَا يَزُورُهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ الْجَنَّةَ وَ حَرَّمَ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ»^(۱) به زودی در سرزمین خراسان پاره‌ایی از من دفن می‌گردد، مؤمنی او را زیارت نمی‌کند، مگر این که خداوند بهشت را برای او واجب می‌کند. و بدنش را بر آتش جهنم حرام می‌نماید».

حدیث دوم: از حضرت امام رضا علیه‌السلام نقل شده که فرمود: «إِنَّ بِخُرَّاسَانَ لِبُقْعَةٍ يَأْتِي عَلَيْهَا زَمَانٌ تَصِيرُ مُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ، فَلَا يَزَالُ فَوْجٌ يُنَزَّلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ فَوْجٌ يَصْعَدُ، إِلَى أَعْنَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ؛ بِه درستی که در خراسان مقبره‌ایی است، زمانی می‌آید، که آن مکان محل رفت و آمد ملائکه می‌گردد. همیشه گروهی فرود می‌آیند و گروهی به سوی آسمان بالا می‌روند، تا در شیپور دمیده

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۳۱، ح ۱.

(۲۵)

شود». تا روز قیامت فرا رسد.

«فَقِيلَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ آيَةُ بُقْعَةٍ هَذِهِ؟» گفته شد، برای حضرت، ای فرزند رسول خدا! کدام مقبره این گونه است؟

حضرت فرمود: «هِيَ بِأَرْضِ طُوسٍ وَ هِيَ وَ اللَّهُ رُوضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ؛ آن مقبره در سرزمین طوس است و آن جا به خدا قسم باغی از بستان‌های بهشت است».

سپس حضرت فرمود: «مَنْ زَارَنِي فِي تِلْكَ الْبُقْعَةِ كَانَ كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَسَلَّمَ وَ كَتَبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَهُ بِذَلِكَ ثَوَابَ أَلْفِ حَجَّةٍ مَبْرُورَةٍ وَ أَلْفِ عُمْرَةٍ مَقْبُولَةٍ وَ كُنْتُ أَنَا وَ آبَائِي شُفَعَاءَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^(۱)؛ کسی که مرا در آن مقبره زیارت نماید، مثل کسی است، که رسول خدا را زیارت نماید. و خداوند تبارک و تعالی برای او به خاطر این عملش ثواب هزار حج خوب و هزار عمره قبول شده

۱. همان ح ۲.

قرار می‌دهد و من و پدرانم در روز قیامت او را شفاعت می‌نماییم».

حدیث سوم: هروی نقل می‌کند از حضرت ثامن الائمه علیه‌السلام شنیدیم که می‌فرمود: «وَ اللَّهُ مَا مَنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ شَهِيدٌ؛ به خدا قسم از ما نیست، مگر این که کشته شده‌ای شهید است» یعنی همه افراد ما در راه خدا به شهادت رسیده‌اند.

«فَقِيلَ لَهُ: فَمَنْ يَفْتُلُكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؛ برای حضرت بیان شد؛ پس چه کسی ای فرزند رسول خدا! تو را می‌کشد؟»

حضرت فرمود: «قال: سُرُّ خَلْقِ اللَّهِ فِي زَمَانِي يَفْتُلُنِي بِالسَّمِّ، ثُمَّ يَدْفُنُنِي فِي دَارِ مَضِيعَةٍ وَ بِلَادِ غُرَبَةٍ؛ بدترین آفریده خدا در زمانم، مرا با زهر به شهادت می‌رساند، سپس مرا در خانه هلاکت و شهر غریب دفن می‌کند».

حضرت در ادامه فرمود: «أَلَا فَمَنْ زَارَنِي فِي غُرَبَتِي

كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ أَجْرَ مِائَةِ شَهِيدٍ وَ مِائَةِ أَلْفِ صَدِيقٍ، وَ مِائَةِ أَلْفِ حَاجٍّ وَ مُعْتَمِرٍ، وَ مِائَةِ أَلْفِ مُجَاهِدٍ، وَ حَشْرٍ فِي زُمْرَتِنَا، وَ جَعَلَ فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّةِ رَفِيقَنَا؛^(۱) ای مردم! آگاه باشید! کسی که مرا در غربت زیارت نماید، خداوند عزیز و بزرگ برای او پاداش صد هزار راستگو، و صد هزار حج کننده و عمره‌گزار و صد هزار جهادگر در راه خدا کرامت می‌نماید و خداوند او را در میان ما محشور می‌کند و خداوند او را در درجه‌های بهشتی رفیق و همنشین ما می‌گرداند».

حدیث چهارم: جابر جعفی از امام باقر علیه‌السلام از پدرش و از جدش و از حضرت علی علیه‌السلام نقل می‌کند، که حضرت پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «سَتَدْفُنُ بَضْعَةَ مَنِي خُرَاسَانَ مَازَا رَهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفْسَ اللَّهِ كَرَبْتَهُ وَ لَا مُذْنِبٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ»^(۲)؛ به زودی در خراسان پاره ایی از من دفن

۱. همان ص ۳۲.

۲. همان ص ۳۳ ح ۱۰.

می‌گردد، گرفتاری او را زیارت نمی‌کند، مگر این که خداوند سختی‌ها و مشکلاتش را گشایش می‌دهد. و گنه کاری او را زیارت نمی‌نماید، مگر این که خداوند گناهانش را می‌بخشد».

حدیث پنجم: حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: «سَيُقْتَلُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي بِأَرْضِ خُرَاسَانَ بِالسَّمِّ ظُلْمًا اسْمُهُ اسْمِي، وَ اسْمُ أَبِيهِ اسْمُ ابْنِ عِمْرَانَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بَزُودِي مَرْدِيٍّ مِنْ ذُرِّيَّتِي مِنْ خُرَاسَانَ بِصُورَةٍ ظَالِمَانَةٍ أَيْ بِأَرْضِ غُرَبَةٍ بِشَهَادَتِي مَرْدِيٍّ، كَمَا نَمَسَ نَامٌ مِنْ اسْمِي وَ اسْمِ أَبِيهِ مِنْ خُرَاسَانَ بِصُورَةٍ ظَالِمَانَةٍ أَيْ بِأَرْضِ غُرَبَةٍ بِشَهَادَتِي مَرْدِيٍّ».

سپس حضرت در مورد زیارت آن امام نور فرمود: «أَلَا فَمَنْ زَارَهُ فِي غُرَبَتِهِ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَ مَا تَأَخَّرَ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ عَدَدِ النُّجُومِ وَ قَطْرِ الْأَمْطَارِ وَ وَرَقِ

الْأَشْجَارِ»^(۱)؛ آگاه باشید! کسی که او را در غربتش زیارت نماید، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می‌بخشد. اگر چه به عدد ستاره‌ها و قطره‌های باران‌ها و برگ درخت‌ها باشد».

حدیث ششم: حضرت ثامن الائمه علیه‌السلام فرمود: «مَنْ زَارَنِي عَلَى بُعْدِ دَارِي، أَتَيْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَلَاثِ مَوَاطِنَ حَتَّى أُخْلِصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا: إِذَا تَطَايَرَتْ الْكُنُوبُ يَمِينًا وَ شِمَالًا وَ عِنْدَ الصَّرَاطِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ»^(۲)؛ کسی که مرا بر دوری خانه‌ام (و غریبی‌ام) زیارت نماید. من در روز قیامت در سه مکان سراغ او می‌آیم، تا او را از هراس و اضطراب روز قیامت

نجات می‌دهم، اول: زمانی که نامه اعمال به دست راست و چپ داده می‌شود. و دوم: نزد راه (بسوی جهنم یا بهشت) و سوم: نزد سنجش اعمال».

آری؛ شفاعت او با رحمت و محبتش، نامه را به دست

۱. همان ص ۳۴ ح ۱۱.

۲. همان ص ۳۴ ح ۱۳.

(۳۰)

راست ما می‌دهد، و در مسیر راه ما را به سوی بهشت برین هدایت می‌نماید، و در زمان محاکمه تخفیف و بخشش و عفو الهی را شامل حال ما می‌گرداند.

حدیث هفتم: حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمود: «بِقَتْلِ حَفَدَتِي بِأَرْضِ خُرَاسَانَ فِي مَدِينَةِ يُقَالُ لَهَا طُوسٌ مَنْ زَارَهُ مِنْ زَارِيهَا عَارِفًا بِحَقِّهِ أَخَذَتْهُ بِيَدِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَدْخَلَتْهُ الْجَنَّةَ، وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْكِبَائِرِ؛ نُوهِ مِنْ دَرِ سِرْزَمِينَ خُرَاسَانَ فِي شَهْرِي بِه نام طوس کشته می‌شود، کسی که او را از روی شناخت و معرفت به حَقش زیارت نماید. من روز قیامت او را به دستم می‌گیرم و به بهشت واردش می‌نمایم و اگر چه از اهل گناهان کبیره باشد».

«قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا عِرْفَانُ حَقِّهِ؟ رَأَى مِي‌گَويِد عَرَضَ كَرْدَم؛ جَانِم فِدَايِت شَنَاخَت حَقَش چيست؟»

حضرت فرمود: بَعْلَمُ أَنَّهُ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ غَرِيبٌ شَهِيدٌ، مَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَجْرَ

(۳۱)

سَبْعِينَ شَهِيدًا مِمَّنْ اسْتَشْهَدَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى حَقِيقَةٍ^(۱)؛ بدانند، اطاعت از او واجب، او غریب و شهید است، کسی که او را از روی معرفت به حَقش زیارت نماید، خداوند عزیز و بزرگ پاداش هفتاد شهیدی که در محضر رسول خدا به حقیقت شهید گشته‌اند، به او کرامت می‌نماید».

با وجیهاً عندالله اشفع لنا عندالله

یا علی بن موسی الرضا

یا ثامن الحجج

۱. همان ص ۳۵ ح ۱۷.

(۳۲)

پیام‌ها:

۱. فضایل و ثواب‌های زیارت قرار دادی است، تا انگیزه قوی برای ارتباط با انسان‌های کامل بیشتر گردد.

۲. در زیارت باید الگوگیری و عبرت، اندیشه و خودسازی، رشد و تربیت محقق گردد. تا انسان با آن ارتباط به کمالات نایل گردد.

۳. حرم امامان نور، چون حرم الهی در مکه، دارای تقدس ویژه‌ایی می‌باشد. که همه باید آن را محترم بشمارند تا از این طریق کسب فضیلت نمایند.

۴. در کیفیت زیارت انسان باید به گونه‌ایی عمل نماید که موجب آمرزش گناهان و شفاعت آن امام را بدست آورد.

۵. کیفیت زیارت باید انسان را از جهنم نجات داده و او را به بهشت برین وارد نماید.

۶. زیارت باید عارفانه و عاشقانه باشد، تا انسان را به

(۳۳)

سوی حق پرواز دهد.

(۳۴)

بخش دوم:

گزیده‌ایی از فرمایشات حضرت علی بن موسی الرضا پیرامون مباحث اعتقادی اسلام

(۳۵)

«فصل اول»

حضرت امام رضا علیه‌السلام و توحید

مأمون عباسی فضل بن سهل را به سوی حضرت امام رضا علیه‌السلام فرستاد. پس گفت دوست دارم که حلال و حرام و واجب و مستحب را برایم جمع نمایی. به درستی که تو حجت خداوند بر بندگانتان هستی.

(در این مورد باید توجه نمود، مأمون به مقام ولایت و امامت حضرت و جایگاه علمی او اعتراف دارد و حضرت

(۳۶)

را حجت خدا بر مردم می‌داند. باید برای مأمون و اطرافیان او این گونه شناخت و اعتراف جهت برای اطاعت از امام و واگذاری حکومت به حضرتش کافی باشد. اما دوستی حکومت و وابستگی به دنیا و عوامل دیگر او را از این حقیقت دور نگه می‌دارد. تا امام را به شهادت رسانده، به صلح‌نامه و ولایت‌عهدی خویش خیانت می‌نماید).

حضرت امام رضا علیه‌السلام جوهر و کاغذ را خواست و برای فضل فرمود ك بنویس؛

اما فرازهایی که حضرت امام رضا علیه‌السلام درباره توحید در جواب مأمون عباسی فرمود:

۱. «حَسْبُنَا شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ شهادت بر توحید، احدیت و واحدیت خداوند سبحان ما را کفایت می‌نماید».

۲. «أَحَدًا صَمَدًا، لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلَدًا، قَيُّومًا،

(۳۷)

سَمِيعًا، بَصِيرًا، قَوِيًّا، قَائِمًا، بَاقِيًّا، نُورًا؛ یکتاست، بی نیاز از هر کس و هر چیزی است، همنشین و همسر و فرزند ندارد، (یعنی وجودی مستقل، بدون هرگونه وابستگی می‌باشد) حافظ و نگه دار، شنیدنی‌ها را میداند، دیدنی‌ها را آگاه است، توانا، پابرجا، ابدی، نوری است که ذاتاً ظاهر است».

۳. «عَالِمًا لَا يَجْهَلُ، قَادِرًا لَا يَعْجُزُ، غَنِيًّا لَا يَحْتَاجُ، عَدْلًا لَا يَجُورُ؛ دانایی است که نادانی در آن راه ندارد، قدرتمندی است که ناتوانی در آن نیست، بی نیازی است که احتیاج به دیگران ندارد، عادل است، که ستم پیشه نمی‌باشد».

۴. «خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، لَا شَبِيهَ لَهُ وَ لَا ضِدَّ وَ لَا نِدَّ وَ لَا كُفُو؛^(۱) هر چیزی را آفرید، و چیزی مثل او نیست. برای او شبیهی نیست و ضد و همتا و همسنگ و

۱. تحف العقول، ص ۴۷.

(۳۸)

مثلی برایش نمی‌باشد».

نقد کلام:

برای توجه بیشتر به دعای جوشن کبیر روی آوریم کنیم، هر فرازی از آن معرفت به توحید می‌باشد، که در هزار جمله، اسم‌ها و صفت‌های زیبای الهی مطرح گردیده است.

خداوند سبحان که اصل وجود است، او پاک و منزّه از هر غیر است. او غیر از وجود خالص و تنهای خودش چیزی نمی‌باشد. زیرا اگر چیزی را برای او تصور نمودی، او را دارای اجزاء و ترکیب دانستی، این با احدیت و واحدیت خالص و بی نیاز بودن از هر چیزی سازگاری نداشته، بلکه منافات دارد. اگر وابسته به همسر و فرزند و زندگی باشد، با بی نیازی مطلقش نمی‌سازد. او ابدی و ازلی، اول و آخر، ظاهر و باطن است. علم و دانشش مطلق و بر هستی مسلط و همه چیز در محضر حضرتش

(۳۹)

می‌باشد.

واحدیت الهی؛ یکتایی اوست، واحد عددی و نوعی و جنسی در او راه ندارد، بلکه واحدیت او ذاتی است؛ مثل و مانند، شبیه و نظیر ندارد.

احدیت الهی؛ یگانگی او را بیانگر است، ذاتش بسیط است، از هرگونه تقسیم و داشتن اجزاء عقلی و خارجی و وهمی پاک می‌باشد.

او از جهت ذات ظاهر است. و برای وجود و ظهور و اثباتش نیازی به غیر خود ندارد، زیرا نور همه چیز را نشان می‌دهد. نور ظهورش بوسیله خودش محقق است. زیرا ظاهر و روشن است. برای اثبات وجود و ظهورش نیاز به چیزی ندارد.

«اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ^(۱)؛ خداوند نور آسمان‌ها و زمین است».

۱. نور (۲۴): ۳۵.

(۴۰)

او در صفات کمالش، آنچه هست، خوبی و خیرات می‌باشد. نه مثل بعضی حاکمان ظالم که با داشتن قدرت ظاهری دنیا، به وسیله قدرتشان به دیگران ستم می‌کنند، لذا حاکم مطلق، خداوند سبحان است، در عین داشتن قدرت دارای عدالت و علم و سایر صفات کمال و در همه موارد منزّه از تمام نقص‌ها و عیب‌ها است.

او در هیچ يك از ابعاد وجودی نظام هستی و آفرینش مخلوقات، شريك و یار و یاور، مثل و مانند، همسنگ و همردیف و ضد ندارد، زیرا چیز غیر از او، پرتوی از وجود او هستند. لذا در مقابل او چیزی نیست، تا ضد تصور گردد.

او وجود خالصی است، که پاك و منزّه از وابستگی به چیزی در عرض و کنار وجودش می‌باشد، این همان یکتایی خالص، اوست.

(۴۱)

اما در بیان؛ «كَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ غَايَةِ صَفْتِهِ وَ الْعُقُولُ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِهِ»^(۱) زبان ها از بیان نهایت وجود او و اندیشه‌ها از درك و معرفت وجودی او ناتوان می‌باشند».

پیام‌ها:

۱. اگر بشر درك وجودی او را ندارد، به خاطر این است که وجود نامحدود در تمام ابعاد، در اندیشه وجودی محدود و ضعیف، نمی‌گنجد.

خداوند سبحان، وجود مطلق و نامحدود و نامتناهی، قابل تصور در عقول ناقص و محدود انسان‌ها نیست، او قابل توصیف نیست، چون در وصف محدودیت است، زیرا وجود نامحدود در وجود محدود جای نمی‌گردد، دریا در لیوان جای نمی‌گیرد.

۲. هرکس به اندازه فهم و شعور، ظرفیت و استعداد، در مراتب مختلف علمی کسب معرفت و شناخت، درك

۱. دعای روز دوشنبه مفتاح الجنان.

(۴۲)

و فهم از هستی برای خویشتن حاصل می‌نماید. اما در این جا به این نکته مهم باید توجه نمود، که علم حقیقی نور الهی است که باید از جانب قیّاض هستی به انسان در توسل و ارتباط، در سجده و درخواست، اضافه گردد. زیرا رشد و بالندگی در شناخت حقیقی انسان در الهامات و افاضات حضرت سبحان می‌باشد.

خدایا معرفت به خودت را نصیب ما بفرما و ما را از جهل به وجودت نجات کرامت نما.

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنَا نَفْسَكَ؛ خدایا خودت را به ما معرفی نما».

۳. او صرف وجود است؛ که تنهای کاملی می‌باشد که سراسر وجودش استقلال و بدون وابستگی است.

۴. او در بی نهایت به همه کمالات آراسته و منزّه و پاك از تمام نقص‌ها و عیب‌ها می‌باشد.

(۴۳)

«فصل دوم»

انحراف از توحید

ریشه و اساس جنگ فرهنگی، دینی و اعتقادی مبارزه با اساسی‌ترین اصل اعتقادی توحید می‌باشد، هر جامعه‌ایی که زیربنا را سست و تخریب نمودند، دیگر روینایی نخواهد بود، اگر هم باشد بی‌اساس و فاقد ارزش می‌باشد.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام از حضرت علی علیه‌السلام

در مورد انحراف نظام خانواده از مسیر توحیدی و الهی فرمودند: «ماصاموا لهم و لاصلوا و لكن امرهم بمعصية الله فاطاعوهم؛ برای پدران و مادران روزه نگرفتند و نماز اقامه نمودند، لکن والدین به فرزندان دستور نافرمانی خداوند را دادند، پس فرزندان از آنها پیروی نمودند».

سپس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در مورد خارج شدن انسان‌ها و جامعه از مسیر پیروی خداوند فرمود: از پیامبر اعظم شنیدم که می‌فرمود: «مَنْ أَطَاعَ مَخْلُوقاً فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ فَقَدْ كَفَرَ وَ اتَّخَذَ إِلَهًا مِنْ دُونِ اللَّهِ^(۱)؛ کسی که آفریده‌ایی را در غیر مسیر اطاعت خداوند بزرگ و عزیز پیروی نماید، حتما کافر شده و خدایی غیر از خدای (واحد را به عنوان معبود خویش) گرفته است».

آری؛ انسان باز اطاعت غیر خدا، از مسیر توحید،

۱. تحف العقول، ص ۴۴۲.

خارج و آنگاه وارد راه کفر و غیر خدا می‌گردد.

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «لَيْسَ الْعِبَادَةُ هِيَ السُّجُودُ وَ الرُّكُوعُ إِنَّمَا هِيَ طَاعَةُ الرَّجَالِ مَنْ أَطَاعَ الْإِلَهَ الْمَخْلُوقَ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ فَقَدْ عَبَدَهُ^(۱)؛ عبادت منحصر به سجده‌ها و رکوع نمودن نیست، همانا عبادت پیروی نمودن مردان است، کسی که مخلوق را در مسیر نافرمانی خالق پیروی نماید، آن مخلوق را عبادت نموده است».

همین که انسان از دیگری اطاعت نماید، چه زن باشد یا مرد، غیر خدا را به جای خداوند عبادت کرده است، مگر این که دلیل عقلی یا شرعی، عرفی یا منطقی داشته باشد، که از باب عذر پذیرفته شود.

حضرت امام رضا از اجدادش از امیر المؤمنین علیهما السلام نقل فرمود: «لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ بِطَاعَةِ مَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ^(۲)؛ کسی که با پیروی از مخلوق در طریق نافرمانی

۱. وسائل الشیعه، ش ۲۱۲۳۱.

۲. وسائل الشیعه: ش ۲۱۲۲۷.

آفریننده دینداری نمود، دین ندارد.

پیام‌ها:

۱. هجوم فرهنگی اربابان دروغین و باطل در طول تاریخ بر علیه مسیر فطرت بشری که همان عبادت خداوند سبحان است. نشانگر این حقیقت می‌باشد؛ که جامعه توحیدی ضد منافع استکباری قدرت‌های زورگوست.

۲. این مدعیان خدایی مردم را از مسیر حقیقت توحید خارج می‌کنند، تا زمینه را برای رسیدن به منافع نامشروع خویش هموار نمایند.

۳. مسلمان‌ها باید با هوشیاری و زیرکی خاص، این نقشه‌ها و هجوم‌های ضد خدایی و دینی دشمنان را بی اثر و آن‌ها را دفع و رفع نمایند تا پیروز گردند.

«فصل سوم»

حضرت امام رضا علیه السلام و مقام نبوت

نبوت از دومین اصول اعتقادی هر مسلمانی است که ضرورت آن برای همه انسان‌ها روشن می‌باشد. زیرا بشر بدون رهبر و راهنما نمی‌تواند، خویشتن و جامعه را اداره نماید.

حضرت علی بن موسی الرضا در بیانات خویش به فضل بن سهل درباره نبوت فرمود:

۱. «وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَمِينُهُ وَ صَفْوَتُهُ مِنْ خَلْقِهِ؛ به درستی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم بنده خدا و رسولش و امین و برگزیده او از میان مخلوقاتش می‌باشد».

آری؛ او بندگی خویش را نسبت به مولایش در همه ابعاد اثبات نمود، تا به مقام رسالت منصوب گردید، در ابلاغ رسالت الهی، پاکی و تقوا، امانت داری و سلامت در بیان احکام را به درجه اعلائی آن رساند. لذا خداوند او را در میان میلیاردها انسان به عنوان رسول خاتم و برگزیده خاص خودش انتخاب نمود.

۲. «سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَ أَفْضَلُ الْعَالَمِينَ، لَا نَبِيَّ بَعْدَهُ، وَ لَا تَبْدِيلَ لِمِلَّتِهِ وَ لَا تَغْيِيرَ؛ او سرور رسولان و آخرین انبیاء و با فضیلت‌ترین جهانیان می‌باشد. پیامبری بعد از او نیست. و برای آئین او تغییری نیست. و دین او دگون نمی‌شود».

۳. «وَ أَنْ جَمِيعَ مَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَسَلَّمَ أَنَّ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ، نُصَدِّقُ بِهِ؛ به درستی که تمام آن چه را حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم آورده، حقیقتی روشن است. ما آن را تصدیق می‌کنیم».

۴. «وَ بِجَمِيعِ مَنْ مَضَى قَبْلَهُ مِنْ رُسُلِ اللَّهِ وَ أَنْبِيَائِهِ وَ حُجَجِهِ؛^(۱) و به تمام انبیاء و رسولان و حجت‌های الهی قبل از او ایمان داریم».

بیان کلام:

خداوند سبحان برای گزینش بالاترین شخصیت در عالم وجود، و آخرین ثمره نظام هستی، انسانی را از منطقه گرم و دور افتاده‌ای برمی‌گزیند. که از امکانات زیبای طبیعت بهره کمتری را برده است. اما در واقع همه معنویت و عظمت در آنجاست.

از خانواده حضرت عبدالله، از نسل ابراهیم خلیل

۱. تحف العقول، ص ۴۳۸.

الرحمن علیه السلام، از فرزندان حضرت اسماعیل ذبیح الله علیه السلام یتیمی را که مدرسه و دانشگاه نرفته است، اما کلاس و نجوایش، اعتکاف و خلوت در غار حرایش، زنده کننده روح و عبادت و بندگی به محضر مولایش بود، همان مکان مقدسی که جبل النور، جبل القرآن، جبل الرحمة نامیده شده است و ملائکه الهی بال و پر گشوده، و آنجا حاضر می‌شدند، تا دل او حرم الهی و محل عشق بازی با خدا گردید، رمز بندگی را به جایی رساند، که عنوان رسالت را

زیبنده وجود خود نمود، سپس عناوین امانت داری و عصمت، بزرگی و سروری بر همه جهان هستی را ویژه خود گردانید، تا ختم رسولان شد. دین و شریعتش کتاب و رسالتش، جانشینان و احکام او، ابدیت تا قیامت یافتند. این توفیق از آن رسولی گردید، که خداوند فرمود: «لَوْلَاكَ

(۵۲)

لِمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ؛^(۱) اگر وجود تو نبود، هستی و فلک‌ها را نمی‌آفریدیم».

لذا او ثمره اصل وجود است. دیگران در نظام وجود به دنبال او و طفیلی هستی می‌باشند. این عزت و بزرگی، افتخار و عظمت از آن وجودی است، که خداوند در قرآن فرموده: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»^(۲) به درستی که خداوند و فرشتگانش بر پیامبر اعظم درود می‌فرستند. ای مؤمنین شما هم بر پیامبر اعظم سلام و درود بفرستید».

پیام‌ها:

۱. نبوت عامه: آنچه مربوط به اثبات نبوت و رسالت همه انبیاء و رسولان می‌باشد.

نبوت خاصه: آنچه مربوط به یکی از انبیاء می‌باشد.

۱. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۴۰۵.

۲. احزاب (۳۳)، ۵۶.

(۵۳)

پس آن چه مربوط به بعثت خاتم الانبیاء و رسالت و شریعت او باشد، نبوت خاصه می‌گویند. لذا کلام حضرت علی ابن موسی الرضا علیه‌السلام مربوط به نبوت عامه و خاصه می‌باشد.

۲. ایمان به تمام انبیاء الهی و شریعت و صحیفه‌ها و کتب آسمانی آن‌ها لازم و از صفات انسان با ایمان و متقی در قرآن شریف بیان شده است.

«وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ؛ (انسان‌های باتقوا) کسانی هستند که آن چه به تو نازل شده و به رسولان قبل از تو، ایمان دارند».

۳. لازمه جدا نشدنی ایمان به خدا و پیامبر اعظم، اعتقاد و ایمان داشتن به جانشینان پیامبر اعظم می‌باشد، زیرا همه آن‌ها حجت الهی هستند، در نتیجه ایمان به ولایت و امامت امامان معصوم علیهم‌السلام از جمله شرایط تحقق ایمان واقعی در محضر خدا و قرآن

(۵۴)

می‌باشد.

۴. انسان مؤمن کسی است، که به تمام آیات قرآن و احکامش، به تمام احادیث قدسی و نبوی و بیانات جانشینان پیامبر اعظم؛ دوازده مقام معصوم و حضرت زهرا علیهم‌السلام ایمان داشته، آن‌ها را با جان و دل‌پذیرا گشته، تا به اوج ایمان در محضر خداوند نایل گردد.

(۵۵)

«فصل چهارم»

معاد

نقش معاد در زندگی فردی و اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، گفتاری و رفتاری مسلمان‌ها، جایگاه بس رفیع و بلندی را دارا می‌باشد. تا آن جا که بیش از هزار آیه قرآن در بزرگترین کتاب الهی موضوع معاد را بیان نموده است. این بحث دارای فروع و بخش‌های مختلف می‌باشد. لذا این حجم از مباحث در قرآن بیانگر نقش

(۵۶)

سازنده بحث‌های معاد می‌باشد.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام موارد هفتگانه مباحث مهم معاد را یاد آور می‌شوند، که اگر جامعه انسانی این‌ها را باور نماید، هیچ تخلفی صورت نمی‌گیرد تا دادگاه و زندان و مجازات لازم داشته باشد. همه این‌ها به خاطر فقدان معرفت و شناخت و یا ضعف عقلانی و ایمانی و حجاب غرائز انسانی می‌باشد.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام در ادامه بیاناتش برای مأمون در مورد معاد فرمود: «وَأَيُّمُنُ بِعَذَابِ الْقَبْرِ وَ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ وَ الْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَ الْحِسَابِ وَ الْمِيزَانِ وَ الصِّرَاطِ^(۱)؛ ایمان به عذاب قبر و منکر و نکیر و زنده شدن بعد از مرگ و حساب رسی اعمال، و سنجش اعمال و گذشتن از پل صراط».

همه این‌ها از نشانه‌های انسان با ایمان است.

۱. تحف العقول، ص ۴۴۴.

(۵۷)

راوی می‌گوید بر امام وارد شدم.

پس حضرت برای من فرمود: علی ابن حمزه (بطاننی) مُرد؟

عرض کردم بلی.

حضرت فرمود: او وارد آتش جهنم شد.

راوی گفت: از آن خیر به فرزند و تعجب افتادم.

حضرت فرمود: از او در مورد امامت بعد از حضرت موسی پدرم سوال شد. گفت امامی بعد از او نمی‌شناسم. به او گفته شد نمی‌شناسی؟ پس ضربتی به او زده شد که قبرش پر از آتش گردید».

حضرت پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: به درستی که قبر اولین خانه آخرت است. اگر کسی از آن نجات یابد بعد از آن آسان‌تر است و اگر نجات نیابد، پس بعدش کمتر از آن نخواهد شد.

حضرت پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده که فرمود: «أَنَّ اللَّهَ

(۵۸)

تَعَالَى مَلَائِكِينَ يُعَالُ لَهُمَا: نَاكِرٌ وَ نَكِيرٌ يَنْزِلَانِ عَلَى الْمَيِّتِ فَيَسْأَلَانِهِ عَنْ رَبِّهِ وَ نَبِيِّهِ وَ دِينِهِ وَ إِمَامِهِ، فَإِنْ أَجَابَ بِالْحَقِّ سَلَّمُوهُ إِلَى مَلَائِكَةِ النَّعِيمِ، وَ إِنْ أَرْتَجَّ عَلَيْهِ سَلَّمُوهُ إِلَى مَلَائِكَةِ الْعَذَابِ؛^(۱) به درستی که برای خداوند دو فرشته است که به آن‌ها ناکر و نکیر گفته می‌شود. که بر مرده وارد می‌شوند. پس او را از پروردگارش و پیامبر و دین و امامش سؤال

می‌نمایند. اگر به حق جواب داد. او را تسلیم فرشته نعمت می‌نمایند. و اگر سخن بر او بسته شد، او را بر فرشته عذاب می‌سپارند».

حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمود: زمانی که انسان با ایمان می‌میرد، هفتاد هزار فرشته تا قبرش او را همراهی می‌نمایند، پس زمانی که داخل قبر شد، منکر و نکیر کنار او می‌نشینند، و می‌گویند.

پروردگار تو کیست؟ دین تو چیست؟ پیامبرت

۱. بحار الانوار ج ۶، ص ۲۴۵، ح ۷۲.

(۵۹)

کیست؟ پس آن مؤمن می‌گوید: خداوند پروردگارم است، محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیامبرم و اسلام دینم می‌باشد. آنگاه آن دو فرشته الهی برای رفاه او در عالم برزخ، قبرش را تا آن جا که چشم می‌بیند، گشایش می‌دهند. غذا برای او می‌آورند و شادی و بوی خوش برای او وارد می‌نمایند.

پیام‌ها:

۱. شناخت و باور نمودن، ایمان قوی بدون شك و شبه نسبت به معاد، از واجبات انسان مسلمان است.

۲. شناخت رهبر و امام جامعه از ضروریات اصول دین شمرده می‌شود، که در صورت تخلف، عذاب برزخ و دوزخ در پی دارد.

۳. در خانه قبر، کلی پرونده انسان روشن می‌شود، که تا قیامت در نعمت است، یا در عذاب الهی بسر خواهد برد.

۴. بحث‌های معاد؛ مرگ و قبر، قیامت و جهنم و

(۶۰)

بهشت، باید انسان ساز، کنترل کننده غرائز، زنده‌کننده روح اطاعت و ترك معصیت در انسان باشد.

(۶۱)

«فصل پنجم»

امام رضا علیه‌السلام و جایگاه امامت

جایگاه امامت مردم در جامعه بشری الهی است که با توجه به پیش نیازهای آن خداوند فردی را در بهترین شرایط منصوب می‌نماید.

انسان در هرکاری که می‌خواهد وارد شود، پیش نیاز آن را باید بدست آورد، مثال؛ کسی که می‌خواهد لیاقت و شایستگی دکترا را پیدا نماید، باید دوره راهنمایی و

(۶۲)

دبیرستان را پشت سر به گذارد. شایستگی و لیاقت مقام امامت از جانب خداوند عنوان بسیار بزرگی است که زینده هرکسی در هر شرایطی نیست. لذا خداوند سبحان می‌داند، این مقام را به چه کسی در کدام شرایط واگذار نماید

خداوند در قرآن می‌فرماید: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ» خداوند بهتر می‌داند، رسالت امامت و رهبری را در کجا قرار دهد».

خداوند مقام و منصب امامت را بعد از مقام بندگی (عَبْدُ) و دوستی (خَلِيلُ الرَّحْمَنِ) و عنوان رسالت (و رَسُولُهُ) به انبیائش عطا فرموده است. در این موضوع حضرت امام رضا علیه السلام در مرو که مردم اختلاف بسیار در منصب امامت کردند، بیاناتی فرمودند، که گوشه‌ای از آن را نقل می‌کنیم:

«رَأَى الْأِمَامَةَ حَصَّ اللَّهُ بِهَا إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ النَّبُوَّةِ

(۶۳)

وَالْخَلَّةِ مَرْتَبَةً ثَالِثَةً وَفَضِيلَةً شَرَفَهُ بِهَا وَأَسَادَ بِهَا ذِكْرَهُ؛

به درستی که امامت را خداوند بعد از مقام نبوت و دوستی به عنوان مرتبه سوم کمالات به حضرت ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام عطا نمود و فضیلتی است که خداوند آن پیامبر را به واسطه آن شرافت داد، و به وسیله مقام امامت نام او را یاد آور و بلند آوازه قرار داد».

پس خداوند جلیل و عزیز فرمود: «وَ إِذِ ابْتُلِيَ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»^(۱) و زمانی که خداوند حضرت ابراهیم علیه السلام را به وسیله کلماتی (اموری، کراماتی، معجزاتی، مشکلاتی) امتحان کرد، سپس آزمایشات را تمام نمود. خداوند فرمود: به درستی که من تو را برای مردم امام و رهبر قرار دادم».

«قَالَ الْخَلِيلُ سُورًا بِهَا؛ حضرت ابراهیم علیه السلام از روی شادی نسبت به این منصب امامت فرمود: «وَمِنْ دُرِّيَّتِي

۱. بقره (۲): ۱۲۴.

(۶۴)

خدايا! و از فرزندانم» برای مقام امامت انتخاب نما.

خداوند فرمود: «قَالَ لَا يَنْتَلِ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»^(۱) پیمان و عهدم (در مسئله امامت) به ظالمین نمی‌رسد».

حضرت امام رضا علیه السلام در استدلال به آیه شریفه قرآن فرمود: «فَأَبْطَلْتُ هَذِهِ الْآيَةَ إِمَامَةً كُلِّ ظَالِمٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ صَارَتْ فِي الصَّفْوَةِ؛ این آیه رهبری و امامت ظالمین را (در حکومت بر مردم) تا روز قیامت باطل نمود. و امامت را مخصوص برگزیده‌های الهی گردانید». این بیان دلالت بر انتصابی بودن امامت و رد کردن انتخابات در بحث امامت دارد. از طرف دیگر مقام رهبری به انسان‌های لایق و شایسته الهی که مدیر و مدبر، شجاع و شرایط کافی را دارا باشند، واگذار می‌گردد، پس وابستگی قومی و غیره ارزشی ندارد.

سپس حضرت فرمود: «ثُمَّ أَكْرَمَهَا اللَّهُ بِأَنْ جَعَلَهَا فِي

۱. همان.

(۶۵)

دُرِّيَّةِ أَهْلِ الصَّفْوَةِ وَ الطَّهَارَةِ»^(۱) خداوند امامت را گرامی داشت، به این که آن منصب را در میان فرزندان برگزیده و پاک قرار داد».

پیام‌ها:

۱. خداوند درجات را به ترتیب به دوستان و خاصان خویش هدیه می‌فرماید. لذا تا پیش نیاز رسالت که عبودیت و تسلیم واقعی است، محقق نگردد، مقام رسالت و نبوت به او عطا نمی‌گردد.

۲. خداوند در گزینش خویش جهت رهبری بندگان و وحی کتب آسمانی و ابلاغ احکام، افراد را از نسل‌های قبل و از عالم رحم و کودکی و نوجوانی تحت عنایات و تربیت خویش قرار می‌دهد، تا لیاقت‌ها و کمالات را برای آن عنوان بزرگ الهی کسب نمایند.

۳. خداوند رهبران را در سختترین مشکلات و

۱. تحف العقول ص ۴۶۱.

(۶۶)

از مایشات امتحان و آب دیده می‌نماید، تا خالص شوند.

۴. مقام امامت را خداوند به کسانی عطا می‌نماید، که از ریشه و اصل و نسب، از شرک و کفر و آلودگی، از عیوب ظاهری و باطنی، پاک و منزّه باشند.

گر بود پدرت فاضل
از فضل پدر تو را چه حاصل

۵. امامت انتصابی است، نه انتخابی، زیرا شناخت انسان‌ها محال عادی است، اما خداوندی که همه بندگان را با احاطه علمیش می‌شناسد، از روی حکمت و علم منصوب می‌نماید، چه کسی برای رهبری جامعه از همه شایسته‌تر می‌باشد. زیرا خالق هستی در همه کارها منزّه و پاک از همه عیب‌ها می‌باشد، پس بهترین راه را برای رهبری بندگان با توجه به تمام مصالح و مفاسد انتخاب می‌نماید.

(۶۷)

«فصل ششم»

منصب امامت جامعه

نیاز رهبری در جامعه بشری از بدیهیاتی است، که وجدان و عقل، عرف و شریعت دینی بدون هیچ ضرورتی بر آن حکم می‌نماید. این منصب، عناوینی را به رهبری اختصاص می‌دهد که حقوق و محدوده ولایت رهبر را بر جامعه و جان و مال مردم بیان گر می‌باشد. موفقیت و سربلندی، نظم و استحکام یک حکومت و

(۶۸)

کشور درگرو رهبری آگاه و بیدار مدیر و مدبر، شجاع و قوی در اداره امور می‌باشد.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْإِمَامَ زَمَامَ الدِّينِ وَ تَطَامُ الْمُسْلِمِينَ وَ صَلَاحُ الدُّنْيَا وَ عِزُّ الْمُسْلِمِينَ؛ به درستی که امامت و رهبری افسار دین است، و امامت موجب نظم و حکومت و پایداری مسلمانان است و وجود رهبر، عامل مصلحت و خوبی دنیا است، و راهبر جامعه سبب عزت مسلمانان است».

در اندیشه رضوی رکن اساسی دین و اسلام و مسلمانان در گروه رهبری و جلوداری جامعه بیان شده است و اگر مردمی این اساس را از دست به دهند، شیرازه زندگی آن‌ها در تمام ابعاد سیاسی و اقتصادی، فرهنگی و نظامی، قدرت و شوکت اسلامی و دینی، امنیت فردی و اجتماعی از هم می‌پاشد و مردم با سقوط فرهنگی و اجتماعی روبه‌رو خواهند شد، حال انسان‌ها باید از این اندیشه تابناک بهر موری کامل و به آن توجه

(۶۹)

کافی نمایند و نگذارند، دشمنان دیرینه اسلام از داخل و خارج این هدف را نشانه روند و مردم سلحشور که قرن‌ها پاسدار حریم امامت بوده‌اند، از آن غافل شده و از پشت، مورد هجوم بی رحمان و از خدا بی خبران قرار گیرند.

ملت ایران و شیعه در طول قرن‌ها به همه ملت‌ها هشدار داده، که سقوط وحدت اسلامی و قدرت و توانمند دینی هر زمانی دچار ضعف شده، به خاطر جدائی مردم از رهبری و امامت جامعه بوده است، در نتیجه اختلاف و تفرقه در این امر مهم خسارات جبران ناپذیری را برای مردم در برداشته است. حال باید جهان اسلام با تمام هوشیاری سنگربان این مرز الهی باشد، تا بتواند، اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را زنده نموده و تحرك و پویائی که از متن دین است، آن را حفظ نماید.

امامت ریاست عمومی بر امور دینی و دنیایی مردم

(۷۰)

است و ولایت او بر اموال و جان انسان‌ها و ثروت‌های عمومی کشور و جهان در واقع ولایت الهی است. زیرا خداوند این حق را به او واگذار نموده است و اختیارات را به مقام اجرائی جامعه تفویض نموده است. تا او مردم را به صورت متعادل در جهات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اعتقادی و عملی اداره نماید.

در بسیاری از آیات قرآن جایگاه آن مقامات معصوم با عنوان‌های مختلف بیان شده است. از جمله آیه انفال مالکیت و حاکمیت ائمه معصومین علیهم‌السلام در ردیف حضرت پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بیان شده است.

و در آیه اطیعوا اطاعت از امامان معصوم در ردیف پیروی از آن حضرت ذکر شده، پس پیروی بی قید و شرط و حاکمیت و مالکیت و ولایت تکوینی و تشریحی آن‌ها عظمت و بزرگی و توسعه وجودی آن‌ها را بیانگر است.

دلیل عقلی؛ عقل ضرورت امامت و رهبری جامعه را

(۷۱)

از مهمترین و اساسی‌ترین ارکان حیات و ثبات و استحکام مردم و جامعه می‌داند.

لذا شریعت دینی و فطرت و وجدان سالم انسان‌ها هم همین بیان را دارند. پس انسان‌ها باید برای حفظ حیات و ثبات زندگی خویش، کشور و وطن و سرمایه‌های خود، رشد و بالندگی انسانی خویش برای امامت و رهبری جامعه بالاترین بهاء و ارزش را قائل باشند و عملاً باید همراه با اعتقاد و اطاعت بی چون و چرا و بی قید و شرط از این منصب الهی حمایت نمایند. تا به عزت خویش در سایه هدایت و راهنمایی رهبران الهی نایل گردند.

منصب امامت با امارت و حکومت در جامعه اسلامی از یکدیگر جدا نمی‌باشد. امام جمعه و امام جماعت، رهبری مردم را عهده دار می‌باشد. نظام اجرایی جامعه باید با نظارت امامت و ولایت تحقق یابد. در صدر اسلام،

(۷۲)

مالک اشتر و نمایندگان حکومت نبوی و علوی؛ چون جعفر طیار و مالک اشتر و کسانی که در غیاب رسوا اعظم امور مدینه الرسول را عهده دار بوده‌اند. عهده داری امامت و رهبری جامعه در تمام ابعاد و جهات چون نماز جمعه و جماعت را اقامه، نظام اجتماعی را مدیریت، جمع آوری مالیات و وجوهات شرعی را عملی می‌نمودند.

ولایتی را که حضرت پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در زمان حیات خود بر مردم مسلمان داشته، امامان معصوم همه تمام آن حدود ولایت را بر مسلمین دارا بوده‌اند. در نتیجه اگر این مهم بعد از آن پیامبر خاتم محقق می‌شد، بسیاری از مشکلات مسلمان‌ها در طول تاریخ اتفاق نمی‌افتاد. جایگاه خلافت پیامبر اکرم، ولایت و امامت جامعه اسلامی بعد از آن رسول اعظم، در سخنان او و جانشینانش به صورت گسترده مطرح گردیده است.

تعریف منصب امامت در بیانات حضرت علی بن موسی الرضا:

(۷۳)

در جواب مأمون عباسی که درخواست بیان احکام را نموده است، حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «الْأَمَامُ السَّحَابُ الْمَاطِرُ وَالْغَيْثُ الْهَاطِلُ؛ امام ابری است بارنده، بارانی شدید و تند است».

مقام امامت ابر رحمت الهی است، که در زوایای مختلف زندگی بشری در جهت سعادت دنیوی و اخروی می‌بارد و همه جوانب را سیراب می‌نماید. این همان راهنمایی و ارشادات امام معصوم علیه السلام است، که در ابعاد اعتقادی، فکری و عملی انسان، سازنده و موفقیت‌آمیز می‌باشد.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «وَالسَّمَاءُ الظَّلِيلَةُ؛ امامت آسمانی سایه انداز می‌باشد».

در عرف عمومی می‌گویند، ما در زیر سایه فلانی زندگی می‌نماییم. لذا چون مسئولیت امامت فراگیر، در سطح جهانی و عموم است تشبیه شده به آسمانی که در

(۷۴)

همه جای وجود دارد، لذا سایه‌بان گسترده امامت و رهبری را به آسمانی تشبیه نموده است، که همه جا را پوشش می‌دهد. بدین معنا که امامت نوری است، که همه هستی را پوشانده، حتی همه جانوران و گیاهان و جمادات در سایه عنایات معنوی امامت الهی قرار دارند.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «وَالْأَرْضُ البَسیطَةُ؛ امامت زمینی هموار است». در این تشبیه و بیان باید به نکات ظریف توجه نمود، چنان که زمین گسترده منشاء تمام خیرات، خوبی‌ها و منافع برای انسان‌ها می‌باشد، وجود حیوانات و گیاهان، سبزی‌ها و میوه‌ها، ذخایر معدنی از طلا تا نفت و دریاها که مرکز غذایی و معدنی است، در گرو استعداد زمین می‌باشد، پس رهبر جامعه منشأ و اصل همه خیرات و رحمت بی انتهای الهی در جهات مادی و معنوی برای نظام وجود به ویژه انسان‌ها است.

(۷۵)

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «وَالْعَيْنُ العَرِيزَةُ وَالْعَدِيرُ وَالرُّوْضَةُ؛^(۱) امامت چشمه جوشان و استخر و بوستان است». امام در جامعه از جهات علمی و عملی شکوفائی خود را به نمایش می‌گذارد و هر لحظه آب تازه‌ائی از حیات رابه ارواح و عقول انسانی تقدیم می‌نماید. او استخری است، که همه چیز را در خود حفظ می‌نماید، چنان که انسان‌ها برای شادابی و نظافت روح و جان خود باید به وادی رهبر الهی و امامت معصوم قدم به گذارند، تا نشاط دینی و الگوگیری خویش را از آن مقام معصوم پاک و ناب بگیرند. امام در هر روز و ساعتی گل‌های شگفته تازه‌ابی را از گلستان حق و عدالت، وحی و نبوت به فرهنگ اعتقادی، علمی و عملی جامعه هدیه می‌نماید. لذا این جوشش همیشگی، دین و اسلام را از کهنه بودن خارج می‌نماید. و آن را تبدیل به گل

۱. تحف العقول، ص ۴۶۳.

(۷۶)

همیشه بهار می‌نماید.^(۱)
حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «الْأَمَامُ أَمِينُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَخَلْقِهِ؛^(۲) امام امین الهی در زمین خدا و در میان خلق خداوند است».

امام امین در گرفتن وحی و پیام‌های الهی، امانتداری پاک در ابلاغ آن‌ها به امت اسلامی، امین در اجرای احکام نورانی در جامعه اسلامی و عمل به آن دستورات انسان ساز الهی است. زیرا کسی که رهبر جن و انس در نظام وجود است، همه موجودات حتی جمادات او را، می‌شناسند. پاک از تمام عیب‌ها و نقص‌ها می‌شناسند. مثل این که حیوانات بی‌چاره به امامان نور جهت چاره‌گشایی پناه آورده‌اند، زیرا همه مسخر اویند و در تکوین سر تسلیم فرود آورده‌اند، از امواج رودخانه نیل در کشور مصر در زمان حضرت موسی علیه السلام گرفته، تا ماهی و

۱. برای شناخت و مطالعه بیشتر: زیارت جامعه کبیره، دعای ندبه.

۲. تحف العقول، ص ۴۶۳.

(۷۷)

حضرت یونس علیه السلام و کارد تیز در دست حضرت ابراهیم علیه السلام برای ذبح حضرت اسماعیل علیه السلام، تا شَقُّ الْقَمَرِ در مکه مکرمه بالای کوه ابوقبیس برای اثبات حقانیت و نبوت خاتم رسولان الهی و پناه آوردن گنجشک به حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام برای نجات جوجه اش از چنگ مار و پناه بردن شتر از گشتار گاه مشهد مقدس به حرم رضوی، همه اینها دلالت بر شعور و شناخت جهان هستی به اذن خداوند نسبت به این انوار الهی در جهان هستی می باشد.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «وَحُجَّتُهُ عَلٰی عِبَادِهِ»^(۱) امام حجت الهی بر بندگانش است.

حجت؛ یعنی برهان و استدلال، دلیل و راهنما.

لذا وجود امام در میان مردم اتمام حجتی است، که راه عذر خواهی بندگان را می بندد. با وجود امامی که

۱. همان.

(۷۸)

علمش بر تمام هستی احاطه دارد، جهل و نادانی در او راه ندارد. در این صورت نعمت و حجت الهی بر مردم تمام و دین برای همه به کمالش رسیده است، چون مردم کوتاهی کرده اند، راه های فرار و معذرت خواهی بر بندگان الهی بسته می باشد، چون خداوند با ارسال رسولان و امامان بر حق به عنوان وصی پیامبرش همه راه های ارشاد و رهبری و رحمت را مفتوح و زمینه را برای بهره مندی بندگانش در تمام جهات آماده و مستعد نموده است، تا آنان به کمال خویش نایل گشته و عذری برای رها نمودن از تکلیف در اختیار آنها نباشد.

پیام ها:

۱. رهبر باید محور و الگوی اعتقادی و رفتاری جامعه قرار گیرد، تا همگان از وجود او بهره مند و به عزت خویش در سایه رهبری دست یابند.

۲. اصلاح و نظم، جلوگیری از هرج و مرج و حل مشکلات و گشایش بن بست ها به برکت وجود رهبری

(۷۹)

تحقق می یابد.

۳. پیروی از امامت جامعه در ردیف پیروی بی قید و شرط از خدا و پیامبرش می باشد.

۴. وجود رهبری موجب نزول رحمت الهی در تمام زمینه ها می گردد.

۵. امامت و رهبری، امین خدا و وارث رسالت او، جانشین پیامبر الهی، بیانگر حلال و حرام و احکام انسان ساز قرآن و اسلام می باشد.

۶. تصرفات در اموال عمومی جامعه به واسطه حکم رهبری نافذ می شود، خیرات آسمان ها و زمین به واسطه آن نازنین نصیب انسان ها می گردد.

۷. سیره عملی عقلا و اجماع علما بر ضرورت رهبری در جوامع بشری است.

(۸۰)

«فصل هفتم» جایگاه امامان نور

بحث امامت و رهبری دوازده امام معصوم علیه السلام آن انوار پاك الهی که برگزیدگان خداوند هستند، از مباحث اصول اعتقادی به عنوان امامت عام مطرح هست. هدایتگرانی که الگوی انسان اسلام می‌باشند، یکی بعد از دیگری امامت جامعه را عهده‌دار بوده‌اند، تا کنون زمین از حجت رهبری الهی خالی

(۸۱)

نبوده و الان ذخیره و عصاره عالم وجود در میان انسان‌ها و جامعه است و همه از نور وجودش چون خورشید پشت ابرها بهره‌مندند. و اگر بحث در مورد امامت یکی از آنها باشد، امامت خاصه می‌باشد.

حضرت علی ابن موسی الرضا علیه‌السلام در جواب مأمون درباره امامت امامان نور بعد از حضرت علی علیه‌السلام فرمود:

۱. «و بَعْدَهُ الْأَحْسَنُ وَ الْأَحْسَنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، وَاجِدَا بَعْدَ وَاجِدٍ إِلَى يَوْمِنَا هَذَا؛^(۱) بعد از حضرت علی علیه‌السلام استمرار راه امامت از حضرات امام حسن و امام حسین علیهما‌السلام یکی پس از دیگری تا امروز». (که وجود امام دوازدهم استمرار بخش راه جانشینی پیامبر اعظم می‌باشد.)

۲. «عِتْرَةُ الرَّسُولِ، وَ أَعْلَمُهُم بِالْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ، وَ أَعْدَلُهُم بِالْقَضِيَّةِ وَ أَوْلَاهُمْ بِالْإِمَامَةِ فِي كُلِّ عَصْرِ وَ زَمَانٍ؛ اینان فرزندان رسول خدایند، داناترین مردم به کتاب خدا

۱. تحف العقول، ص ۴۳۸.

(۸۲)

و سنت پیامبر اعظم هستند، و عادل‌ترین مردم در قضاوت و حکم نمودن می‌باشند، و سزاورترین مردم به رهبری در هر دوره و زمانی هستند».

۳. «وَ أَنَّهُمُ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ أَيْمَةُ الْهُدَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا حَتَّى يَرِثَ اللَّهُ الْأَرْضَ وَ مَنْ عَلَيْهَا وَ هُوَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ؛ امامان نور ریسمان محکم و پیشوایان هدایت و اتمام حجت بر همه مردم جهان، تا این که خداوند و کسی که بر روی زمین هست، زمین را به ارث می‌برد و او بهترین وارثین است».

آری؛ خداوند و حجت او در هر زمانی و ارث حکومت بر آفریده‌ها و بندگان او هستند.

۴. «وَ أَنَّ كُلَّ مَنْ خَالَفَهُمْ ضَالٌّ مُضِلٌّ، تَارِكٌ لِلْحَقِّ وَ الْهُدَى؛ به درستی که همه کسانی که با آن‌ها (امامان نور) مخالفت کردند، گمراه و گمراه کننده می‌باشند، آن‌ها راه حق و هدایت را ترك نموده‌اند».

(۸۳)

۵. «وَ أَنَّهُمُ الْمُعَبَّرُونَ عَنِ الْقُرْآنِ، النَّاطِقُونَ عَنِ الرَّسُولِ بِالْبَيَانِ، مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُهُمْ وَ لَا يَتَوَلَّاهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مَاتَ مَيِّتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ؛ اینان مفسرین قرآن هستند، و سخنانشان با بیان از رسول خدا است، کسی که به میرد و آن‌ها را نشناسد و ولایت آن‌ها را با نام و نشان خود و اجداد و پدرانشان نپذیرد، مرگش مردن جاهلیت است». ارزش وجودی

انسان در دنیا و آخرت به وسیله شناخت و ارتباط با امامان معصوم علیهم السلام و رهبری جامعه اسلامی ارزیابی می‌گردد.

۶. «وَ أَنْ مِنْ دِينِهِمُ الْوَرَعُ وَ الْعِفَّةُ وَ الصَّدَقُ وَ الصَّلَاحُ وَ الْجِتْهَادُ وَ آدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبِرِّ وَ الْفَاجِرِ؛ وَ هَمَانَا مِنْ دِينِهَا تَوَاضَعُ وَ كَوَاجِبُ، وَ پَاكِي وَ صِدَاقَت وَ رَاسَتِي، اَصْلَاحِ اَمُورِ وَ كُوشِشِ وَ جَدِيدَتِ (در راه نشر و ترویج اسلام، در جبهه‌های فرهنگی و جهاد با دشمن درون و برون) و پرداختن امانت به خوبان و ظالمین می‌باشد».

(۸۴)

۷. «وَ طُولُ السُّجُودِ وَ الْقِيَامُ بِاللَّيْلِ وَ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَ اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ وَ حُسْنُ الصُّحْبَةِ؛ (از سیره آن امامان نور) سجده‌ها را طولانی نمودن و نماز شب را اقامه کردن و دوری از کارهای حرام، و با مقاومت در انتظار گشایش بودن و زیبا همنشین بودن».

۸. «وَ حُسْنُ الْجَوَارِ، وَ بَذْلُ الْمَعْرُوفِ، وَ كَفُّ الْأَذَى، وَ بَسْطُ الْوَجْهِ، وَ النَّصِيحَةُ وَ الرَّحْمَةُ لِلْمُؤْمِنِينَ؛^(۱) و از سجایای آن پیشوایان پاک) خوب همسایه داری نمودن، و خوبیها را بخشیدن، (به دیگران خوبی نمودن) و از اذیت کردن دیگران محفوظ ماندن، روی خوش داشتن و نصیحت کردن برای انسان‌های با ایمان مهربانی و بخشش نمودن».

بیان کلام:

امامان نور قرآن ناطقند، که تفسیر حقیقی، ظاهری و

۱. تحف العقول، ص ۴۳۹.

(۸۵)

باطنی قرآن را بیان کردند، آن‌ها عینیت کامل وجود انسان معرفی شده در قرآنند، بیان آن‌ها روشن‌گر کلام رسول خدا است، و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم هم جز از وحی سخن نمی‌گوید. پس کلام امامان معصوم علیهم السلام همان سخن الهی است. قرآن می‌فرماید: «مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ^(۱) اِنْ هُوَ اِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ^(۲)؛ آن رسول الهی عن خواسته نفس سخن نمی‌گوید، کلام او فقط وحی است، که بطریق خاصی به او الهام می‌گردد».

لذا شناخت آنان و قرار گرفتن در طریق اندیشه و سیره عملی آن‌ها و پذیرفتن ولایتشان آن‌ها بر اموال و جان‌ها و بر نظام وجود که همان ولایت الهی است، از واجب‌ترین احکام الهی به شمار می‌رود، و رمز حیات و زنده بودن، بالندگی و رشد، پویایی و تکامل انسان جامع است. در نتیجه شناخت امام و رهبر، اطاعت و

۱. نجم (۵۳): ۴ و ۳.

۲.

(۸۶)

تقلید از کار شناسان دینی در روایات، زیر بنای اعتقادی و احکام عملی اسلام و رمز مقبولی انسان بیان گردیده است.

«اللَّهُمَّ عَرَفْنِي نَفْسَكَ؛ خدایا! خویشتن را به من معرفی فرما.

«اللَّهُمَّ عَرَفْنِي رَسُولَكَ؛ خدایا! رسولت را به من بشناسان.

«اللَّهُمَّ عَرَفْنِي حُجَّتَكَ؛ بارالها! نسبت به امامان نور و حجت‌های بر حقت شناخت و شعور به من کرامت فرما»، تا از زندگی و مرگ جاهلانه نجات و به حیات و مرگ با عزت و شرف نایل گردم.

«و إن لم تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ظَلَلْتُ عَن دِينِي؛ اگر حجت خود را به من معرفی ننمایی از دینم گمراه شده‌ام».

پیام‌ها:

(۸۷)

۱. رمز سعادت و بالندگی حکومت، استقلال فرهنگی و سیاسی تمامیت ارضی يك کشور و ملت در گرو سلامت امامت و رهبری الهی در جامعه و قرار گرفتن مردم در جهت اطاعت از او می‌باشد.

۲. عشق و شور، حرکت و تحول و هدفدار بودن مردم و جامعه، وابسته به بیانات و دستورات و قوانین رهبری و حکومتی می‌باشد، بویژه زمانی که آن‌ها از طریق قرآن و وحی، نبوت و امامت امامان معصوم بیان گردیده باشد.

۳. انسان باید کتاب قانون را از معلم واقعی آن بی آموزد، نه هر تفسیری و تأویلی را دنبال کند، بدون این که بداند، قرآن ناطق کیست.

۴. اینان در تمام کمالات الگوی تمام نمای بشریت و انسانیت بوده و جلوه تحقق یافته اسماء و صفات زیبایی الهی هستند. از این جهت همه وظیفه دارند، از چهارده نور پاك برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت در

(۸۸)

اندیشه و اعتقاد، در رفتار و گفتار و... الگوگیری نمایند.

(۸۹)

«فصل هشتم»

شناخت حق رهبری

مرز موفقیت و سربلندی جامعه و مردم زندگی اجتماعی و فردی در گرو داشتن راهبر و راهنمای الهی می‌باشد. زیرا این گونه هدایت‌ها چون از جانب خالق جهان هستی می‌باشد، بر مبانی فطری و آفرینشی انسان‌ها استوار گردیده‌است. در این پویایی و سیر تکاملی منافع و بالندگی‌های دنیا و آخرت مردم

(۹۰)

مسلمان در گرو هدایت‌های جانشین خدا به عنوان هدف اصلی مورد توجه قرار گرفته‌است، لذا همه انسان‌ها باید امامت را از مهم‌ترین ارکان اعتقادی و عملی خویش در زندگی رفتاری، در جامعه و فرد به حساب آورند، تا پیروز و موفق گردند.

حضرت امام رضا علیه‌السلام برای داود بن قاسم جعفری فرمود:

«يا داؤدُ إِنَّ لَنَا عَلَيْكُمْ حَقًّا بِرَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ إِنَّ لَكُمْ عَلَيْنَا حَقًّا، فَمَنْ عَرَفَ حَقَّنَا وَجَبَ حَقُّهُ، وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْ حَقَّنَا فَلَا حَقَّ لَهُ؛^(۱) ای داود به درستی که برای ما بر عهده شما به خاطر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حقی است، و همانا برای شما بر عهده ما حقی می‌باشد. پس کسی که حق ما را شناخت، ادای حقش واجب است، و کسی حق ما را نشناخت پس حقی برای او از طرف ما نیست».

لذا کسانی که از شناخت امامت و وظایف خویش در قبال رهبری جامعه بهره ایی نبرده‌اند، چون مرده بی‌جان، بی‌بهره بوده، جاهلان به دنیا آمدند و رفتند. شناخت امام در واقع؛ معرفت به همه دین، یافتن واقعیت‌ها، درک حقایق، قرار گرفتن در صراط مستقیم و الگوی‌گیری از انسان کامل الهی می‌باشد، که همین رمز موفقیت و کمال پیروزی انسان حقیقی می‌باشد.

«اللَّهُمَّ عَرَّفْتِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي؛ خدایا راهنمای خودت را به من معرفی نما، پس به درستی که اگر هدایت‌گرت را به من نشناسانی، از دینم گمراه گردیده‌ام». شناخت خانواده و بیوگرافی شخصی مراد نیست بلکه شناخت جایگاه امام و وظایفی که بر آن مرتبت می‌شود و انسان را ملزم می‌نماید که از آن مقام رهبری پیروی نماید.

مراتب حقوق؛

۱. حقوق خداوند بر مردم؛ حق بین خالق و مخلوق: ایمان به اصول اعتقادی و عمل نمودن به دستورات قرآن، انجام واجبات و ترک کارهای حرام، خلاصه؛ در مسیر دین و قانون الهی زندگی نمودن.
۲. حقوق بنده بر مولی؛ خداوند به وعده‌ها و وعیدهای خود در دنیا و آخرت و آن چه را ضمانت نموده، چون روزی انسان‌ها، وفا نماید، آن چه که لایق و زبینه مولای کریم و رحیم است، نسبت به بندگانش انجام دادن.
۳. حقوق بین مردم؛ چون حقوق بین والدین و فرزندان و بالعکس حقوق بین برادران و خواهران نسبی (اقوام)، حقوق بین برادران و خواهران دینی، حقوق بین همسایه‌ها، مراعات این موارد، جامعه را به بالندگی و کمال و نوع دوستی رهنمون می‌نماید.
۴. حقوق اجتماعی؛ نفس زندگی اجتماعی حقوقی را

بین مردم واجب می‌نماید، مثل این که کار و هنر و خواسته هر انسانی نباید ضرر زننده و نابود کننده حقوق دیگران باشد، چرا که اجتماع خانه همه افراد است، هر کس آزاد نیست، به هر گونه که می‌خواهد، زندگی کند، آزادی بله؛ اما به شرط این که این آزادی موجب سلب آسایش و رفاه و حقوق دیگران نباشد. پس حقوق اجتماعی ایجاب می‌نماید، که همه مردم زندگی خویش را در محدوده قانون ادامه داده، به کسی ستمی روا ندارند. حقوق اجتماعی شامل حقوق مردم و رهبران حکومت می‌باشد، زیرا مثلاً لامپ خیابان، چمن و فضای سبز در حقوق اجتماعی مطرح است، هر فردی باید به گونه‌ای بهره ببرد، که مزاحم استفاده دیگران و ضرر زننده به حکومت و دستگاه اجرایی نباشد.

۵. حقوق فردی؛ هر فردی در زندگی خویش دارای حقوقی است، که دیگران حق ظلم نمودن به آن را

ندارد، حق هر انسانی زندگی در شهر و دیار خویش آسایش و آرامش، تأمین زندگی می‌باشد، لذا نباید رفتار عملی عده‌ای حقوق دیگران را سلب نموده، موجب سقوط آزادی و آبادی زندگی آنان گردد.

۶. حقوق بین رهبر دینی و مردم؛ مردمی که امام و رهبر خویش را نشناسند، بهره‌ای از زندگی و سعادت دنیا و آخرت نمی‌برند. چرا که عزت بشر در پناه عمل به دین و قرآن و دستورات انسان‌ساز اسلام است. لذا این امر مهم جز با شناخت و اطاعت بی قید و شرط از رهبران الهی که معلمان و مفسران قرآن و سنت نبوی هستند؛ تحقق نمی‌یابد. امام و رهبر جامعه باید با تمام اسماء و صفات حسناى الهی با امت و مردم خویش به گونه‌ای عمل نماید، که مردم در تمام

جهات با اخلاق و رفتار عملی او به اسلام گرایش پیدا نمایند، چون حضرت رسول گرامی صلی الله علیه و آله وسلم که در طول بیست و

(۹۵)

سه سال در مکه و مدینه، در جنگ‌ها و هجرت‌ها در سفر و حضر، در خشم و شادی به گونه‌ای عمل نمود، که دشمن ترین افراد اسلام آوردند، هم چنین تاریخ زندگی حضرت علی و زهرا و همه امامان معصوم علیهم السلام در سخت‌ترین شرایط اجتماعی و فردی، حکومتی و سیاسی و... انسان‌ها را به وظایف دینی بین رهبر و مردم، و بالعکس آشنا نموده است. اگر بشریت به حقوق ذکر شده، عمل نماید، به زندگی با عزت و افتخار آفرین خویش نایل گشته، دنیا و آخرت خویش را آباد می‌نماید و گرنه سقوط کرده و قادر به جبران خسارت‌های وارده نخواهد بود.

برای بررسی و آشنایی به جزئیات حقوق بین مردم و رهبر به نامه‌ای که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به مالکت اشتر نخعی فرماندار مصر نوشت، مراجعه گردد^(۱).

۱. نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه ۵۳.

(۹۶)

حضرت امام رضا علیه السلام بعد از بیان تفسیر آیه خمس، درباره آیه انفال^(۱) که روشنگر اموال عمومی مثل دریاها و جنگلها می‌باشد، فرمود:

«وَ كَذَلِكَ الْفِيَّئُ مَا رَضِيَهُ لِنَفْسِهِ وَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَضِيَهُ لِذِي الْقُرْبَىٰ كَمَا جازَلَهُمْ فِي الْغَنِيمَةِ قَبْدًا بِنَفْسِهِ، ثُمَّ بِرَسُولِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ بِهِمْ، وَ قَرَنَ سَهْمُهُمْ بِسَهْمِ اللهِ وَ سَهْمِ رَسُولِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؛^(۲) اموال عمومی این چنین است، آنچه را خداوند برای خودش و پیامبرش راضی شده، برای اقوام و خویشان پیامبر هم راضی گردید، آن گونه که در غنیمت و خمس بیان شد. پس اول خودش را آغاز نمود، سپس رسولش را و بعد امامان معصوم را که جانشینان پیامبرند و سهم آن امامان را به سهم خدا و رسولش نزدیک نمود».

۱. «سئَلْتَنكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ (انفال: ۸)؛ ای پیامبر اعظم درباره اموال عمومی از تو سؤال می‌کنند، بگو برای خدا و رسول است».

۲. تحف العقول، ص ۵۸.

(۹۷)

حضرت علی ابن موسی الرضا علیه السلام فرمود: هم چنان که خمس و اموال عمومی نسبت به خدا و رسول و امامان نور یك نواخت می‌باشد. در بحث اطاعت از خدا و رسول و دوازده مقام عصمت هم این تساوی و هم‌سویی به چشم می‌خورد.

لذا حضرت این گونه در بحث اطاعت بیان نمود: خداوند عزیز و جلیل می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ ای مؤمنین خداوند را اطاعت کنید و رسول و صاحبان امر (دوازده امام معصوم علیهم السلام) را اطاعت نمایید».

کلمه اطاعت بین رسول و صاحبان امر در آیه تکرار نشده، همین دلیل برای اثبات نبودن فرق بین اطاعت از حضرت رسول و جانشینان معصومش علیهم السلام کافی است.

سپس حضرت فرمود: «قَبْدًا بِنَفْسِهِ، ثُمَّ بِرَسُولِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»

ثُمَّ بِأَهْلِ بَيْتِهِ؛^(۱) پس خداوند خودش را آغاز نمود، سپس رسولش را و بعد اهل بیتش را».

پس حضرت امام رضا علیه السلام درباره ولایت آن امامان معصوم علیهم السلام فرمود: «وَكَذَلِكَ آيَةُ الْوَلَايَةِ؛ و به همان صورت (که آیات خمس و انفال و اطاعت را روشن نمود). آیه ولایت را بیان فرمود».

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا؛ به درستی که خداوند و رسولش و کسانی که ایمان آوردند (چهارده معصوم علیهم السلام و علما و مؤمنین واقعی در همه کارها و امور) بر شما ولایت دارند».

حضرت در ادامه بیان نمود: «فَجَعَلَ وَلَايَتَهُمْ مَعَ طَاعَةِ الرَّسُولِ مَقْرُونَةً بِطَاعَتِهِ كَمَا جَعَلَ سَهْمَهُ مَعَ سَهْمِ الرَّسُولِ مَقْرُونًا بِأَسْهُمِهِمْ فِي الْغَنِيمَةِ وَالْفَيْءِ؛^(۲) پس خداوند ولایت دوازده امام علیهم السلام را با پیروی از رسول به

۱. تحف العقول، ص ۵۸

۲. تحف العقول، ص ۵۸

اطاعت از خودش نزدیک نمود، هم چنان که سهم خودش را با رسول در غنیمت و انفال با سهم امامان نور نزدیک و یکی قرار داد».

سپس حضرت امام فرمود: «فَقَبَارِكَ اللَّهُ مَا أَعْظَمَ نِعْمَتِهِ عَلَيَّ أَهْلِي هَذَا الْبَيْتِ؛^(۱) پس خداوند مبارک نمود، آن مقدار از نعمت هایش را که بر این خاندان (چهارده معصوم علیهم السلام) بزرگ نمود».

آیات درباره حقوق رهبری

اما دو آیه اطاعت و ولایت که در سخنان حضرت بیان شد، تکرار نمی‌کنیم.

آیه سوم: «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا؛^(۲) آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم برای شما آورد، بپذیرید [پس عمل نمایید] و آن چه شما را از آن نهی نمود، دست بردارید، [و ترک کنید]». آیات الهی

۱. تحف العقول، ص ۵۸

۲. حشر (۵۹): ۷.

دلالت بر آن دارند، که انسان باید در مسیر خدا و رسول و جانشینان او قدم بردارد، تا خداوند و پیامبر اعظم و امامان نور علیهم السلام حق او را در دنیا و آخرت به خاطر تسلیم بودن و اطاعتش ادا نمایند. پس ادای حقوق از یک طرف نمی‌باشد، بلکه دو طرفه است.

آیه چهارم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛^(۱) ای کسانی که ایمان آوردید. در هیچ کاری بر رسول خدا پیشی نگیرید، از خداوند بترسید، به درستی که او شنوا و آگاه است». اگر انسان در سخنان از رهبری جلو افتاد، آهنگ صدایش را بلند نمود، اگر در اندیشه و عمل از آن رهبران الهی سبقت گرفت، خداوند به اعتقاد و ایمان و رفتار آن بنده‌اش آگاه است، که حق رهبری را انجام نداد، زیرا ما در محضر خداییم.

(۱۰۱)

آیه پنجم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ»^(۱) ای کسانی که ایمان آوردید، صدایتان را بالاتر از صدای رسول ننمایید و گفتارِتان را آشکار نکنید، مثل ظاهر نمودن بعضی از شما برای بعضی دیگر، این رفتار، کارهای (نیکوی) شما را تخریب می‌گرداند، در حالی که خودتان نمی‌فهمید».

لذا خداوند در ادامه بحث در ذیل آیات بعد می‌فرماید: «کسانی که صدایشان را در محضر پیامبر پایین می‌آوردند، خداوند دل‌های آن‌ها را با تقوا آزمایش نموده، برای آن‌ها مغفرت و پاداش بزرگ قرار می‌دهد، همانا کسانی که از پشت خانه‌ها صدای تو می‌زنند، بیشتر آن‌ها اندیشه نمی‌کنند».^(۲)

این مجموعه آیات دلالت دارد، که انسان باید دنبال

(۱۰۲)

رهبری الهی باشد، نه جلوتر او قدمی بردارد و نه از مسیر فکری و عملی او عقب بیاقتد و راه را گم کرده و در بیراهه قدم بگذارد.

اطاعت از رهبران الهی در هر زمانی، ضرورت قطعی داشته، واجب‌تر از همه احکام اسلام است، زیرا دین با رهبری مقامات معصوم زنده و بدون آن تعطیل می‌گردد. نماز و روزه، حج و جهاد، خمس و زکات، و همه اصول و فروع دین و اخلاق اسلامی بدون ولایت الهی؛ نبوی و علوی، استمرار نمی‌یابد و آن راه امامت، تحقق نمی‌یابد.

پیام‌ها:

۱. از مهم‌ترین واجبات الهی، شناخت امام معصوم و الگوگیری اعتقادی و رفتاری از او می‌باشد.

۲. وفای به حقوق متقابل بین رهبری و مردم از وظایف عرفی و عقلانی، شرعی و دینی هر فردی

(۱۰۳)

می‌باشد.

۳. پیروی از خدا و رسولش در گرو اطاعت از امامان نور، همان جانشینان معصوم پیامبر اعظم می‌باشد، سپس تقلید از علمای ربانی، تحقق بخش آرمان‌های اسلامی است.

۴. مالك و حاكم اموال عمومی جهان و کشور، خداوند و پیامبر، امامان معصوم و ولی فقیه می‌باشد.

(۱۰۴)

«فصل نهم»
امامت خاصه

امامت، ولایت و وصایت خاصه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که حضرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم از روزهای اول رسالتش با کنایه و بیاناتشان، اشاره و تصریح می نمودند، سرانجام در آخرین سال عمر شریفش در بازگشت از حجة الوداع که آخرین حج حضرت ختمی مرتبت بود، در روز هجدهم ذیحجه به امر خداوند

(۱۰۵)

سبحان به صورت علنی و آشکارا وصی و خلیفه خاص خود را در منطقه غدیر نزدیک مکه اعلان نمودند.

آن روز به عنوان بزرگترین عیدهای مسلمین مطرح گردیده در نزد شیعه و سنی اصل مسئله غدیر و وجود جلسه و معرفی حضرت امام علی علیه السلام قطعی و دارای تردیدی نمی باشد، اما آن معرفی حساب شده و مهم حضرت، برای اعلام وصی و جانشین به امر الهی که اتفاق شیعه و بعضی از اهل سنت می باشد، یا اعلام دوستی حضرت بوده یا جانشینی بلا فصل و تکلیف الهی برای منصوب نمودن حضرت علی علیه السلام مورد اختلاف قرار گرفته است. اما واضح است مسئله صرف دوستی و محبت این همه مقدمات و جلسات نمی خواهد. دوستی واقعی هم در اطاعت و پیروی ثابت می شود، اگر همان دوستی را هم جهان اسلام عمل می نمود، باید آنقدر اهانت ها و جسارت ها به ساحت اقدس آن مقامات

(۱۰۶)

امامت و خلافت حقیقی پیامبر نمی شد، هیچ کدام را عمل نکردند و به اسلام آن همه ضربه زدند.

حضرت علی ابن موسی الرضا علیه السلام در جواب مأمون عباسی که درخواست نموده حلال و حرام، واجبات و سنت ها را برایم جمع نما، در فرازی از بیاناتش درباره ولایت حضرت علی علیه السلام فرمود: «وَ أَنَّ الدَّلِيلَ وَ الْحُجَّةَ مِنْ بَعْدِهِ عَلَى امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْقَائِمِ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ وَ النَّاطِقِ عَنِ الْقُرْآنِ وَ الْعَالِمِ بِأَحْكَامِهِ، أَخُوهُ وَ خَلِيفَتُهُ وَ وَصِيُّهُ؛ دَلِيلٌ وَ حُجَّةٌ بَعْدَ أَنْ يُبَايِعَ الْعَظَمَاءُ حَضْرَتَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِمَّا بَشَّرَهُ بِهِ، أَنْ يَكُونَ لَهُ الْوَلَايَةُ وَ الْحُجَّةُ بِأَمْرِ اللَّهِ وَ رِضَا الْمَلَائِكَةِ وَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْعَالَمِينَ».

«وَ الَّذِي كَانَ مِنْهُ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ وَ أَنْ كَسَى كَسْبَهُ نِسْبَةَ حَضْرَتِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ نِسْبَةَ مُوسَى».

(۱۰۷)

است، حضرت علی ابن ابی طالب امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد».

وَ اِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدُ الْعُرَّةِ الْمُحَجَّلِينَ،^(۱) يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ اَفْضَلُ الْوَصِيِّينَ بَعْدَ النَّبِيِّينَ؛^(۲) او پیشوای انسان های با تقوی است، و رهبر سفید رویان و چهره های نورانی، پادشاه مؤمنین و بالاترین جانشینان بعد از انبیای الهی است».

بیان کلام:

عقل و شرع، وجدان و عرف عمومی مردم، سیره عملی عقلاء در زندگی اجتماعی، همه به گونه ایی واحد حکم به ضرورت رهبری و جانشینی پیامبر اعظم الهی می نمایند، زیرا خداوند حکیمی که همه بیانات و احکام و افعالش از روی حساب و دقت و حکمت است، این گونه

۱. یَوْمَ تَبْيَضُّ وَجُوهُ: روز قیامت، روزی است که چهره های سفید و نورانی است. (مؤمنین)

۲. تحف العقول، ص ۴۳۸.

(۱۰۸)

نیست، که استمرار راه رسالت خاتم پیامبران را مسکوت بگذارد. و آن را رها نماید. امری که حیات و زندگی اجتماعی و فردی بشر در گرو، آن است، مطلبی که نتیجه و ثمره بعثت همه انبیاء و نزول کتاب های آسمانی است.

لذا پیامبر اعظم مسئله جانشینی خویش را از روزهای اول رسالتش در مکه مکرمه و سپس در مدینه منوره به وسیله آیات و روایات بسیاری؛ چون آیه انذار، حدیث منزلت، ثقلین و... بیان نمود. که باید کتاب‌های ویژه موضوع امامت را مورد مطالعه و اندیشه و دقت قرار داد.^(۱)

ضرورت استمرار پیام رسانی الهی و ابلاغ احکام خداوندی در طول تاریخ بیان‌گر تداوم راه نبوت و رسالت، در قالب امامت جامعه می‌باشد. بر این اساس

۱. به فصل هشتم و دهم مراجعه شود.

(۱۰۹)

معرفی جانشینان مشخص و معین از جانب حضرت خاتم الانبیاء یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر و یک وظیفه قطعی الهی بوده که خداوند در قرآن شریف، کوشش جهت ابلاغ استمرار راه رسالت و جانشینی پیامبر اعظمش را از بیست و سه سال تلاش و کوشش، هجرت و جهاد آن رسولش در راه ابلاغ رسالتش بالاتر می‌شمارد.

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ؛ ای رسول آن چه از جانب پروردگارت به تو نازل شده ابلاغ نما (مسئله ولایت حضرت علی علیه‌السلام و جانشین را معین نمودن) و اگر این امر مهم را انجام ندهی، رسالت الهی را ابلاغ ننمودی، خداوند تو را (از شر و مفساد مردم که در جهت نصب حضرت ایجاد می‌کنند) تو را حفظ می‌نماید.»

(۱۱۰)

پیام‌ها:

۱. ابلاغ رسالت خداوند در گرو معرفی جانشین به مسلمین است.

۲. دلیل عقلی، شرعی و وجدانی بیانگر ضرورت و وجوب معرفی جانشین به عنوان مهمترین و اساسی‌ترین واجبات می‌باشد.

۳. رهبران و الگوی مردم باید در تمام ابعاد و جهات وجودی، در زندگی علمی و عملی پاک از عیوب باشند. لذا اینان که مقام معصوم و الگوی بشریت هستند، ضرورت وجودشان را عقل و شرع، عرف و وجدان از اولین بدیهیات می‌داند.

۴. چون خداوند آگاه به همه انسان‌هاست، لذا بهترین‌ها را چون حضرت علی علیه‌السلام و یازده امام بعد از او که دارای تمام کمالات وجودی هستند برای استمرار راه پیامبرانش معین و منصوب می‌نماید.

(۱۱۱)

۵. در روز عید غدیر با معرفی حضرت علی علیه‌السلام دین اسلام به کمال رسید و نعمت الهی تمام گشت، و رضایت خداوند در تکمیل دین به وسیله ولایت امیرالمؤمنین تحقق گردید، که با عدم معرفی آن وجود نازنین، اسلام و قرآن و نعمت الهی ناقص و نارضایتی خداوند را به همراه دارد.

(۱۱۲)

«فصل دهم»

امام رضا علیه‌السلام و شیعه

شیعه به معنای پیرو اعتقادی و عملی از امام و مقتدای خویش می‌باشد چنانچه واژه شیعه در قرآن شریف مطرح شده است که خداوند در داستان حضرت ابراهیم علیها السلام علیه السلام صلی الله علیه وسلم^(۱) رحمه الله رحمة الله این رفتار باید به گونه‌ای باشد که انسان‌ها زینت‌بخش امامان و رهبران خود

۱. (۱) - صافات (۳۷) آیه ۸۳

(۱۱۳)

گردند. به مصداق سخنان گهر بار حضرت امام صادق علیه السلام که فرمود: «كُونُوا لَنَا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا لَنَا شَيْنًا؛ شما برای ما (در سیره و رفتار، گفتار و کردار تان) زینت بخش باشید و برای ما ذلت آفرین و بد نباشید». شیعه کسی است که در اطاعت از امام معصوم بی چون و چرا تسلیم باشد. اگر به او فرمود: به آتش وارد شو، بدون تأمل وارد گردد. شیعه به آن فردی اطلاق می‌شود که در ایام حزن آنان عزادار و در ایام شادی آنان مسرور باشد. ملاک‌های شیعه بودن را روایات بسیاری بیان نموده است.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام از پدرش نقل می‌نماید، که حضرت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

«شِيعَةٌ عَلَى هُمْ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^(۱) پیروان حضرت علی علیه السلام در روز قیامت پیروزند».

شیعه یعنی از اسوه‌ها و الگوهای معصوم پیروی

۱. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۵۹.

(۱۱۴)

نمودن، از رهبران الهی در تمام جهات فکری و اعتقادی، عملی و رفتاری، در کلیه شئون فردی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، بلکه در تمام فرازها و نشیب‌ها، مشکلات و سختی‌های زندگی درس گرفتن، و در طریق آن‌ها زیستن.

شیعه در مسائل اعتقادی:

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ أَنْكَرَ ثَلَاثَةً فَلَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا: الْمِعْرَاجُ، وَ الْمَسْأَلَةُ فِي الْقَبْرِ وَ الشَّفَاعَةُ»^(۱) کسی که سه چیز را انکار نماید. از شیعیان ما نیست. معراج (پیامبر اعظم اسلام که در اول سوره اسراء آمده) و سؤال نمودن در قبر و شفاعت را. شفاعت اهل بیت و شهداء و علماء و کسانی که در قیامت به آن‌ها حق شفاعت و اگذار گردیده است.

وضع شیعه در برزخ و دوزخ:

۱. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۲۳.

(۱۱۵)

حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنْ أُمَّتِي سَبْعُونَ أَلْفًا لَا حِسَابَ عَلَيْهِمْ وَ لَا عَذَابَ؛ از امت من هفتاد هزار نفر بدون حساب و مجازات وارد بهشت می‌گردند.

سپس حضرت به امام علی علیه السلام توجه نمود و فرمود: «هُمُ شِيعَتُكَ وَ أَنْتَ إِمَامُهُمْ؛ آن‌ها پیروان تو و شما رهبر و جلو دار آنان هستی».

زید بن علی بن الحسین از پدرش حضرت امام سجاد علیه السلام و او از جدش امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند، که حضرت فرمود: «شَكَوْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حَسَدَ النَّاسِ أَيَّامِي؛ از این که مردم نسبت به من حسادت می‌نمایند. به محضر رسول خدا شکایت نمودم».

حضرت فرمود: «بِأَعْلَىٰ إِنَّ أَوْلَٰ أَرْبَعَةٍ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ أَنَا وَ أَنْتَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ. وَ ذُرِّيَّتُنَا خَلْفُ ظُهُورِنَا وَ

(۱۱۶)

أَحْبَابُنَا خَلْفُ ذُرِّيَّتِنَا وَ أَشْيَاعُنَا عَنَ أَيْمَانُنَا وَ شِمَائِلُنَا؛^(۱) ای علی به درستی که اولین چهار نفری که به بهشت وارد می‌شوند. من و شما و امام حسن و امام حسین علیهم السلام هستیم. و پشت سر ما فرزندان ما و دوستان ما پشت سر فرزندانمان و شیعیان ما از راست و چپ ما وارد بهشت می‌گردند».

پیام‌ها:

۱. الگوگیری رفتاری مأموم از امام خویش، او را به مرز دوست واقعی و شیعه بودن نایل می‌نماید.
۲. شیعیان چهارده معصوم علیهم السلام در دنیا و برزخ و قیامت، جایگاه عزت، شرف و پیروزی دارند.
۳. حسابرسی شیعیان همراه با شفاعت امامانشان می‌باشد.
۴. شیعیان با اعتقادات صحیح و رفتار عملی مطلوب

۱. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۲، حدیث ۶۷.

(۱۱۷)

دارای پرچم پیروزی هستند.

(۱۱۸)

بخش سوم:

گزیده‌ایی از فرمایشات حضرت علی بن موسی الرضا پیرامون مباحث فروع دین اسلام

(۱۱۹)

«فصل اول»

امام رضا علیه السلام و نماز

نماز از اساسی‌ترین اصول عملی اسلام است که جلوه تواضع و خضوع و خشوع را در محضر حضرت محبوب به نمایش می‌گذارد. بهترین جلوه روح پرستش، نماز است، که در همه ادیان الهی به نحوی مطرح بوده است و در هیچ یک از احوال این واجب الهی نباید ترك شود، مریضی و سفر، در آسمان‌ها و اعماق زمین، در دریاها و

(۱۲۰)

کوه‌ها، در حوادث و مشکلات مختلف، این واجب خدایی باید اقامه شود. این مقدار اهمیت، بیان‌گر نقش مهم سازندگی و تربیتی این حکم واجب قرآنی می‌باشد، پس باید این عمل، چنان چه در نزد خداوند در اوج اهمیت قرار گرفته، همگان آن را در صدر واجبات خویش قرار داده و از آن در همه احوال غافل نگردند.

مأمون عباسی از محضر امام رضا علیه‌السلام سؤال کرد، خداوند چگونه شما را برگزیده و شما چه فضیلتی بر امت دارید؟ حضرت در جواب به دوازده آیه از قرآن استدلال فرمود، که آخرین آن‌ها این آیه شریفه است:

۱. «وَأَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا^(۱)؛ اهلت را به نماز دستور بده و بر نماز پایدار و مقاوم باش».

۲. «فَخَصَّنَا بِهِذِهِ الْخُصُوصِيَّةِ إِذْ أَمَرْنَا مَعَ أَمْرِهِ، ثُمَّ خَصَّنَا دُونَ الْأُمَّةِ؛ پس خداوند این ویژگی را مخصوص ما

۱. طه (۲۰): ۱۲۲.

(۱۲۱)

قرار داد، زمانی که با دستور خویش به ما فرمان داد، سپس ما را نزد این امت مخصوص گردانید».

۳. «فَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَجِيءُ إِلَى بَابِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بَعْدَ نَزُولِ هَذِهِ الْآيَةِ تَسْعَةَ أَشْهُرٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ عِنْدَ حُضُورِ كُلِّ صَلَاةٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ فَيَقُولُ: «الْصَّلَاةُ بِرَحْمَتِكَ اللَّهُ»؛ پس رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بعد از نازل شدن آن آیه قرآن، نه ماه در هر روزی پنج مرتبه زمان حضور هر نمازی، به درب خانه حضرت علی و فاطمه علیهما‌السلام می‌آمد، آنگاه می‌فرمود: نماز، خدا شما را رحمت کند» آری این روش‌نگر اهمیت و ارزش و جایگاه رکن عملی اسلام یعنی نماز است، که نزد درب خانه ولایت و امامت آینده جامعه اسلامی بیان می‌نماید.

۴. «وَمَا أَكْرَمَ اللَّهُ أَحَدًا مِنْ دَرَارِي الْأَنْبِيَاءِ بِهِذِهِ الْكِرَامَةِ الَّتِي أَكْرَمَنَا اللَّهُ بِهَا وَ خَصَّنَا مَعَ جَمِيعِ أَهْلِ بَيْتِهِ؛ خداوند سبحان گرامی نداشت، هیچ فردی از فرزندان انبیاء را

(۱۲۲)

به این کرامتی که ما را مورد کرامت قرار داد، در حالی که این ویژگی را به ما و تمام اهل بیت پیامبر اعظم اختصاص داد».

۵. «فَهَذِهِ فَرْقٌ مَا بَيْنَ الْأَلِّ وَالْأُمَّةِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ^(۱)؛ پس این فرقی است، بین اهل بیت و امت. حمد و ستایش برای پروردگار جهانیان و درود خداوند بر محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که پیامبر اعظم اوست».

در روایت دیگری حضرت در جواب مأمون عباسی در مورد جامعیت شریعت در بحث نماز فرمود:

۱. نمازهای واجب یومیه:

«وَ صَلَاةُ الْفَرِيضَةِ: الظُّهْرُ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ. وَ الْعَصْرُ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ. وَ الْمَغْرِبُ ثَلَاثُ رَكَعَاتٍ وَ الْعِشَاءُ الْأَخْرَةَ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ. وَ الْفَجْرُ رَكَعَتَانِ؛ نماز واجب: نماز ظهر چهار

۱. تحف العقول، ص ۴۶۰.

(۱۲۳)

رکعت و نماز عصر چهار رکعت و مغرب سه رکعت و عشا چهار رکعت و صبح دو رکعت پس جمع آن‌ها هفده رکعت می‌شود».

۲. نمازهای نافله و مستحبی یومیه:

«وَالسُّنَّةُ أَرْبَعٌ وَثَلَاثُونَ رَكْعَةً: مِنْهَا ثَمَانٌ قَبْلَ الظُّهْرِ. وَ ثَمَانٌ بَعْدَهَا. وَ أَرْبَعٌ بَعْدَ المَغْرِبِ. وَ رَكْعَتَانِ مِنْ جُلُوسٍ بَعْدَ العِشَاءِ الاِخْرَةِ - تُعَدُّ بِوَاجِدَةٍ - وَ ثَمَانٌ فِي السَّحْرِ. وَ الْوَتْرُ ثَلَاثُ رَكْعَاتٍ وَ رَكْعَتَانِ بَعْدَ الْوَتْرِ؛ نماز سنت (نافله‌های در يك شبانه‌روز) سی و چهار رکعت: هشت رکعت نافله قبل از نماز ظهر، و هشت رکعت بعد از ظهر و چهار رکعت بعد از مغرب و دو رکعت نشسته بعد از عشاء» و هشت رکعت در سحرگان و سه رکعت نماز وتر (دو رکعت شفع و يك رکعت آخر وتر) و دو رکعت بعد از نماز وتر (که همان نافله صبح میباشد)».

نماز شب و امام رضا علیه‌السلام

(۱۲۴)

آیا وجود هفتاد هزار فرشته مقرب الهی مشایعت‌دو هدیه الهی، بیانگر اهمیت و ارزش و جایگاه این دبرای نخواهد بود؟

بله؛ وجود تشریفات ویژه از جانب خداوند سبحان برای آوردن این دو دسته گل الهی، نماز شب و نماز جماعت، گویای دریای عمیق ارزش و تأثیر گذاری این دو عمل یکی در فرد سازی خلوت شب، اندیشه در درون، بازسازی وجود و به خود آمدن، بازبینی نفس در دل آرام شب، تنبیه و سرزنش نفس اماره در سجده نیمه شب، تا این انسان در دانشگاه نیایش شبانه ساخته شده، آمادگی حضور خالصانه در اجتماع و جامعه، خدمت به مردم، زنده نمودن ارزش‌های انسانی و دینی، اقامه نمودن نماز جماعتی که به افتخارش عرشیان آن را تا فرس مشایعت نمودند. و بر اجرای آن فرمان الهی افتخار کردند، تا زیباترین چشم روشنی را

(۱۲۵)

به کاملترین مخلوقات تقدیم کنند، تا همه مردم از نورانیت این نعمت بزرگ در دنیا و آخرت استفاده کافی و وافی را ببرند. اما افسوس، صد افسوس، هزار افسوس که اکثر انسان‌ها از بدست آوردن این فضایل محروم و در غفلت و جهل نسبت به این چشم روشنی بشر بسر می‌برند. امید است؛ روزی بیاید، که بشریت از خواب غفلت بیدار و ارزش وجودی خویش را باز یابد.

۳. وقت نماز:

«وَالصَّلَاةُ فِي اَوَّلِ الْاَوْقَاتِ؛ نماز در اول زمانهاست».

۴. نماز جماعت:

«وَ فَضَّلُ الْجَمَاعَةَ عَلَى الْفَرْدِ بِكُلِّ رَكْعَةٍ اَلْفَى رَكْعَةً. وَ لَا تَصَلُّ خَلْفَ فَاجِرٍ. وَ لَا تَقْتَدِي اِلَّا بِاَهْلِ الْوَلَايَةِ^(۱)؛ و فضیلت جماعت بر نماز فرادی در هر رکعت، دو هزار رکعت

۱. تحف العقول، ص ۴۳۹.

(۱۲۶)

حساب می‌گردد. پشت سر فاجر نماز نخوان و فقط به اهل ولایت اهل بیت نماز را اقتدا فرما».

روایات و آیات در بحث نماز بسیار است. و علماء و نویسندگان در این مورد بحث‌های زیبا و مفصلی را نگاشته‌اند، که باید به آن‌ها مراجعه شود.

محروم سید در اول بحث نماز جماعت در عروه، حدیث بسیار جالبی را نقل نموده، گزیده‌ایی از آن:

حضرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: جبرئیل با هفتاد هزار فرشته بعد از نماز ظهر نزد من آمد.

جبرئیل فرمود: ای محمد صلی الله علیه و آله وسلم، بدرستی که پروردگار تو سلام می‌رساند، و دو هدیه را به شما اهداء می‌نماید.

پیامبر اعظم می‌فرماید: عرض کردم، آن دو هدیه چیست؟

جبرئیل فرمود: نماز وتر سه رکعت (دو رکعت شفع و یک رکعت وتر در پایان نافله شب اقامه شود) و نمازهای

(۱۲۷)

پنجگانه در جماعت اقامه گردد.

پیامبر اعظم فرمود: ای جبرئیل در نماز جماعت چه فضیلتی برای امتم هستم؟

جبرئیل (پس از ثواب یک نفر تا نه نفر) فرمود: پس اگر از ده نفر بیشتر شدند. اگر آسمانها کاغذ و دریاها جوهر و درختها قلم و جنیها و انسانها و فرشتهها نویسنده گردند، قدرت بر نوشتن ثواب یک رکعت آن را هم نخواهند داشت.

پیامها:

۱. نماز دانشگاه پرورش و تربیت انسان کامل است.

۲. نماز بزرگترین ذکر الهی است، که عاشقان دلباخته شیرینی آن را احساس و از آن لذت وافر می‌برند.

۳. نماز باند پرواز انسان الهی برای عروج به محضر خداوند می‌باشد.

۴. نماز بهترین سنگر حفاظتی در مقابل تمام

(۱۲۸)

وسوسه‌های شیاطین جنی و انسی و دشمنان درون و برون است.

۵. نماز انسان را از زشتیها و بدیها، گناهان و تخلفات، ظلم و تجاوز به حقوق دیگران، بلکه از همه گناهان باز می‌دارد.

۶. نماز وسیله نظافت و پاک نمودن روح و جان، فکر و اندیشه از آلودگی هاست.

۷. نماز بهترین وسیله ارتباط و نزدیک شدن مخلوق به خالق، عاشق به معشوق، عابد با معبود خویش است.

۸. نماز اساسی‌ترین اصل عملی اسلام است، که قبولی همه کارهای انسان مسلمان وابسته به قبولی نماز در محضر حضرت رب العالمین است.

۹. نماز اصل اساسی و عملی از فروع دین است، که حضرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم روز جنگ احد، و حضرت علی علیه السلام در جنگ صفین و حضرت امام حسین علیه السلام در

(۱۲۹)

ظهر عاشورا با تمام وجود در سخت‌ترین شرائط نماز جماعت را اقامه نمودند. همه مسلمین در طول تاریخ باید از این سیره برای زنده نمودن نماز الگوگیری و درس عملی بی‌آموزند.

۱۰. امامت نماز جمعه و عید و وظیفه حاکم عادل اسلامی می‌باشد.

۱۱. نماز جماعت مسلمین در پنج وعده هر روز، نمایانگر حضور عبادی، اعتقادی و عملی اسلام در برابر کفر و شرک، فسق و گناه و نفاق می‌باشد.

(۱۳۰)

«فصل دوم»

امام رضا علیه‌السلام و خمس

خمس در اصطلاح فقه اسلامی به ۵۱ اموال مازاد بر مصرف و نیاز گفته می‌شود. انسان مسلمان باید هر روز، هر ماه، هر شش ماه و یا هر سال یک مرتبه خمس اموال را که اضافه بر نیاز زندگی است، محاسبه نماید. ولی زمان واجب آن حداکثر هر سال یک مرتبه می‌باشد. این ۵۱ اموال نصف آن سهم سیدهای نیازمند است، و نصف

(۱۳۱)

دیگر آن سهم امام زمان (عج) می‌باشد. از زمان حضور امامان معصوم علیهم‌السلام بحث زکات، خمس و صدقه و مالیات حکومتی مطرح بوده و هر یک از آن‌ها جداگانه احکام خاص خودشان را دارا می‌باشد.

چون صدقه و زکات در شأن آن‌ها نبوده، خمس را که نصف آن سهم امام می‌باشد. خداوند در اختیار آن‌ها قرار داده تا در جهات و شؤونات حکومتی و غیره مصرف نماید و نصف دیگر برای فرزندان حضرت پیامبر یعنی سادات نیازمند می‌باشد.

حضرت امام رضا علیه‌السلام در حضور مأمون عباسی در بیان فضیلت عترت بر امت به آیه خمس استدلال نموده که خداوند می‌فرماید:

«وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتْمَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ

(۱۳۲)

السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ ءَامِنْتُمْ بِاللَّهِ»^(۱)

امت اسلامی بدانید، آنچه از غنیمت بدست می‌آورید، پس باید آن را برای خدا و برای رسول و اقوام قرار دهد تا واجب خمس عملی گردد.

امام در تفسیر آیه فرمود: «فَقَرَنَ سَهْمَ ذِي الْقُرْبَىٰ مَعَ سَهْمِهِ وَ سَهْمَ رَسُولِهِ فَهَذَا فَصْلٌ بَيْنَ الْآلِ وَ الْأُمَّةِ؛ پس خداوند سهم اقوام پیامبر اعظم که همان عترت است، به سهم خویش و رسولش نزدیک نمود، پس این میز و فرقی بین اهل البیت و امت است». اهل بیت دارای سهم خمس می‌باشد، ولی امت چنین نیست.

در ادامه امام فرمود: «فَهَذَا تَوْكِيدٌ مُؤَكِّدٌ وَ أَمْرٌ دَائِمٌ لَهُمْ

۱. انفال (۸): ۴۱.

۱. و بدانید همانا غنیمت‌های از چیزها (ثروت‌های بدست آمده) پس قطعی که یک پنجم آن برای خداوند، صاحبان نزدیکی (به پیامبر)

۲. و یتیمان و کسانی که ندارند و در راه مانده‌ها (از سادات)

۳. اگر شما ایمان به خداوند دارید».

إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي كِتَابِ اللَّهِ النَّاطِقِ الَّذِي «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ؛ پس این آیه و بیان خمس، تأکیدی قطعی است و دستوری دائمی برای اهل بیت در کتاب ناطق خداوند (تا روز قیامت می‌باشد). کتابی که باطل در آن راه ندارد، این کتاب نازل شده‌ای از جانب خداوند حکیم و پسندیده است».

در ادامه حدیث حضرت فرمود: «وَ سَهْمُ ذِي الْقُرْبَى إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَائِمٌ فِيهِمُ لِلْغَنَى وَ الْفَقِيرِ، لِأَنَّهُ لَا أَحَدٌ أَغْنَى مِنَ اللَّهِ وَ لَا مِنْ رَسُولِهِ فَجَعَلَ لِنَفْسِهِ مِنْهَا سَهْمًا وَ لِرَسُولِهِ سَهْمًا، فَمَا رَضِيَ لِنَفْسِهِ وَ لِرَسُولِهِ رَضِيَهُ لَهُمْ^(۱)؛

و سهم عترت تا روز قیامت برای فقیر و غنی آن‌ها پابرجاست، برای این که هیچ کس از خداوند و رسولش بی نیازتر نمی‌باشد. پس برای خودش و رسولش سهمی

۱. تحف العقول، ص ۴۶۷.

از خمس قرار داد، پس آن چه برای خود و رسولش راضی شد، برای اهل بیت هم راضی است.

پیام‌ها:

۱. يك پنجم اموال را خمس می‌گویند، يك مرتبه واجب است. پس از آن اگر سال‌ها این ثروت خمس داده شده بماند، دیگر به آن خمس تعلق نمی‌گیرد.

۲. آیه خمس اموال در قرآن شریف روشن‌گر اهمیت این واجب الهی در جهت تعادل اقتصادی جامعه، رسیدگی به امور فرزندان فقیر و نیازمند رسول خدا و عترتش، کمک به مصالح عمومی مردم و رهبری جامعه اسلامی می‌باشد، فلسفه تشریح این حکم الهی که شاید برای بشر کاملاً روشن نباشد. اما گوشه‌ای از تأثیرات سازنده تربیتی آن واجب الهی، هم چون سخاوت و ایثار، خدمت به هم‌نوعان، رسیدگی به فقراء، اصلاح امور اجتماعی، تقویت بنیان‌های دینی و فرهنگی، بر

کسی پوشیده نمی‌باشد.

۳. در زمان آغاز و حرکت انقلاب اسلامی ایران بر علیه نظام شاهنشاهی خبرنگاران در مصاحبه‌های خویش تحلیل نمودند، یکی از علت‌های موفقیت این انقلاب عدم وابستگی اقتصادی روحانیون به دولت می‌باشد، چون حوزه‌های درسی علوم دینی از جهت اقتصادی از متن دین و مردم اداره و تأمین می‌گردند، زیرا خمس و زکات و اموال عمومی در مالکیت و اختیار رهبری جامعه اسلامی است و این رمز موفقیت و عامل بزرگی در پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد. در متن قرآن و اسلام بوجه اداره شؤونات دینی تحت رهبری الهی تأمین گردیده است، هم چنین حفظ آبروی خاندان رهبری الهی یعنی سادات و علما که جانشین حضرت پیامبر هستند و وسیله بیان حکم الهی و يك واجب خدایی روشن گردیده است.

«فصل سوم»

امام رضا علیه‌السلام و زکات

آیات بسیاری در قرآن شریف بعد از اقامه نماز مسئله مهم زکات اموال را بیان می‌کند این واجب الهی برای تعادل اقتصادی جامعه جلوگیری از تمرکز و اندوخته شدن اموال، رسیدگی به امور فقرا و نیازمندان و مصالح عمومی مردم می‌باشد. حکمت تشریح این حکم الهی شاید برای بشر کاملاً روشن نباشد، اما گوشه‌ای از تأثیرات سازنده تربیتی آن واجب الهی، هم چون؛ سخاوت و ایثار، خدمت به هم‌نوعان، رسیدگی به

فقرا، اصلاح امور اجتماعی، تقویت بنیان‌های دینی و فرهنگی بر کسی پوشیده نمی‌باشد.

در قرآن شریف بارها بحث اقامه نماز و پرداخت زکات در کنار یکدیگر مطرح گردیده است. که به قول حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا محسن قرائتی واجب فراموش شده، بعضی از بزرگان چون می‌دانند که بسیاری از کشاورزان زکات پرداخت نمی‌کنند، خودشان به مقدار مصرف نان خود زکات آن را پرداخت می‌کنند مثل آن که در بحث خمس اگر کسی بداند که اموال مصرفی متعلق خمس است، باید سهم آن را پرداخت نماید.

حضرت علی ابن موسی الرضا علیه‌السلام در جواب مأمون درباره زکات اموال فرمود: «وَالزَّكَاةُ الْمَفْرُوضَةُ مِنْ كُلِّ مَائَتِي دِرْهَمٍ خَمْسَةٌ دِرْهَمٍ وَلَا تَجِبُ فِي مَادُونٍ ذَلِكَ»^(۱)؛

۱. تحف العقول، ص ۴۰.

حضرت امام رضا فرمود: زکات واجب از هر دویست درهم، پنج درهم می‌باشد و در کمتر از دویست درهم زکات واجب نیست». زکات واجب نمی‌گردد تا يك سال بگذرد. سالهای بعد هم اگر نصاب موارد زکات باقی باشد، زکات واجب است.

حضرت درباره زکات روزه فرمود: «وَالزَّكَاةُ الْفِطْرُ فَرِيضَةٌ عَلَى رَأْسِ كُلِّ صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ حُرٍّ وَ عَبْدٍ»^(۱) زکات فطره بر هر کوچک و بزرگی. آزاد و برده‌ای واجب است».

پیام‌ها:

۱. زکات فطره بر هر مسلمانی از شب عید فطر واجب می‌گردد. تا قبل از نماز عید باید پرداخت نماید. و بعد از آن هم به صورت ادای وظیفه باید این عمل واجب انجام

۱. تحف العقول، ص ۴۱.

شود.

۲. هرکس باید عیالات و افرادی که غروب شب عید فطر نان خور او محسوب می‌گردند زکات آن‌ها را پرداخت نماید.

۳. اگر میزبان کسی در شب عید فطر زکات انسان را پرداخت ننماید، پرداخت خود فرد ارزشی نداشته و تکلیف را از صاحب‌خانه ساقط نمی‌کند.

۴. زکات فطره را باید به شیعه حضرت علی علیه‌السلام پرداخت نمود.

۵. زکات غیر سیّد به سادات جایز نیست، اما سادات به غیر سیّد پرداخت نمایند، اشکال ندارد.

۶. زکات فطره ماه رمضان به کوچک و بزرگ تعلق می‌گیرد.

۷. زکات، تزکیه و پاک نمودن اموال و رشد یافتن ثروت‌ها می‌باشد.

۸. زکات در حیوانات و غلات، حبوبات و طلا و نقره به حدّ نصاب که رسید واجب می‌گردد.

۹. در قرآن خداوند بارها خطاب به مؤمنین و مسلمین فرموده: که زکات واجب را پرداخت نمایید.

۱۰. در آیات قرآن که نماز عملی عبادی بیان شده و پرداختن زکات به عنوان خدمتی مردمی و اقتصادی مطرح گردیده است. دو بال عبادی و اقتصادی انسان می‌باشد که او را به محضر الهی پرواز می‌دهد.

(۱۴۱)

«فصل چهارم»

حج و عمره

حج از واجباتی است که ما نور وسیع ان جهت تقویت جهان اسلام، تمرکز قدرت مسلمین، سامان دهی استعدادهای کشورهای اسلامی، بیان راه کارهای اجرایی، حکومتی و سیاسی، اتحاد و محبت، ایجاد برادری و برابری، زنده کردن نمادهای دینی و انگیزه‌های مذهبی، حیات و جان دادن به عبادت الهی، از جمله

(۱۴۲)

تأثیرات حجی است که با احرام درمیقات آغاز و با طواف و نماز و سعی و تقصیر پایان عمره آن تحقق می‌شود. سپس در حرم امن الهی و خانه معشوق محرم شدن، آنگاه به صحرای عرفات وارد شدن، برای رسیدن به معرفت و شناخت و نجاگری با محبوب خویش، تا رکن اول حج ابراهیمی انجام شود. پس از آن به وادی مشعر الحرام کوچ نمودن و از اذان صبح تا طلوع آفتاب به عبادت و وقوف برای خدا مشغول شدن، تا رکن دوم مناسک حج ابراهیمی تحقق یابد. آنگاه در طلوعه عید قربان به سوی منی کوچ نمودن، تا انسان تمام آرزوهای غیر خدایی را فدا نماید، برای فدا شدن و قربانی نمودن و سنگ به شیطان زدن، اعمال منی را آغاز نماید. با قربانی حج، از زیبایی سر و صورت با تراشیدن موها گذشتن، از احرام خارج شده، برای طواف و سعی به مسجد الحرام رفتن، این کنگره عظیم، این مانور بزرگ

(۱۴۳)

عبادی و سیاسی که جلوه قدرت و تجمع مسلمین است، باید بالاترین بهروری را از آن برای جهان اسلام بدست آورد، تابه موفقیت روز افزون برای اسلام و مسلمین نایل گردید.

حضرت علی ابن موسی الرضا(ع) در جواب مأمون درباره خانه خدا فرمود: «وَ حَجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا: وَالسَّبِيلُ رَأْدٌ وَ رَاحِلَةٌ: انجام حج خانه خدا بر کسی که توان و قدرت راه دارد واجب است و راه همان توشه و خرج در مسیر و وسیله رفتن است».

«وَ لَا يَجُوزُ الْحَجُّ إِلَّا مُتَمَتِّعًا وَلَا يَجُوزُ الْإِفْرَادُ وَ الْقِرَانُ الَّذِي تَعْمَلُهُ الْعَامَّةُ. وَ الْأَحْرَامُ دُونَ الْمِيقَاتِ لَا يَجُوزُ؛ فقط حج تمتع جایز است. و حج افراد و قران که اهل سنت انجام می‌دهند، جایز نیست. و محرم شدن از غیر میقات جایز نمی‌باشد».

(۱۴۴)

۳. «قَالَ اللَّهُ: وَ اتَّمُوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ؛^(۱) خداوند فرمود: حج و عمره را برای خداوند تمام نمایید».

اقسام حج؛

الف) حج تمتع که در صورت توانایی مالی و بدنی و باز بودن راه يك مرتبه بر انسان در طول عمر واجب می‌گردد، تشکیل شده از يك عمره و حج:

عمره تمتع از پنج عمل تشکیل شده است:

۱. محرم شدن در یکی از میقات‌های پنج گانه مثل مسجد جحفه از جده، مسجد شجره از مدینه الرسول و میقات‌های دیگر در راه‌های ورودی مکه مثل؛ قرن المنازل و جَعْرانه و حدیبیه.

۲. طواف عمره تمتع که باید هفت مرتبه دور کعبه گشتن، با شرایط و احکام خاص خودش.

۳. دو رکعت نماز طواف، پشت مقام ابراهیم علیه‌السلام.

۱. تحف العقول: ص ۴۴۱.

(۱۴۵)

۴. هفت مرتبه سعی صفا و مروه.

۵. تقصیر؛ چیدن مقداری از موی سر و ناخن گرفتن می‌باشد.

توجه: اگر عمره مفرده باشد طواف و نماز آن اضافه می‌شود.

حج تمتع دارای اعمال زیر است:

۱. محرم شدن در مکه مکرمه.

۲. وقوف در عرفات، به عنوان اولین رکن اساسی حج اکبر.

۳. وقوف در مشعر؛ دومین رکن عملی و شبانه حج ابراهیمی.

۴. ورود به منی و سنگ زدن به شیطان بزرگ.

۵. قربانی در منی.

۶. سر را تراشیدن و یا تقصیر نمودن، هرکسی با شرایط خاص خودش.

(۱۴۶)

۷. ماندن شب‌های یازدهم و دوازدهم ذیحجه در منی، که آن را بیتوته در منی می‌گویند که باید با قصد قربت الهی محقق شود.

۸. سنگ زدن به سه شیطان بزرگ و متوسط و کوچک که همان جَمْره صُغری و وُسطی و کُبری در روزهای یازدهم و دوازدهم ماه ذیحجه.

۹. طواف خانه خدا، کعبه معظمه.

۱۰. دو رکعت نماز طواف در مقام ابراهیم علیه‌السلام.

۱۱. هفت مرتبه سعی بین صفا و مروه.

۱۲. طواف نساء، هفت مرتبه به دور کعبه گشتن.

۱۳. دو رکعت نماز طواف نساء.

(ب) حج افراد:

این حج مخصوص اهل مکه و کسانی که در محدوده شانزده فرسخی مکه سکونت دارند و کسانی که وظیفشان عمره تمتع بوده، معذور از انجام آن

(۱۴۷)

گردیده‌اند، وقت را از دست داده، احرام عمره تمتع را تبدیل به احرام حج افراد می‌نمایند، سپس به عرفات رفته و اعمال حج را مثل دیگران انجام می‌دهند، فقط در حج افراد قربانی وجود ندارد. بعد از اعمال حج به میقات نزدیک مکه رفته، محرم به احرام عمره مفرد می‌گردند، اعمال عمره را انجام می‌دهند. بدین صورت حج و عمره را در يك سال انجام داده‌اند.

(ج) حج قرآن:

۱. حج قرآن مخصوص اهالی مکه است و کسانی که در محدوده شانزده فرسخی مکه زندگی می‌کند، فرقی با حج افراد آن است، که حاجی برای احرام بستن در میقات با خود قربانی می‌برد در این قسم حج قربانی واجب است و بقیه اعمال با حج تمتع و افراد فرقی ندارد. اما در حج افراد و قرآن برای اهالی مکه تکفیک و جدایی تکلیف حج و عمره وجود دارد به این معنا که اگر

(۱۴۸)

اهل مکه امسال به اندازه عمره استطاعت داشتند، عمره واجب را امسال انجام می‌دهند و حج را اگر در سالهای بعد مستطیع شوند، آن را عمل می‌کنند. اما برای اهالی غیر مکه حج تمتع در يك سال واجب می‌شود که تشکیل شده از عمره تمتع و حج تمتع.

(۱۴۹)

«فصل پنجم»

امام رضا علیه السلام و جهاد

جهاد یکی از فروع واجب عملی اسلام ناب است. که در طول تاریخ اسلام جهاد ابتدایی و دفاعی به دستور مقام رسالت، و امامت و رهبری جامعه اسلامی محقق گردیده است. در هر زمانی که رهبر و ولی فقیه مسلمین برای حفظ اسلام و دفاع مالی و جانی مسلمان‌ها امر نماید، بر همگان واجب می‌گردد تا در میدان نبرد حق

(۱۵۰)

علیه باطل حضور یابند. عزت و پایداری يك ملت، استقلال و آزادی يك امت در گرو آمادگی دفاعی از حیثیت و شرف خویش است.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: «وَالْجِهَادُ مَعَ إِمَامٍ عَادِلٍ وَ مَنْ قَاتَلَ دُونَ مَالِهِ وَ رَحْلِهِ وَ نَفْسِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ^(۱)؛ جهاد در رکاب و همراه امام عادل (واجب و تکلیف مسلمانان است) و کسی که در دفاع از اموال و وسایل زندگی و جان‌ش بجنگد و کشته شود. پس او شهید است.»

حضرت امام علی علیه السلام فرمود: «الْجِهَادُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَّ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ؛ تلاش و رزم و جنگ در راه خدا دربی از درب‌های بهشت است که خداوند برای دوستان خاص خود می‌گشاید.»

پیام‌ها:

(۱۵۱)

۱. شهید: کسی که در راه خداوند با نیت خالص در حال دفاع از مال و جان و دین خود و یا در جنگ با دشمن کشته شود، در اصطلاح فرهنگ قرآن و اسلام شهید نامیده می‌شود، بدنش نیاز به غسل و کفن ندارد، خونش غسل او و کفنش لباسش می‌باشد.

۲. جهاد اکبر: مبارزات با خواسته‌های نفسانی و درونی، مخالفت نمودن با غرایز نفسانی، عقل و ایمان را تقویت نمودن، شیاطین درون و بیرون را زدودن و شکستن، جهاد اکبر نامیده می‌شود، لذا انسان تا در این سنگر پیروز نشود، توفیق جهاد اصغر را در حیطه‌ها حق علیه باطل کسب نمی‌نماید.

۳. جهاد اصغر: هر گونه دفاع و جنگ با دشمنان را جهاد اصغر گویند.

۴. جهاد ابتدایی: اعلان جنگ با دشمنان دین توسط مقام معصوم را جهاد ابتدایی می‌گویند.

(۱۵۲)

۵. جهاد دفاعی: کشور یا فردی مورد هجوم دشمن قرار گرفته است، در این جا دفاع از ثروت و ناموس و اسلام و کشور وظیفه همه مردم می‌باشد. مگر این که به اندازه نیاز و دفاع رزمندگان حضور پیدا نمایند، در این جا واجب کفایی است. که این جهاد در راه خداست و کشته شدن در این طریق شهادت در راه اوست.

۶. جهاد در راه خدا روح حیاتبخش جامعه انسانی است.

۷. پویایی و هدفداری، روحیه ایمان و ایثار يك ملت و کشور، در گرو روح شجاعت و شهامت، فداکاری و جهاد و شهادت است،

۸. جهاد، سپر حفاظتی در دنیا از خطرهای دشمنان درونی و برونی و سنگر حفاظتی از آتش و عذاب اخروی می‌باشد.

۹. جهاد و شهادت در مسیر معشوق، دشمنان دین و

(۱۵۳)

امت و کشور را ناکام و ناامید می‌نماید.

۱۰. روحیه جهاد و شهادت برای دفاع از ارزش‌های انسانی و دینی، اعتقادی و الهی، در میان يك ملت موجب سربلندی و افتخار، عزت و شرف، عظمت و صلابت يك کشور و امت در جهان می‌گردد. و آنها را در مقابل دشمنان امنیت و آرامش می‌بخشد.

۱۱. جهاد در راه خدا برای رسیدن به محضر قرب الهی، بهشت برین، موجب تحقق اسما و صفات حسناى خدایی در انسان می‌گردد.

۱۲. جهاد در راه خدا، انسان را دوست خصوصی خداوند، که همان معشوق حقیقی انسان است، می‌گرداند.

(۱۵۴)

«فصل ششم»

امریه معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر دو واجب الهی است که آیات و روایات بسیاری پیرامون بیان و تحقق آن بیان شده است، انبیای الهی و امامان نور همه برای عملی شدن روح و جان این دو واجب الهی تلاش های پیگیر و بی وقفه ای را از جانب خدای خویش انجام داده تا آن جا که جان خود و اصحاب و فرزندان را در سمت و سوی آن نثار و ایثار کرده اند، خون ها و سرها، شهیدان و جانبازان بسیاری در طول تاریخ برای زنده نگهداشتن و طراوت این درخت قربانی شده است در متن زیارت

(۱۵۵)

نامه ها خاصان درگاه خدا می خوانیم: «وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ شهادت می دهم، همانا تو نماز را اقامه نمودی، زکات را پرداختی و به معروف فرمان دادی و از زشتی ها نهی نمودی». این تعبیر به صورت جمع هم در زیارت نامه ها آمده است. شما حدود اسلام را با تبلیغ و اتمام حجت، ایمان و هجرت، جهاد و شهادت، با فدا نمودن جان های خود و فرزندان و اصحاب امر به معروف و نهی منکر را اقامه نمودید و از آندفاع کردید.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود:

«وَ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ بِاللِّسَانِ وَاجِبٌ^(۱)؛ امر به معروف و نهی از منکر با زبان واجب است».

در قرآن شریف آیات بسیاری در مورد این فرع

۱. تحف العقول، ص ۴۴۴.

(۱۵۶)

عملی از فقه اسلام بیان شده است، که باید به بحث موضوعی آن مراجعه نمود.

اهل ایمان و اسلام در راه تحقق این دو واجب همه را چیز فدا می کنند اینان در مقابل دشمنان امر به معروف و نهی از منکر می نمایند.

در متون اسلامی ما، نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر همراه یکدیگر مطرح گردیده است. خداوند بهترین امت ها را کسانی معرفی می کند که اهل عمل به این دو واجب الهی هستند.

پیام ها:

۱. امر به معروف و نهی از منکر از ارکان عملی اسلام بوده، که موجب زنده شدن احکام انسان ساز اسلام می گردد، عامل حیات و پویایی جامعه و دین، در گرو اجرایی شدن این دو واجب الهی است.

۲. همه مردم باید بسیج شوند، کارهای شناخته شده

(۱۵۷)

و زیبا که موافق فطرت بشری و عقل و قلب سلیم است و اسلام بر آن تأکید عملی دارد. تحقق بخشیده، از آن تبلیغ نمایند و دیگران را به آن دستور داده و تشویق بر اجرای آن نمایند، که در اسلام به نام کارهای واجب و مستحب شناخته شده است.

۳. مردم و حکومت موظفند، آن چه از نظر شریعت دینی حرام است، وجدان سالم و فطرت انسانی از آن متنفر و بیزارست، آن ها را ترک کرده و دیگران و جامعه را از وجود آن گناهان نهی نمایند، تا اجتماع مردم از بدی ها پاک سازی گردد.

۴. جامعه‌ایی که روح امر به معروف و نهی از منکر در آن زنده نیست، مرده متحرك است، دشمنان اسلام، همیشه نسبت به انسان‌ها و جامعه‌ایی که اعتراض بر باطل داشته و بر علیه دشمنان داخلی و خارجی خود قیام می‌نمایند، ترس و وحشت خویش را علیه آن مردم اظهار و عملی می‌نمایند.

۵. آمرین به معروف و نهی کنندگان از منکرات و بدیها همیشه در مقابل مستکبرین و ظالمین، مفسدین

(۱۵۸)

و زورگویان جامعه ایستاده‌اند.

۶. در کلام حضرت اگر زبان به عنوان وسیله تحقق این دو رکن واجب الهی بیان شده است بعنوان مصداق بارز و روشن ابزار اجرایی امر به معروف و نهی از منکر در شریعت دینی می‌باشد. تحقق عملی این دو واجب الهی در هر زمان و مکان، برای هر فرد و اجتماعی به گونه مناسب خودش باید اجراء گردد. با عمل و زبان، با قدرت و حکومت، با نامه و اشاره، با بی اعتنائی و ترک مجلس گناه، با تشویق و تنبیه و... باید این دو رکن اساسی و حیاتی اسلام عملی گردد.

۷. ابزار امر به معروف و نهی از منکر: روش عملی انسان‌ها، بیان به وسیله قلم‌ها و زبان‌ها، به کار گرفتن اموال، هنرها، استفاده از اشارات و نوشته‌ها، تبلیغات زنده عمومی، دسته جمعی و فردی، صدا و سیما، روزنامه‌ها و مجله‌ها که در تاریخ همه موارد آن دارای شاهد گویا و زنده می‌باشد.

۸. انبیا و امامان نور علیهم‌السلام علما و مردم، نسبت به حاکمان ظالم و حکومت‌های غاصب و ستمگر به وسیله

(۱۵۹)

نامه‌ها، سخنرانی‌ها و پیام‌ها، به صورت تظاهرات عمومی مردم، امر به معروف و نهی از منکر نموده‌اند. شاهد گویای آن در طول تاریخ، پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سیزده سال در مکه مکرمه، و بعد از آن حضرت امیر المؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام، نهضت اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) می‌باشد که سالها رژیم پهلوی را امر به معروف و نهی از منکر نمود.

(۱۶۰)

«فصل هفتم»

(۱۶۱)

تولی و تبری

خداوند سبحان در نظام وجود در تکوین و تشریح، ولایت و حاکمیت کفار و ظالمین و مستکبرین را از مسلمانان دفع و رفع نموده است و هرکسی با اینان دست ولایت دهد، یا آنان را بر مسلمانان حاکم نماید، خلاف نص صریح قرآن و دو اصل برائت و ولایت عمل نموده است این دو واجب الهی از فروغ دین است، اگر در اندیشه و رفتار عملی تحقق نیابد، بقیه اعمال هم سمت و سوی الهی و رنگ خدایی به خود نمی‌گیرد. روح برائت و بیزاری از دشمنان اسلام و دین، حق و عدالت، نبوت و امامت، قرآن و احکام انسان‌ساز اسلام، مقدمه و پیش‌نیازی است، برای اظهار ادب و ارادت، عشق و شوق،

(۱۶۲)

پذیرفتن و تسلیم شدن در مقابل ولایت الهی و مقام رسالت، امامت رهبران الهی و کتب آسمانی می‌باشد. لذا در شعار توحید لاله الا الله اول مطرح می‌شود که خدایی نیست جز الله، یعنی اول نفی خدایان دروغین و مدعیان خدایی را بنما، آنگاه توحید ناب را در اعتقاد و عمل اثبات نما در این جا اگر به زیارت عاشورای حضرت امام حسین علیه‌السلام توجه کنیم، خواهیم یافت که اول لعنت و بیزاری از دشمنان امام مطرح می‌گردد، سپس اظهار دوستی و سلام و صلوات بر آن‌ها، زیرا اعلان هرگونه محبت به آن مقامات بدون تنفر و انزجار از دشمنانشان نه تنها ارزشی ندارد، بلکه شاید بیهوده و گاهی مسخره‌آمیز می‌باشد، قرآن شریف در اول سوره توبه می‌فرماید: خدا و رسولش در ایام حج، برائت و بیزاری از

مشرکین را اعلام می‌نماید. لذا تمام مؤمنان به خدا هم، این طریق را باید به پیمایند، چه بسیار زیباست، کلام حضرت علی ابن موسی الرضا علیه‌السلام که در بیان نشانه‌های ایمان واقعی فرمود: «وَالْبِرَاءَةُ مِنَ أُمَّةِ الضَّلَالِ وَأَتْبَاعِهِمْ وَالْمُؤَالَاتُ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ؛ برائت و بیزارى از پیشوایان گمراه و پیروان آنان و دوستى با دوستان خداوند». از نشانه‌های انسان با ایمان می‌باشد.

اما شعارهای حضرت امام حسین علیه‌السلام در ارتباط با

(۱۶۳)

برائت از یزیدیان و زندگی نمودن با آنان و بیعت کردن با آنها و سکوت نمودن در مقابل جنایات آن ستمگران روزگار.

اول: «هَيْهَاتَ مِنِّي الذَّلَّةُ؛ زیر بار ظلم و ذلت رفتن از من به دور می‌باشد».

دوم: «أَنْتَى لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً؛ همانا مرگ را جز سعادت نمی‌یابم».

سوم: «وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا؛ زندگی با ستم پیشگان را جز ناکامی و تلخی نمی‌دانم».

پیام‌ها:

۱. در زمان همه انبیاء و رهبران الهی دشمنان و دوستان وجود داشته‌اند، لذا عقل و وجدان، سیره و دلیل نقلی چون کتب آسمانی و بیانات رهبران الهی بیان‌گر این دو اصل عملی اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به نام تولی و تبری می‌باشد.

(۱۶۴)

۲. جامعه و مردم تا رهبران ظالم و امامان گمراه را طرد ننمایند، نمی‌توانند امامان نور را حاکم نموده، از فیض آنها بهره‌مند گردند.

۳. اگر این دو اصل عملی دین در تاریخ پرفراز و نشیب به فراموشی عملی سپرده نمی‌شد، اسلام و مسلمین گرفتار این همه تفرقه نگشته، دشمنان بر آنها مسلط و حاکم نمی‌شدند.

۴. مسلمان‌ها هنوز دوستان را از دشمنان در داخل و خارج مرزهای خود نشناخته‌اند. دشمنان درون و برون را شناسایی نکرده‌اند، هنوز نحوه برخورد با آنان را نمی‌دانند. اگر این شناخت همراه با برخورد صحیح با دشمنان و دوستان محقق بشود، آنگاه عزت اسلامی به جامعه مسلمین باز خواهد گشت.

(۱۶۵)

بخش چهارم:

گزیده‌ایی از فرمایشات حضرت علی بن موسی الرضا پیرامون مباحث اخلاقی و سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اسلام

(۱۶۶)

«فصل اول»

(۱۶۷)

امام رضا علیه‌السلام و قرآن

قرآن کتاب نور دنیا و آخرت، شفابخش روح و جان، نجاتبخش اندیشه و جسم، هدایت گر همه انسان‌ها، معجزه جاوید اسلام، سنگر مقاوم مبارزه در مقابل همه دشمنان دین اسلام در طول تاریخ، بشارت دهنده و انذارکننده انسان، حل کننده مشکلات، راه گشای بن بست‌ها، شکوفا کننده استعدادها، مرکز و معدن همه دانش‌ها، آخرین کتاب کامل آسمانی برای هدایت و نجات انسان‌ها می‌باشد.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در جواب مأمون

(۱۶۸)

عباسی که گفت: دوست دارم همه حلال و حرام و واجبات و سنت‌ها را برایم جمع نمایی، در بیانات خویش درباره قرآن به فضل بن سهل مأمور مأمون فرمود بنویس:

۱. صداقت قرآن:

«وَأُصِدِّقُ بِكِتَابِهِ الصَّادِقُ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ؛ و کتاب خدا را که صادق است، تصدیق می‌نماییم، که از الان و بعد و قبل باطل در آن راه ندارد، بلکه آن کتاب نازل شده‌ای از جانب حکیمی پسندیده است.»

۲. اشرافیت قرآن بر همه کتابها:

همه کتاب‌ها و شریعت‌های انبیای الهی مقدمه بوده‌اند، تا کامل‌ترین قانون در قالب قرآن و معلمین آن عترت طاهره در اختیار مردم قرار گیرد. پس قرآن و اسلام از زمان نزول و ظهور، بر همه ادیان و کتاب‌های آسمانی از جهت رتبه اعتقادی و عملی مقدم می‌باشند.

(۱۶۹)

«وَأَنَّ كِتَابَهُ الْمُهِمُّنُ عَلَى الْكُتُبِ كُلِّهَا؛ و بدرستی که آن کتاب بر همه کتاب‌های آسمانی (و غیر آنها در تمام جهات علمی و سیاسی، حکومتی و فرهنگی...) مسلط و سرآمد است.»

۳. حقانیت قرآن:

«وَأَنَّ حَقُّ مَنْ فَاتَحْتَهُ إِلَى خَاتِمَتِهِ نُؤْمِنُ بِمُحْكِمِهِ وَ مُتَّسِبِهِ. وَ خَاصَّهُ وَ عَامَّهُ وَ وَعْدِهِ. وَ وَعِيدِهِ. وَ نَاسِخِهِ وَ مَنْسُوخِهِ وَ أَخْبَارِهِ؛ و به درستی که قرآن از آغازش تا پایانش (که از سوره حمد تا سوره ناس می‌باشد)، حق است، ما به آیات محکم و متشابهِش و خاص و عامش و وعده به بهشت و ترس از جهنمش و آیات ناسخ و منسوخش و اخبار و تاریخش ایمان داریم.»

۴. معجزه بودن قرآن:

طلب مبارزه و تحدی را خداوند در قرآن بیان نموده است، کسانی که قدرت دارند، وارد صحنه جنگ با قرآن شوند، سوره‌ای مثل آن بیاورند. کسی نتوانسته و نمی‌تواند این گونه با قرآن برخورد نماید.

(۱۷۰)

«لَا يَقْدِرُ وَاحِدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ أَنْ يَأْتِيَ بِمِثْلِهِ؛ احدی از آفریده‌های الهی قدرت آوردن مثل قرآن را ندارند.»

قرآن که ختم همه صحیفه‌ها و کتاب‌های آسمانی الهی است، کامل‌ترین و جامع‌ترین کتاب در نظام وجود بوده و هست.

در طول تاریخ دشمنان دین اسلام به استوارترین چیزی که مسلمین به آن تکیه کرده‌اند، هجوم آورده‌اند، همان قرآنی که آن را شمع مجلس خویش قرار داده‌اند، آنرا می‌بوسند و می‌بویند، می‌خوانند و به فهم آن توجه دارند، جلسات تفسیر و بیان آن را تشکیل داده، تدوین کتاب‌های تفسیری و مسابقات در ابعاد مختلف صوت و حفظ قرآن و... و در زیر چتر اسلام و قرآن وحدت و یکپارچگی خویش را حفظ می‌کنند، همین عظمت قرآن در میان مسلمین موجب شده که دشمنان محوریت قرآن را مورد حمله قرار دهند.

لذا در دفع این حملات حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از زمان نزول قرآن و هم چنین امامان نور، بیانات وسیعی

(۱۷۱)

در مورد جایگاه قرآن مطرح نموده‌اند، که در کتب روایی آمده است.^(۱)
پیام‌ها:

۱. حضرت امام رضا علیه‌السلام راه صحیح کسب ایمان را در بیانات خویش از قرآن و نبوت، امامت و معاد با بهترین اسلوب که الگو می‌باشد، روشن نموده‌اند. جایگاه هدایتی و نجاتبخشی قرآن برای دوست و دشمن روشن است.
۲. آنچه پیامبر اعظم بیان نموده، از آیات قرآن، احادیث قدسی، تشریح حکم در ولایت تشریحی، همه‌اش از جانب خداوند سبحان است، زیرا او حکم و بیانی بدون اذن الهی و وحی او نفرموده است.
۳. قرآن معجزه جاوید پیامبر اعظم است، که برای اثبات حقانیت دین اسلام، همیشه زنده می‌باشد. چون معجزات انبیاء گذشته نیست، که با رفتن آن‌ها و

۱. جهت شناخت قرآن به کتاب «قرآن معجزه جاوید اسلام» از مؤلف مراجعه نمایید.

(۱۷۲)

شریعتشان اعجاز آن‌ها هم برود بلکه قرآن و احکام انسانساز آن تا روز قیامت جاودانه است.

۴. دوستان و دشمنان در طول تاریخ اعتراف نموده‌اند. این کتاب عزیز دست پروده الهی بوده و کار انسان‌ها نمی‌باشد. کسی تاکنون نتوانسته با آن مبارزه و مثل آن را تدوین نماید.
۵. آیات محکم: آیاتی که حکم در آن‌ها تصریح شده و اجمال و ابهام ندارد، مثل؛ «أَقِمِ الصَّلَاةَ؛ نماز را اقامه نمایید.» و «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ؛ روزه بر شما واجب است.»
۶. آیات متشابه: آیه‌هایی است، که قابلیت تفسیرهای مختلف و معانی متفاوت ظاهری و باطنی دارد. تفسیر واقعی آن‌ها را مقام معصوم می‌داند. «عَنْ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ؛ از خبر بزرگ.» مراد قیامت، ولایت حضرت امام علی علیه‌السلام و... است.
۷. آیات خاص و عام: حکمی که همه موارد را شامل می‌گردد، عام گویند، یعنی برای همه می‌باشد و اگر این حکم تخصیص خورد، حکم دومی برای افراد در موارد

(۱۷۳)

خاصی می‌باشد، که آن را حکم خاص گویند. مثال: روزه بر همه واجب است، بعد بیان می‌کند، مگر مریض و مسافر، اولی را عام و دومی را خاص گویند.

۸. آیه‌هایی که شامل بشارت به نعمت‌ها و درجات عالی می‌باشد، و عده می‌گویند.

۹. آیاتی که مربوطه به ترساندن گناهکاران و بیان جهنم و عذاب می‌باشد، و عید نامیده می‌شود.

۱۰. ناسخ و منسوخ؛ حکم اولی که در آیات آمده و سپس با بیان حکم جدیدی لغو گردیده‌است، اولی را منسوخ و دومی را ناسخ می‌گویند. مردم نسبت به دومی وظیفه عملی دارند.

۱۱. اخبار: تاریخی را که خداوند در قرآن از انبیای الهی و بزرگان، ستمگران و کافران و حکومت‌ها بیان کرده است، اخبار گویند.

۱۲. جهان دیروز و امروز اگر حقیقت قرآن را درک می‌نمود و سلاطین و حاکمان ظالم مانع فهم و عمل به

(۱۷۴)

قرآن نمی‌شدند، بشر در سعادت خویش کامیاب و سربلند می‌گردید.

۱۳. ایمان و عمل به قرآن زمانی ضامن عزت‌ها و افتخارات بشری است. که همه قوانین و احکام آن در ابعاد اعتقادی و اخلاقی، سیاسی و حکومتی، قضایی و اجرایی و... تحقق یابد. نه این که بعضی را ایمان آورند و بعضی دیگر را کافر شوند. در این صورت روی سعادت را نخواهند دید.

(۱۷۵)

«فصل دوم»

(۱۷۶)

حضرت امام رضا علیه‌السلام و سنگر امنیت

انسان امنیت و آرامش را در تمام جهات زندگی، مطلوب خویش دانسته، از آن پاسداری می‌نماید، آن را دارای ارزش و قیمت والایی می‌داند. افراد و جامعه‌ایی که این نعمت را ندارند، همیشه دچار اضطراب، تشویق خاطر، نگرانی و سرگردان بوده‌اند، گاهی عدم آرامش و نگرانی‌ها، موجب خودکشی و ضربات به خویش و خانواده و جامعه می‌شوند. لذا اگر بشر راه رسیدن به هدفمندی و آرامش، آسایش و امنیت را از انسان‌های کامل بیاموزد، از خالق جهان هستی، دستورالعمل‌های اعتقادی، رفتاری و گفتاری را گرفته برای سعادت

(۱۷۷)

خویش عمل نماید، آنگاه در تمام ابعاد زندگی با امنیت و آرامش زندگی خواهد نمود.

راوی نقل می‌کند؛ زمانی که حضرت امام رضا علیه‌السلام به نیشابور رسید، و خواست به طرف مأمون حرکت کند، اصحاب حدیث اطراف او جمع شدند، برای حضرت عرضه داشتند: ای فرزند رسول الله! از نزد ما می‌روی، در حالی که برای ما حدیثی نفرمودی، تا از آن استفاده نماییم.

در حالی که حضرت امام علیه‌السلام در زیر سایبان نشسته بود، سرش را بلند کرد، و فرمود: از پدرم موسی بن جعفر شنیدم، می‌فرمود: از پدرم جعفر بن محمد شنیدم، می‌فرمود: از پدرم محمد بن علی شنیدم، می‌فرمود: از پدرم علی بن الحسین شنیدم، می‌فرمود: از پدرم حسین بن علی شنیدم، می‌فرمود: از پدرم امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام شنیدم، می‌فرمود: از رسول خدا شنیدم، از جبرئیل امین شنیدم، از خداوند جلیل و عزیز شنیدم می‌فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا: بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا؛^(۱) کلمه تهلیل، لا اله الا

الله، دژ و سنگر من است. پس کسی که داخل سنگر من است، از عذابم در امان می‌باشد، پس زمانی که قافله حرکت نمود، امام صدای ما زد، آن امنیت در پرتو کلمه توحید با شرائط آن محقق است و من از شرطهای آن هستم».

در تفسیر و تشریح روح توحید فرمود؛ آن موحد بودن شرائط دارد، من از شرطهای تحقق انسان و جامعه توحیدی آن هستم، کسانی که توجه کامل دارند، تحقق عینی کلمه طیبه «لا اله الا الله» را در پذیرش روح امامت امام معصوم چون علی بن موسی الرضا علیه‌السلام می‌دانند. چرا که او خلیفه، ولی و حجت، روح و نور خداست. لذا عینیت توحید در جمال جمیل اوست.

او معلّم و مبین کلمه توحید، بلکه اصل احدیت و واحدیت است. او نورالله، یدالله، عین الله، اذن الله و... می‌باشد.

در این حدیث شریف خداوند سبحان دژ و سنگر حفاظتی همه انسان ها را در ورود به خانه توحید

دانسته است. کسانی که در اندیشه و عمل، بلکه در همه امور توحیدی شدند، رنگ خدائی به خود گرفتند، و با تمام وجود به زبان حال و قال «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^(۱) را سر می‌دهند، که همه وجودمان برای خدا و به سوی اوست.

«صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ»^(۲) رنگ الهی، چه رنگی زیباتر از رنگ (ابدی و ازلی) خداوندی است، در حالی که ما برای او پرستش کننده‌ایم».

در اینجا ورود به خانه توحید و یکانگی در مراتبی از آن محقق شده، که انسان به کمال هستی و رشد انسانی خود دست یافته است. در این بیان حضرت امام رضا علیه‌السلام در حدیث قدسی فرمود:

خداوند می‌فرماید: انسانی که خود را در حرم امن الهی می‌یابد، قطعاً عذابی برای او نخواهد بود. زیرا در

۱. بقره (۲): ۱۵۶.

۲. بقره (۲): ۱۳۸.

بیت رحمت و مغفرت، رحمانیت و رحمیت الهی وجود عذاب، معنا و مفهومی ندارد. آری؛ کسانی که وارد خانه ارحم الراحمین می‌شوند، دیگر عذاب نمی‌گردند، بلکه مشمول عنایات ربانی و لطف و محبت بی کران حضرت حق می‌گردند، صاحب خانه با تمام امکانات از مهمان و زائر خویش پذیرائی می‌نماید و او امان نامه را از صاحب خانه گرفته است. امنیت برزخی و دوزخی را در دست دارد، مأمورین عذاب به او کاری ندارند، بلکه مأمورین رحمت و بهشت برین در خدمت این انسان موحد فکری علمی و عملی هستند، ای خوشا به سعادت کسی که امان نامه را از مالک و حاکم روز قیامت دریافت کند.

حال باید سؤال کرد. کسی که در مسیر توحید علمی و عملی تسلیم خدا نگشته و معلمان توحید را نپذیرفته، وحی و نبوت را مؤمن نشده، امامت امامان بر حق و اوصیاء او را از روی اعتقاد و عمل نپذیرفته، چگونه و از چه راهی وارد سنگر توحید گردیده و روح تسلیم را در محضر حضرت رب العالمین به اثبات رسانده است؟

لذا حضرت امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: من شرط توحید فکری و اعتقادی و عملی شما هستم، اگر مرا نپذیرفتی

موحد نیستی. و از جلگه توحید خارج و از سنگر امن الهی بیرون هستی. در هر جایی شما را مورد بازخواست و پرسش قرار می‌دهند. هر جا که پاسخ نداشتی، باید در انتظار مجازات و تنبیه باشی. چرا که تو از سنگر و حدود و مرز

توحیدی «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^(۱) خارج شده‌ای، پس انسان باید در مسیر فطرت و آفرینش خویش که همان دین اسلام است، حرکت کند، تا به امنیت کامل نایل آید.

همیشه تجربه تلخ تاریخ زمانی بوده است، که مردم رهبر نداشته، و یا اگر امامی حضور داشته، اطاعت از او را به عنوان رمز موفقیت نپذیرفته‌اند.

لذا خداوند می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»^(۲) تمام توجه خویش را به سوی دین یکتا پرستی متوجه نما، دینی که جزء فطرت شماسست، آفرینشی که خداوند مردم را بر آن آفرید و هیچ گونه تغییر و تبدیلی در این آفرینش الهی نیست ولیکن بیشتر مردم نمی‌دانند».

۱. بقره (۲): ۱۰۶.

۲. روم (۳۰): ۳۰.

(۱۸۲)

دین حنیف؛ دین مجموعه قانون را گویند و در اینجا مراد دین اسلام که دارای شهادتین و یا سه شهادت که روایات زیادی در ذیل این آیه در تفاسیر از جمله میزان آمده است. همه انسان ها قبول دارند. هر اندیشه و کتابی، هر دین و عملی، معلم می‌خواهد و بدون تعلیم و تعلم، شناخت آن میسر نمی‌باشد. لذا شرط توحید؛ پذیرفتن راه و روش، فهم و بیان معلم توحید است، هم چنان که رهبری معصوم رمز اكمال و اتمام دین و نعمت می‌باشد. و بر این اساس خداوند در قرآن می‌فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اْتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا»^(۱) امروز [در حجة الوداع] دین شما را کامل نمودم و نعمت را بر شما تمام کردم و اسلام را برای شما به عنوان دین راضی شدم».

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»^(۲)؛ ای رسول! آن چه از جانب پروردگارت به تو نازل شده‌ا ببلغ کن. (نصب امیرالمؤمنین علیه‌السلام به جانشینی) اگر این مهم را انجام ندهی، رسالت الهی را ابلاغ نکرده‌ای».

۱. مائده (۵): ۳.

۲. مائده (۵): ۶۷.

(۱۸۳)

یعنی زمانی توحید و نبوت و معاد و قرآن و دین کامل می‌شود. که شرط توحید که معرفی امامت و وصی پیامبر اعظم است، محقق گردد. و مردم با اعتقاد و ایمان، در مسیر اطاعت از جانشین پیامبر قرار گیرند. در این صورت نعمت بر مردم تمام گشته و خداوند از آنان راضی می‌گردد.

لذا این شرط در قرآن بیان شده، که بدون امامت معصوم علیه‌السلام دین ناقص، نعمت‌های الهی ناتمام، عدم رضایت الهی محقق است، لذا همه کمبودها با امامت آن امامان نور دفع و رفع می‌شود.

«فَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْاِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ»^(۱) کسی که غیر از اسلام را به عنوان دین به پذیرد، هرگز از او قبول نمی‌گردد».

پس خداوند دینی غیر از اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را نمی‌پذیرد. اسلام اسرائیلی و امریکائی، ابوسفیانی و معاویهائی و عباسی مورد قبول حضرت حق نمی‌باشد.

(۱۸۴)

بلکه اسلام نابی مورد توجه و رضایت خداوند سبحان می‌باشد، که از شرط‌های آن امامت دوازده نور الهی طبق روایات شیعه و سنی خاصه روایت جابر بن عبدالله انصاری می‌باشد.

(۱۸۵)

«فصل سوم»

(۱۸۶)

وظیفه صاحبان نعمت

روح و جان انسان از بهرمندی نعمت‌ها خوشحال و از دست دادن آن‌ها و تبدیل به نعمت‌ها ناراحت می‌شود. اما چرا بشر به اسباب نزول نعمت‌ها و عوامل سقوط آن‌ها توجه نمی‌کند؟

چگونه انسان زندگی اعتقادی و رفتاری را برنامه ریزی نمی‌نماید؟ تا موجب جذب خوبی‌ها و رفع بدی‌ها شود. چنانچه انسان دوست دارد، از جوانب مختلف به او اطعام و اکرام شود. خودش هم خواهان توسعه دادن به دیگران و اهداء و بخشش نسبت به هم نوعان و

(۱۸۷)

خویشان خوددیده، به ویژه نسبت به کسانی که تحت اداره زندگی او هستند. این قدردانی از نعمت، پاسداری و شکر گزاری از آن می‌باشد.

حضرت علی ابن موسی الرضا علیه السلام فرمود: «صَاحِبُ النِّعْمَةِ يَجِبُ أَنْ يُوسِعَ عَلَى عِيَالِهِ»^(۱) بر صاحب نعمت واجب است، نعمت‌ها را بر زن و بچه خویش توسعه دهد.

حضرت به علی بن شعیب فرمود: «يَا عَلِيُّ أَحْسِنُوا جَوَارَ النِّعَمِ فَإِنَّهَا وَحْشِيَّةٌ مَأْنَأَتْ عَنْ قَوْمٍ فَعَادَتْ إِلَيْهِمْ»^(۲)، ای علی در کنار نعمت‌ها نیکی کنید، به درستی که آن‌ها فراری هستند، از گروهی دور نمی‌شوند، تا به سوی آن‌ها برگردند.

حضرت فرمود: «يَا عَلِيُّ إِنَّ شَرَّ النَّاسِ مَنْ مَنَعَ رَفْدَهُ وَ أَكَلَ وَحْدَهُ وَ جَلَدَ عَبْدَهُ»^(۳)، ای علی پسر شعیب، همانا بدترین مردم کسی است که مهمانش را ممنوع کند و

۱. تحف العقول، ص ۴۶۶.

۲. همان، ص ۴۷۲.

۳. همان.

(۱۸۸)

تنها بخورد و برده‌اش را تازیانه به زند.

انسان باید به همنشین خویش که مورد عنایت الهی قرار گرفته است، خدمت نماید، آنگاه به دور از اسراف و تبذیر، کسانی را که تحت اداره اقتصادی و زندگی او هستند، تأمین نماید و بر آنان سخت نگیرد و به اندازه رفاه و آسایش معمول از مسکن و لباس و غذای مناسب آن‌ها را بهرمنند نماید.

پیام‌ها:

۱. صاحبان نعمت در ابعاد اقتصادی و هنر و دانش باید اهل ایثار و گذشت باشند، تا برکت آن‌ها روز افزون گردد.
۲. قدردانی از موقعیت‌ها و شکر گزاری آن موجب توسعه و گسترش نعمت‌های خداوندی می‌گردد.
۳. انسان باید انحصار طلب نباشد. نعمت‌ها را فقط برای خویش نخواهد، تا دیگران هم از نعمت‌ها بهره‌مند گردند.

(۱۸۹)

۴. بهره دیگران از نعمت‌های در اختیار انسان، موجب رشد و کمال و آبادانی دنیا و آخرت او می‌شود.
۵. اهل سخاوت و ایثار در راه خداوند سبحان، نامشان چون حاتم طایی ماندگار می‌گردد.

(۱۹۰)

«فصل چهارم»

(۱۹۱)

حقیقت عبادت

عبادت یعنی بندگی خداوند سبحان این راز هم از مقوله تشکیک است، یعنی مراتبی دارد، هرکسی در هر زمان و مکان و موقعیت خویش می‌تواند، مرتبه‌ایی از مقام بندگی در درگاه حضرت محبوب را کسب نماید، هر چه حقیقت عبادت را به کام خویش شیرین‌تر احساس نماید، به حقیقت‌هایی از عبادت خداوند دست یافته و از جهت درک عقلانی و اندیشه انسانی اوج گرفته، در نتیجه رنگ عبادت او زیباتر و شفاف‌تر خواهد گشت.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام فرمود: «لَيْسَ الْعِبَادَةُ

(۱۹۲)

كثْرَةُ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ النَّفْكَرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ؛ پرستش به بسیاری روزه و نماز نمی‌باشد، بلکه حقیقت عبادت بیشتر اندیشه نمودن در امر الهی است.»

بندگی و عبودیت در محضر خداوند سبحان به اعمال فیزیکی و افعال و امساک، خوردن و آشامیدن، رکوع و سجود نمی‌باشد. بلکه روح عبادتی که انسان را می‌سازد و او را به شناخت و شعور و عرفان و معرفت می‌رساند، همان اندیشه نمودن در احکام و قدرت الهی می‌باشد. زیرا اندیشمندان راه را یافتند و به عنوان ره رو و راهبر مسیر را به دیگران نشان دادند، زیرا در روایات باب عقل اصول کافی آمده؛ که بهشت و جهنم را به اندازه عقل انسان‌ها به آن‌ها عطا می‌نمایند، آن چه نماز و روزه‌ها را کیفیت داده و آن‌ها را وسیله تقرب و معراج و پرواز انسان قرار داده‌است، همان عقل و تدبیر و تفکر است، لذا در روایات بیان شده؛ يك لحظه تفکر و اندیشه در راه خدا از شصت سال عبادت ارزشمندتر است.

حال؛ اگر این رکوع و سجده و روزه هم راه با اندیشه باشد،

(۱۹۳)

آن چنان روح را ترتیب و عقل را بارور و ایمان انسان را رشد خواهد داد، که برای رهایی از این دنیای فانی تمام تلاش را می‌ذول خواهد نمود، زیرا دیگر این عالم برای او مفهومی نداشته و باید برای خانه جدید اقدام نماید. که راه گشای او و پاسخ گوی عشق بازی عاشق نسبت به محضر معشوق خویش باشد. و پرواز نمودن در سرای او بر هر چیزی در

نزدش مقدم آید. اینک بارها عاشقان دلپاخته بال و پر را در کنار نور شمع محبوب خویش می‌سوزانند و نهایت محبت را اظهار می‌نمایند، تا آنجا که درد سوختن را در عشق بازی نمی‌فهمند، و با زبان حال خوشی، فانی در آستانه حق می‌گردند.

می‌خواهم شمع باشم در دل شب‌ها بسوزم
روشنی بخشم به جمعی و خودم تنها بسوزم

عبادت در مصداق خارجی خودش با چند عمل خارجی محدود نمی‌گردد. بلکه هر کار و خدمتی که برای خدا باشد، فردی یا اجتماعی به دوستان و خویشان، برادران دینی و هم‌نوعان، حیوانات و گیاهان، همه این‌ها زمانی که با اندیشه «انا لله و انا الیه راجعون» باشد، می‌تواند مصداق حقیقی عبادت الهی گردد، این کلام که «عبادت به جز خدمت خلق نیست» پرستش را فقط خدمت به مردم دانسته، انحصار آن مردود است. بلکه

(۱۹۴)

خدمت به بندگان خدا، اگر برای او و خالصانه باشد. یکی از مصداق‌های بندگی الهی می‌باشد. لذا انبیای الهی و امامان معصوم علیهما السلام که الگوهای جامع انسانی در تمام زوایای وجودی بوده‌اند، اینان در نیمه شب، عبادت خلوت سحرگان را داشته و هم نماز جمعه و جماعت را، هم چنین روزه و جهاد بلکه احکام انسان ساز الهی را زنده نموده‌اند. در کنار رکوع و سجودشان خدمت به مظلومین، یتیمان و مستضعفان را به گونه‌ای انجام داده‌اند، که تاریخ آن‌ها را جامع‌ترین انسان معرفی نموده‌است.

پیام‌ها:

۱. هر اندیشه و عملی که در جهت خدا باشد و رنگ الهی به خود گیرد، عبادت محسوب می‌گردد.

۲. ذکر و نماز، روزه و تلاوت قرآن، حج و جهاد، کارهای عبادی و سیاسی اسلام از مهم‌ترین عبادت‌ها به شمار می‌رود.

۳. نشاط و عشق و شور، تمرکز حواس، آگاهی و

(۱۹۵)

شناخت، اخلاص در عبادت، کیفیت کارها را نزد خداوند را بالا می‌برد.

(۱۹۶)

«فصل پنجم»

(۱۹۷)

حقیقت ایمان

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: سُنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ سُنَّةٌ مِنْ وَلِيِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ انسان مؤمن، ایمان ندارد، مگر در او سه خصلت باشد، سنتی از پروردگارش و سنتی از پیامبرش و سنتی از ولی او.»

حضرت در تشریح انسان مؤمن فرمود: «فَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ فَكَيْفَمَا نَسِرَّ وَ أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَمُدَارَاةُ النَّاسِ. وَ أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ وَلِيِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَالصَّبْرُ فِي الْبِئْسَاءِ وَ الصَّرَافَةُ؛^(۱) اما سنت پروردگارش؛ پوشاندن اسرار و اما

سنت از پیامبرش؛ با مردم مدارا نمودن و اما سنت از ولی خودش؛ صبر نمودن در سختی‌ها و مشکلات».

پیام‌ها:

۱. از صفات و اسمای حسناى الهى «يا حافظ السرِّ يا سَتَّار العيوب»؛ اى حفظ‌کننده اسرار و پوشاننده عیب‌ها مى‌باشد، پس هرکس برای متخلِّق

شدن به اخلاق الهى باید خود را به صفات الهى متصف نماید. از جمله مسایل و مطالب مخفی مردم را آشکار ننماید.

۲. مردم داری و خدمت به آن‌ها از پایه‌های اساسی ایمان در بیانات الهی و سیره معصومین بیان شده است.

۳. رمز پیروزی رادمردان میدان ایمان در تاریخ بشریت، انبیاء و اولیاء، شهدا و مجاهدین در راه خدا، صبر و مقاومت بوده و هست.

در اثر صبر نوبت ظفر آید

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند

«فصل ششم»

مرز ایمان و اسلام

اثرات ایمان:

در قرآن شریف خداوند سبحان عزت و پیروزی، سربلندی و افتخار، برتری مسلمین را بر همه اقوام و ادیان در گرو مؤمن بودن بیان کرده است. در نتیجه نقش ایمان در حیات جامعه اسلامی همان جایگاه عمل مسلمانان به اسلام می‌باشد، زیرا رمز موفقیت هر ملتی در پرتو عمل به قانون و دستورات دینی و الهی می‌باشد.

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ؛ مؤمن‌ها قطعاً پیروزند».

«وَلَا تَهْتَبُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ سستی ننمایید، ناراحت نباشید، در حالی که برترین‌ها هستید، اگر ایمان داشته باشید».

مرز اسلام و ایمان

حال به تعریف ایمان و اسلام و بیان حدود و مرز آن دو می‌پردازیم.

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمود: «وَالْإِيمَانُ أَدَاءُ الْفَرَائِضِ وَ اجْتِنَابُ الْإِمْهَارِمِ وَ الْإِيمَانُ هُوَ مَعْرِفَةُ بِالْقَلْبِ وَ إِفْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ»^(۱) ایمان انجام واجبات و ترك كارهای حرام، و ایمان یعنی با دل شناختن و با زبان اعتراف نمودن و با اعضای بدن عمل کردن».

حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام فرمود: «وَأَنَّ الْإِسْلَامَ غَيْرُ الْإِيمَانِ وَ كُلُّ مُؤْمِنٍ مُسْلِمٌ وَ لَيْسَ كُلُّ مُسْلِمٍ مُؤْمِنًا»^(۲) به درستی که اسلام غیر ایمان است و هر مؤمنی

۱. تحف العقول، ص ۴۴۴.

۲. تحف العقول، ص ۴۴۳.

(۲۰۳)

مسلمان می‌باشد، در حالی که هر مسلمانی مؤمن نیست».

خداوند در سوره حجرات می‌فرماید: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ أَمَّا قُلٌّ لَمَّا تُوْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْأِيْمَانُ فِي قُلُوْبِكُمْ؛^(۱) عرب‌ها در محضر پیامبر اعظم آمدند و گفتند، ما ایمان آوردیم، خداوند به پیامبر وحی فرمود: بگو ایمان نی‌آوردید و لکن به گویند اسلام آوردیم و هنوز ایمان در دل‌های شما وارد نشده است».

پیام‌ها:

۱. اسلام: اعتقاد و اعتراف و قبول کردن است.

۲. ایمان: عمل نمودن به دستورات و احکام انسان ساز اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشد.

۳. هرچه ایمان قوی‌تر گشته و مراتب عالی‌تر آن

۱. حجرات(۴۹): ۱۴.

(۲۰۴)

کسب شود، ترقی و اوج انسان بیشتر می‌گردد.

۴. روح و جان ایمان، همان عمل به دستورات اسلام است.

۵. پیروزی و استقلال کشورهای اسلامی زمانی تحقق می‌یابد، که مردم و حاکمان راه ایمان را به پیمایند.

۶. مسلمان بودن پوسته اسلام می‌باشد، اما عمل به آن، مغز و اصل دین و قرآن است، که در جوامع اسلامی زنده گردد.

(۲۰۵)

«فصل هفتم»

(۲۰۶)

زیربنای ایمان

در جهان محسوس، در علوم تجربی، استحکام زیر بنای کارها و امور از جایگاه ارزشی خاصی برخوردار می‌باشد، در شناخت بنای پایه‌های ساختمان، در شاسی ماشین و وسائل نقلیه، از کشتی تا هواپیما، تانک‌ها و ابزار نظامی، استحکام همه در زیرسازی استوار می‌باشد، لذا اعتقادات دینی انسان‌ها، رفتار عملی آن‌ها را تحقق می‌بخشد، واجبات اسلامی را زنده می‌کند، انگیزه‌های قوی و پایدار را برای توجه دادن به سمت و سوی دینداری و قرآن ایجاد می‌نماید، همه نیاز به پایه‌های فکری و اندیشه‌ای محکم دارند، تا طبق آن اصول اساسی، به همه احکام انسان ساز اسلام عینیت بخشند.

(۲۰۷)

حضرت ثامن الائمه علیه السلام فرمود: «الْإِيمَانُ أَرْبَعَةٌ أَرْكَانٌ؛ إيمان چهار پایه دارد»:

اول: تقویض امر به خداوند، و اگذار نمودن به او. «الْتَوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ؛ و اگذار نمودن (کارها و امور) بر خداوند».

حال که خداوند را وکیل نمودی، باید هیچ گونه نگرانی در اجرای امور نداشته باشی، اگر اضطراب و ترس داشته باشی، توکل خویش را باور ننمودی و این نقص بزرگی است.

دوم: «و الرضا بقضاء الله؛ و راضی بودن به حکم کردن الهی». اگر چه موجب خسارت ظاهری هم بشود.

سوم: «و التسليم لِأَمْرِ اللَّهِ؛ و در مقابل دستورات الهی تسلیم شدن». اگر چه سبب ناراحتی و مشکلات هم به شود، اما عاقبت دارد.

چهارم: «و التفویضُ إِلَى اللَّهِ؛ و اگذار نمودن (امور و کارها) به خداوند». انسان دیگر باید ترس و خوف، اندوه

(۲۰۸)

و غصه در دل راه ندهد، زیرا کارهایش را به خدای عادل و حکیم مدیر و مدبر و اگذار نموده است.

«قَالَ الْعَبْدُ الصَّالِحُ^(۱)؛ عبد صالح (مؤمن ال فرعون) گفت»:

«وَأَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَّرُوا؛^(۲) و کارهایم را به خداوند و اگذار نمودم، پس خداوند او را از بدی‌های آنچه حیل نمودند، حفظ نمود».

از محضر حضرت امام رضا علیه السلام در مورد حد و مرز توکل سؤال شد. حضرت فرمود: «أَنْ لَا تَخَافَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ؛^(۳) از هیچ کسی جز خداوند نترسید».

اگر انسان به خداوند دل بسته و تکیه نموده، پس باید ترس و غمی از چیزی و فردی به خویشتن راه ندهد.

۱. ۴۶۹.

۲. غافر (۴۰): ۴۴ و ۴۵.

۳. تحف العقول، ص ۴۹۶.

(۲۰۹)

توکل و اخلاص حضرت ابراهیم علیه السلام

زمانی که حضرت ابراهیم علیه السلام را خواستند، وارد آتش نمایند، ملائکه هم نازل شدند، آیا کاری، کمکی، دستوری دارید؟ حضرت فرمود: با شما کاری ندارم، اما به خدا تکیه نموده که این نهایت عروج توکل و اخلاص يك پیامبر اعظم الهی، قهرمان توحید، بزرگترین بت شکن که در همه امتحانات الهی سرآمد و پیروزمندانه، افتخارات را کسب نمود.

راستی کسانی که در اندیشه و امور و کارها، میانی را مورد پیش بینی و بررسی قرار دهند و ثبات و استحکام را در گرو حفظ اساس و پایه‌های آن کار بدانند و سپس شناخت کافی نسبت به نقش عوامل زیر بنایی بدست آوردند و با توجه به آن‌ها امور را آغاز نمایند، موفقیت را کسب خواهند نمود. در این بحث کوتاه هم کسانی که پایه‌های ایمان را در همه شرایط زندگی مورد توجه اساسی و اولیه خویش قرار دهند، خواهند توانست، خویشتن را از سقوط در دامن کفر و نفاق و شرک و... حفظ نمایند.

(۲۱۰)

پیام‌ها:

۱. تکیه به قدرت بی انتهای الهی، روح امید را در بشر زنده نموده و او را امیدوار، به پیروزی می‌نماید.
۲. توکل و رضایت به آنچه حکم الهی به آن تعلق می‌گیرد، انسان را از پوچی و بی‌هدفی نجات داده و او را از سرگردانی نجات می‌بخشد.
۳. روح تسلیم در مقابل اوامر الهی، موجب تقویت ایمان و اعتماد به او و دستوراتش می‌گردد.
۴. رشد ایمان و اعتماد به او عامل واگذاری همه چیز به او می‌گردد. که من در این جهان نقشی ندارم. همه کارها به دست قدرتمند اوست، و چون انسان به او تکیه کرده و راضی به حکمش و تسلیم دستوراتش می‌باشد. لذا همه اختیارات را به او محول می‌نماید، تا به تواند، سرآمد همه و پیروزمندانه، موفقیت‌ها را کسب نماید.

(۲۱۱)

«فصل هشتم»

(۲۱۲)

یاری ضعیفان و مظلومان

امروز ما در جهان شاهد ضعف‌های مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی در کشورهای مختلف هستیم، که موجب سقوط حکومت‌ها، سلطه مستکبرین داخلی و خارجی بر کشورهای اسلامی، در جهات اقتصادی، نظامی و فرهنگی گردیده است.

امید است با راه کارهای صحیح کشورهای اسلامی خویشتن را تقویت و جهان اسلام و مسلمین را از ضعف نجات داده، قدرت و توانمندی دیرینه خویش را باز یابند.

(۲۱۳)

استعدادهای افراد و ملت اسلامی شکوفاگشته، جای گزین ضعف‌ها گردد. اساسی‌ترین راه‌کار، تبدیل ضعف‌ها به نقاط قوت، حمایت همه جانبه از مستضعفین است، که رهبر معصوم آن را بیان نموده است.

اصل یاری مظلومین و ضعیف‌ها برخواسته از فطرت و وجدان سالم انسان‌ها می‌باشد. که عقل و شرع به آن حکم می‌نماید و بی توجهی به آن را موجب استحقاق مجازات و عذاب ارزیابی می‌نماید.

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمود: «عَوْنُكَ لِلضَّعِيفِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَةِ»^(۱) کمک کردن تو برای ناتوان‌ها بهتر از صدقه دادن است».

از وصیت‌ها حضرت علی علیه‌السلام در آخرین لحظات عمر شریفش، خطاب به امام حسن و امام حسین علیهما‌السلام فرمود: «كُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»^(۲) با ستم‌کنندگان دشمن باش و با مظلومین یار باش».

۱. تحف العقول، ص ۴۷۰.

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۷، ص ۴۲۱.

راه‌های رهایی از ناتوانی‌ها و سختی‌ها و نارسایی‌ها و مشکلات زندگی باید بیان گردد، رهبر و حکومت، جامعه و مردم و خانواده‌ها باید جهت حل معضلات و بن بست‌های زندگی یکدیگر را یاری نمایند. بهترین تعاونی و همکاری جهت ریشه کن نمودن ضعف‌های جامعه انسانی، ریشه یابی عوامل آن و شناسایی راه‌های تقویت ابعاد وجودی انسان‌هاست، سپس اجراء نمودن این موارد، جهت دست یابی به زندگی مطلوب انسانی می‌باشد. لذا افرادی که وجودشان آمیخته با غرایز مختلف می‌باشد، باید با برنامه ریزی صحیح خود را از ضعف‌ها در ابعاد مختلف نجات دهند. سپس نجات بخش دیگران از نارسایی‌ها گردند.

درمان:

در همه موارد باید ضعیفان را یاری نمود، تا نجات یافته و به حقوقشان به رسند، و مورد ستم ظالمین قرار نگیرند، در این جا یاران مظلومین قطعاً به فضیلت و ثواب خویش نائل می‌گردند.

اگر چه در موارد ذکر شده یاری مستضعفین فرهنگی

و دینی، عقلانی و روحی، اقتصادی و جسمی به ترتیب دارای اولویت می‌باشند. زیرا صدقه‌ایی بالاتر از نجات دادن انسان‌های مسلمان از ناتوانی‌ها و تبدیل نمودن نقاط ضعف به قوت نمی‌باشد، در این صورت نجاتبخشی انسان‌ها، نصیب جامعه و اسلام می‌گردد، به جای این که سربار مردم و اجتماع باشند. خدمتگزاری ارزشمند و یا مبتکری خلّاق می‌گردند، چون خمینی‌ها، ملاصدراها، دانشمندان، مخترعین، هنرمندان، کشاورزان، کارگران و

مستضعفین فرهنگی و فکری در طول تاریخ مورد هجوم^(۱) دشمنان داخلی و خارجی قرار گرفته‌اند، لذا یاری و کمک نمودن به آن‌ها از جهات مختلف انسانی، وجدانی و دینی بهترین خدمت به مردم و جامعه بشریت می‌باشد. کسانی که از جهت عقلی و ایمانی ضعیف هستند، غرایز و هوای نفسانی قدرتمند، ابعاد عقلانی، روحی و وجدانی را شکست می‌دهند، سپس آن‌ها بر پایه صحیحی از جهات فکری و اعتقادی نمی‌توانند زندگی کنند.

۱. (۱) در این بحث به فصل هجوم فرهنگی کتاب اندیشه‌های حسینی از مولف مراجعه شود.

پیام‌ها:

۱. ضعف فرهنگی و دینی؛ انسانی که اساس تفکر اعتقادی و اصول فکریش دچار شك و تردید و مورد هجوم دیگران قرار گرفته و در آغوش اندیشه‌های باطل سقوط نموده است، استقلال فکری و اعتقادی نداشته، دچار ناتوانی فرهنگی گشته‌است. باید ابتدا خودش و آنگاه مسئولین آن را درمان نمایند.

۲. ضعف اقتصادی: ثروت و مال به اندازه زندگی ندارد، یا این که ثروت دارد، ولی مدیریت و نحوه بهره برداری او ضعیف‌است، اموالش را به باد داده، قدرت نگهداری و حفاظت ندارد، یا توانایی کسب درآمد نداشته تا به تواند خویشتن را از جهت اقتصادی تأمین نماید. این گونه افراد دچار ضعف اقتصادی هستند که باید ضعف آنان را تبدیل به توانمندی نمود، تا توان اداره زندگی را پیدا نمایند.

۳. ضعف جسمی و بدنی: توان بدنی را از دست داده، قدرت انجام کارها و دفاع از خویش را ندارد.

۴. ضعف روحی و روانی: کسی که توان مقاومت در مقابل حوادث و مشکلات و کارها را نداشته، خود را باخته و عقب نشینی نموده و احساس ناتوانی می‌نماید. اینان را باید با تقویت روح و روان یاری نمود.

۵. ضعف عقلانی: کسی که دارای کمبود عقلی است. (خُل و سفیه) این گونه افراد چون قدرت اندیشه ندارند، نیاز به یاری بیشتری در همه موارد دارند، ضرورت کمک کردن به این افراد برای همگان جهت تقویت بعد عقلانی واضح است، زیرا ضعف فکری موجب ناتوانی در همه موارد گذشته می‌گردد.

۶. افراد ضعیف در ابعاد گوناگون به چند گونه قابل تصورند:

الف: از جهت خانوادگی دارای ضعف مبانی دینی و اخلاقی و اجتماعی بوده و الان هم در وجود آن‌ها این نگرانی ظاهر است.

ب: افرادی که تحت تأثیر وضعیت حاکم بر اجتماع، دوستان و رفقا، اقوام و خویشان قرار می‌گیرند و

(۲۱۸)

استقلالی در ابعاد مختلف زندگی اعتقادی و عملی ندارند. تأثیر پذیری را تا سقوط استقلال عقل و ایمان در وجود خویش دارا می‌باشند.

د: گروهی تحت تأثیر تبلیغات مسموم داخلی و خارجی، خودی و بیگانگان خارج از کشور قرار گرفته، شیفته آن‌ها گشته، (خود باختگی در مقابل دشمن) از دین و عقل، اعتقاد و ایمان خلع سلاح گردیده، سقوط می‌نمایند.

(۲۱۹)

«فصل نهم»

(۲۲۰)

مردم داری

مردم داری و نگه داشتن جامعه از جهت محبت و ارتباطات انسانی و اخلاقی موجب بارور شدن عقل انسان، تقویت بعد خلیفه الهی می‌شود، که همان جانشینی خداوند و جلوه خدا شدن می‌باشد. مدیر و مدبر خوب به کسی اطلاق می‌گردد که به تواند افراد تحت امر خود را در مسیر اهداف خویش به کار گیرد و با بهترین کیفیت و کمیت با تمام دل سوزی و شوق عالی آن‌ها را به تلاش وادار نماید. این امر مهم زمانی تحقق عینی پیدا می‌کند که کارگران دوستی و دل سوزی کارفرمای خویش را نسبت به خودشان باور نمایند. این مهم پنجاه در صد مشکلات کارفرما را حل می‌کند و

(۲۲۱)

پنجاه در صد دیگر، دیدن اعمال و رفتار خوب و زیبایی مدیر است که دوستی واقعی او را ثابت می‌نماید. زیرا حاکمان و مدیران دستگاه‌های اجرایی و فرهنگی جامعه باید مردم داری و حضور آن‌ها را ملاک پیروزی خود ارزیابی نمایند.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «التَّوَدُّ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ؛ دوستی نمودن با مردم نصف عقل است». درایت و تدبیر و اندیشه موجب تکامل عقل انسان می‌گردد.

خداوند در مورد نقش مردم در گسترش عدالت اجتماعی می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ همانا رسولان و معجزات و کتاب‌های آسمانی و میزان حق و باطل را با آن‌ها فرستادیم، تا مردم عدالت را اقامه نمایند».

حضرت امام علی علیه السلام در موعظه خویش برای فردی که از او طلب نصیحت و موعظه نمود، فرمود «لَا تُكُنْ مِمَّنْ يُحِبُّ الصَّالِحِينَ وَلَا يَعْمَلُ عَمَلَهُمْ»^(۱) از کسانی

(۲۲۲)

نباشید، که صالحان و نیکوکاران را دوست می‌دارند، اما در مسیر عملی آن‌ها نیستند».

حضرت دوستی واقعی را در رفتار عملی فرد نسبت به محبوب خویش بیان نمودند. لذا انسان عاقل محبت به مردم را میزان و ملاک موفقیت خویش در تمام امور اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی می‌داند و با همین محبت قوی و فعلی مردم را جذب می‌نماید. اگر حاکم است، سال‌ها با همین روش بر مردم حکومت می‌نماید، اگر تاجر است، با همین روش مردم را در داد و ستد تجاری خویش جذب می‌کند و رقیبان خود را از صحنه بازار خارج می‌نماید.

اگر فرهنگی است، چون معلم و روحانی، با همین روش مردم و شاگردان خویش را به سوی فرهنگ ناب اسلامی رهنمون می‌نماید.

این جاست که انسان می‌باید، این کلمات نورانی مقامات معصوم علیه‌السلام را که هر يك در ب‌هایی از علوم را برای بشریت مفتوح می‌نماید، و راه‌های عزت و ذلت

(۲۲۳)

جامعه و مردم را به آن‌ها نشان می‌دهد، سرلوحه زندگی افتخار آفرین خویش قرار دهد.

آری، این گونه مردم داری را حاکمان جائز عمل کردند و سال‌ها با این روش مردم را در زیر سلطه استعماری باطل خود قرار دادند.

حال! چرا ما مسلمان‌ها با همین محبت و دوستی که مردم باور کنند، ما دل سوز آن‌ها هستیم، وارد میدان نمی‌شویم و ایمان و حق، قرآن و اسلام را تقویت نمی‌نماییم؟

حال به تاریخ ببینید! خمینی کبیر در این زمان چگونه توانست، میلیون‌ها انسان را جذب خویش نماید و بر دل‌های آن‌ها حکومت کند، تا آنان جان خویش را در مسیر آرمان و هدف او فدا نمایند. آیا جزء محبت و عشق و دوستی مقوله‌ایی دیگر حاکم بود؟

یا اهرم اصلی و دنیامیک حرکت مردمی همین بود؟

حال روح کلام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام روشن

(۲۲۴)

می‌شود، که دوستی با مردم، عاشق پروری می‌نماید، او به محبوب خویش می‌اندیشد، در سرای معشوق همه چیز را فدا می‌نماید.

این محبت و دوستی از اسما و صفات حسناى الهی است، که خداوند در قرآن بارها اعلان نموده‌است.

ای مردم صابر، ای نیکوکاران، ای پاك شدگان، ای توبه‌کنندگان، ای نیکوکاران، خداوند سبحان محبوب و معشوق حقیقی، شما را دوست دارد.

این‌ها اهرم‌ها و چراغ‌های، جاذبه‌ایی است، که عارف و سالک طریق او با درك آن‌ها در خود نمی‌گنجد و از حقیقت این الفاظ لذتی می‌برد، که يك عاشق از معشوق مادی خویش نمی‌برد،

حال ما انسان‌ها، همین راه را در تربیت فرزندان و جذب نسل جوان باید بکار گرفته، تا در هدایت و نجات آنان موفق شویم.

برای نمونه باید عرض کنیم: يك دختر یا پسر گاهی با

(۲۲۵)

همه خدمات پدر و مادر در منزل احساس بی‌محبتی و دوستی می‌نمایند. و با اعلان محبت از طرف يك نفر بیگانه که به او خطاب می‌کند، دوستت دارم، عاشقتم، از همه قطع امید می‌کند و عقل و اندیشه را از دست می‌دهد و در دام دوستی کاذب سقوط می‌نماید، برای همیشه آبرو و شخصیت و حیثیت دنیایی و آخرتی خویش و خانواده را به باد فنا می‌سپارد. در این جا دشمنان با دام محبت و مدیریت صحیح ولی در جهت اهداف باطل خویش به مطلوب می‌رسند.

اما، ما باید عبرت بگیریم و از این اهرم قوی در جهت حق و تربیت صحیح استفاده نماییم، تا به ثمرات عالی آن دست یابیم.

حکمت ۱۴ و ۱۵ برای نگه داری جوانان در خانواده و مردم

پیام‌ها:

۱. مدیریت صحیح، توانایی جذب مردم رات دارا می‌باشد، پدر و مادرها، مدیران تربیتی و تبلیغی این

(۲۲۶)

مهم را باید توجه کنند.

۲. بدون تکیه به مردم عدالت اقامه نمی‌گردد.

۳. توجه به مردم و ارزش دادن به آنان و بهروری از اندیشه‌ها و استعدادهایشان، موجب رشد و بالندگی جامعه و کشور در جهان می‌گردد.

۴. مردم را باید با رهبران، به وسیله دوستی عملی نزدیک نمود.

۵. رهبران و مسئولین باید خویشان را مدیون مردم بدانند.

۶. مردم باید قدردان نعمت رهبری و خدمات خادمان خویش باشند.

(۲۲۷)

«فصل دهم»

(۲۲۸)

جایگاه عقل و اندیشه

جایگاه ارزشی انسان در نزد همه مکتب‌های الهی و مادی همان رشد عقلانی این موجود است، به هر اندازه استعداد و توانایی فکری بشر بالا رود، به همان میزان این موجود الهی رشد می‌نماید. اگر امروزه در جهان انسان‌ها را برای قدرت خلاقیت و ابتکار در صنایع، علوم پزشکی، فناوری و... خریداری می‌نمایند، همه‌اش به خاطر وجود اندیشه و تفکر و قدرت عقلانی آن‌هاست، لذا خداوند سبحان ثواب و درجات و مقامات قریبش را به هر کسی باندازه عقل و شعور و اندیشه‌اش کرامت می‌نماید، اصل اساسی ارزش در انسان، قدرت تعقل و تفکرش می‌باشد.

(۲۲۹)

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «صَدِيقُ كُلِّ امْرِءٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ»^(۱) دوست هر مردی اندیشه اوست و دشمنش نادانی اوست».

در این فراز، دوست صمیمی و دل سوز و حقیقی انسان، اندیشه و تفکر، بیان شده است، سپس نادانی و جهالت، اندیشه نکردن، به عنوان دشمن خودی که از درون ضربه می زند، بیان گردیده است، زیرا تمام ضررها و ضربه های دنیایی و آخرتی از جانب ندانم کاری ها به بشر وارد می گردد. پس برای نجات، باید به علم و دانش و اندیشه مسلح گردید. دنبال دانش و معرفت نرفتن، به معنای رعا کردن دوست و سقوط در دامن دشمن ها می باشد.

عقل حجت و رهبر در درون:

راه های کمال عقل؛

در بیان دیگر حضرت علی ابن موسی الرضا علیه السلام

۱. تحف العقول، ص ۶۷.

(۲۳۰)

می فرماید: «لَا يَتِمُّ عَقْلُ امْرِءٍ مُسْلِمٍ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ»^(۱) عقل انسان تمام نمی گردد، تا این که در انسان ده صفت یافت گردد».

اول: «الْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُورٌ؛ از او امید خوبی ها باشد».

دوم: «وَالشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُورٌ؛ بدی های از او در امان باشند».

سوم: «يَسْتَكْبِرُ قَلِيلَ الْخَيْرِ مِنْ غَيْرِهِ؛ کمی خوبی ها را از دیگران بسیار شمارد».

چهارم: «يَسْتَفِئِلُ كَثِيرَ الْخَيْرِ مِنْ نَفْسِهِ؛ خوبی های زیاد خود را کم جلوه دهد».

پنجم: «لَا يَسْأَلُ مَنْ طَلَبَ الْحَوَائِجَ إِلَيْهِ؛ از درخواست حاجت ها به سویی خسته و ناراحت نگردد».

۱. تحف العقول، ص ۶۷.

(۲۳۱)

ششم: «و لَا يَمَلُ مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ طَوْلَ دَهْرِهِ؛ از بدست آوردن دانش و آگاهی در طول زمان عمرش خسته نگردد».

هفتم: «الْفَقْرُ فِي اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْغِنَى؛ نداری در راه خدا را از دارائی و داشتن ثروت نزد خود محبوبتر باشد».

هشتم: «الدُّلُّ فِي اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْعِزِّ فِي عَدُوِّهِ؛ ذلت و خواری در راه خداوند، نزد او محبوبتر از عزت در طریق دشمنانش محبوبتر باشد».

نهم: «وَالْحُمُولُ أَشْهَى إِلَيْهِ مِنَ الشُّهُرَةِ؛ گمنامی و عدم شهرت را بیشتر از مشهور شدن خواهان باشد».

دهم: سپس امام فرمود: دهم! اما چه دهمی؟ گفته شد، آن دهم چیست؟ حضرت فرمود: «لَا يَرَى أَحَدًا إِلَّا قَالَ: هُوَ خَيْرٌ مِنِّي وَ أَتَقَى؛ فردی را نمی‌بیند، مگر این که می‌گوید: او از من بهتر و متقی‌تر است».

ابن سکیت برای حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام عرض کرد: «مَا الْحُجَّةُ عَلَى الْخَلْقِ الْيَوْمَ؟ امروز حجت بر

(۲۳۲)

مردم چیست؟ فقال: الْعَقْلُ يُعْرِفُ بِهِ الصَّادِقُ عَلَى اللَّهِ فَيُصِدِّقُهُ وَ الْكَاذِبُ عَلَى اللَّهِ فَيَكْذِبُهُ؛ حضرت فرمود: به وسیله عقل، راستگویان بر خدا شناخته می‌گردند. پس عقل خداوند را تصدیق می‌نماید، و بواسطه عقل دروغ‌گویان بر خداوند مشخص می‌گردند، پس عقل خداوند را تکذیب می‌نماید».

«فَقَالَ ابْنُ سَكَيْتٍ: هَذَا وَ اللَّهُ هُوَ الْجَوَابُ؛^(۱) آنگاه ابن سکیت گفت: به خدا قسم، این همان جواب است».

حجت و رهبر برای انسان از درون و برون؛ عقل و قلب سلیم، و وجدان سالم، روح و روان، سلامتی جسمی، همه در هدایت انسان نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ایی دارند. اما این‌ها برای هدایت بشر کافی نیست، لذا خداوند علاوه بر هدایت تکوینی، وحی و نبوت و امامت را به عنوان هدایت تشریحی و ویژه انسان قرار داد، تا عقل و وجدان هر زمانی دچار تردید و شک گردید، با استفاده از دانش و عقل معصوم راه کامیابی و نجات خویش بی‌یابد، و از سرگردانی در مسیر راه نجات یابد. لذا روایات بسیاری در اول اصول کافی بیان‌گر جایگاه عقل در ارزش وجودی انسان است، و این که از

۱. تحف العقول، ص ۷۳.

(۲۳۳)

هرکسی به اندازه قدرت اندیشه و تفکر و عقلش تکلیف خواسته می‌شود و درجات و مقامات به او عطا می‌شود و یا به خاطر تخلفات عذاب می‌گردد. در بسیاری از موارد، قرآن شریف انسان را بخاطر عدم بهرموری از عقل و اندیشه توبیخ و سرزنش نموده و آن‌ها را از مقام خلیفه خدا بودن و ولی و یار او شدن ساقط کرده‌است. کسانی که از این امر سر باز زده و از قدرت فکری خویش بهره نگرفته و سرمایه‌های خداوندی و عمر خویش را اسراف نمودند، مستحق سرزنش و عذاب الهی گشته‌اند.

سقوط از مقام انسانیت؛ به واسطه تعطیل شدن ابزار شناخت

«إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ؛ همانا بدترین جنبندگان در پیشگاه خداوند کسانی هستند که از گفتن و شنیدن حق کر و لال هستند و اندیشه نمی‌کنند».

راستی؛ انسان زمانی که از ابزار شناخت و معرفت، اندیشه و تفکر بهرمند نشد، چگونه سقوط کرده و از هستی خارج می‌شود؟

(۲۳۴)

پیام‌ها:

۱. کامل شدن و اتمام عقل انسان در گرو بدست آوردن حالت‌های زیبای نفسانی است، که حضرت امام رضا علیه‌السلام در بیانات دهگانه خویش مطرح نمودند.

۲. کوچک شمردن خود و رفتارهای عملی خویش و بزرگ شمردن دیگران از جهات عملی و اندیشه‌ایی، موجب رشد عقلانی انسان می‌گردد.

۳. انسان باید برای رسیدن به کمالات اندیشه‌ایی و عقلی، خدمت به مردم و آزار نرساندن به آن‌ها و رسیدگی به مشکلاتشان را سرلوحه زندگی با عزت خویش قرار دهد.

۴. بشر باید برای یافتن عقلی سلیم و پویایی اندیشه‌اش، کسب علم و دانش و مباحثات علمی را از اولویت‌های اول زندگی و برنامه‌های خویش قرار دهد.

۵. انسان باید تحمل مشکلات اقتصادی، و آبرویی، فرهنگی و اعتقادی، بلاها و مصیبت‌ها را موجب آب

(۲۳۵)

دیده شدن و خالص شدن عقلانی خویش بداند.

۶. شهرت؛ آفتی است، که باعث حجاب عقل می‌گردد. لذا انسان در این جا عیب‌های فکری و عملی خویش را نمی‌یابد، گاهی موجب جهل مرکب می‌گردد و بدی‌های خویش را خوبی می‌بیند.

۷. عینک خوش بینی نسبت به انسان‌ها در جهات مختلف اعتقادی و اخلاقی، علمی و عملی، دیگران را بهتر از خویش دانستن، موجب بازیابی و بازنگری خویش گذشته، انسان را برای رسیدن به کمالاتی که دیگران دارند، فعال می‌نماید. همه این‌ها عامل پویایی و رشد تفکر و اندیشه انسان می‌باشد.

(۲۳۶)

«فصل یازدهم»

(۲۳۷)

عوامل خشم الهی

خشم و غضب از حالات مذموم نفسانی است، همه از آن بی‌زار و متنفر هستند، اما این صفت در جایگاه اصلی خودش می‌تواند ممدوح باشد، لذا برای تعلیم و تربیت، امر به معروف و نهی از منکر جاذبه و دافعه، می‌تواند مفید باشد، خشم نمودن بی مورد، گناه و مطرود می‌باشد. همه انسان‌ها از آن حالت ناراحت و آن فرد را در جایگاه شایسته انسانی نمی‌ستایند. اما اگر غضب و شادی هر کدام حکیمانه و عادلانه، هر کدام در موقعیت‌های مناسب خود به کار گرفته شوند، مؤثر و مفید، تربیت کننده و کمال دهنده خواهند بود

(۲۳۸)

حضرت ثامن الائمه علیه‌السلام فرمود: «أَنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْفَيْلَ وَالْقَالَ، وَ أَضَاعَةَ الْمَالِ، وَ كَثْرَةَ السُّؤَالِ؛^(۱) به درستی که خداوند از سر و صدا نمودن (و صحبت‌های بی ارزش، بسیار سخن گفتن) و نابودی اموال، (اسراف و تبذیر نمودن، حیف و میل ثروت‌ها) و درخواست‌های بسیار نمودن، خشمگین می‌شود». خشم و غضب الهی، رحمت و عفو او، بهشت و جهنمش همه عین عدالت است.

پیام‌ها:

۱. انسان اگر خواهان محبت الهی است، باید عوامل غضب را از وجود خویش محو و نابود نماید.

۲. از ثروت‌های خدادادی استفاده صحیح نکردن، موجب خشم الهی می‌گردد. لذا بشر باید از امکانات هنری، استعدادی، لباس و مسکن، خوردن و آشامیدن و... بهترین استفاده‌ها را به نماید، تا رضایت خداوند حاصل شود.

۳. انسان باید همراه با اندیشه و تفکر بر مبنای اصول اعتقادی صحیح به اندازه لازم سخن به گوید، یا به نويسد و از اضافات بی مورد اجتناب نماید، تا به کمال مطلوب نایل گردد.

۴. درخواست‌ها باید متعادل، معقول و در موقعیت مکانی و زمانی مطلوب باشد، تا ثمر بخش و مفید و حافظ عزت نفس و آبروی انسان باشد.

«فصل دوازدهم»

جایگاه سکوت

ساکن و آرام، ساکت و بی سخن بودن، بک توقف و در جا زدن نمی‌باشد، بلکه توقف اعضای محسوس است که در کنار این سکون معنادار، عقل و اندیشه تلاش می‌کند، تا راه کارها، هدایت‌ها و محبت‌ها را کسب نموده، اندیشه را تکامل بخشد، استعداد را شکوفا کند، انسان را از راه دانش‌های موجود، به کشف مجهولات و حل بن بست‌ها رهنمون نماید، چه بسا سکوت‌هایی که هزاران معنا و مفهوم در آن نهفته است.

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمود: «الْصُّمْتُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ

الْحِكْمَةِ، إِنَّ الصُّمْتَ بِكُسْبِ الْمَحَبَّةِ، إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ؛^(۱) سکوت و خاموشی دربی از درب‌های حکمت و دانش است، به درستی که این سکوت حکمت‌آمیز دوستی و محبت را بدست می‌آورد و همانا راهنمایی به سوی هر خوبی است».

پیام‌ها:

۱. همیشه سخن‌های زیاد، انسان را از اندیشه و تفکر بازداشته و موجب بیانات مبهم و مجمل و ناقص می‌گردد.

۲. باید اندیشه بیشتر از بیان باشد.

۳. مطالب باید بعد از تفکر نوشته یا بیان گردد، تا رنگ منطقی و حکیمانه را به خود گرفته و جاذبه‌های ارزشمند کلام را حفظ نماید. ۴. گاهی سکوت، بسیاری از مطالب را بیان و شبهات را دفع و رفع می‌نماید.

۱. تحف العقول، ص ۴۶۶.

۵. در خلوت سکوت، شکوفایی اندیشه محقق می‌گردد. غنچه‌های بسته مطالب باز می‌شود.

۶. فطرت و عرف عمومی جامعه، انسان‌های کم حرف را بر سخن پردازان مقدم داشته و آن‌ها را دوست می‌دارند و همین محبت مردمی است، که انسان را به خیرات و خوبی‌ها نایل می‌گرداند.

«فصل سیزدهم»
(۲۴۵)

جایگاه خودپسندی

خودبینی، خودمحوری، خویشتن را زیبا توصیف نمودن، عیب‌های خود را نادیده گرفتن، در جهت رفع نقایص به خویشتن اندیشه نکردن، ارزش نعمت وجودی خویش را نیافتن، همه از حالات مذموم و مورد سرزنش می‌باشد.

روح و وجدان سالم، خود پسندی رامطروود و منفور خویش دانسته، اگر چه گاهی نفس انسانی دچار رذالت و پستی می‌گردد، اما نزد او بطلان این حالت روشن است، این وضعیت انسان از شیطانی بودن نفس وضعف

(۲۴۶)

عقلانی و ایمان سرچشمه می‌گیرد. لذا طریق درمان این درد با تقویت بنیادهای ایمانی و عقلانی و شکست هوای نفسانی مقدور می‌گردد.

احمد بن نجم از حضرت امام رضا علیه‌السلام درباره خودپسندی که عمل انسان را فاسد می‌نماید، سؤال کرد. حضرت فرمود:

«الْعُجْبُ دَرَجَاتُ؛ خودپسندی درجاتی دارد:

اول: «مِنْهَا أَنْ يُرَى لِلْعَبْدِ سُوءَ عَمَلِهِ فَيَرَاهُ حَسَنًا فَيُعْجِبُهُ وَ يَحْسَبُ أَنَّهُ يُحْسِنُ صُنْعًا؛ خودپسندی عمل زشت انسان را زینت می‌بخشد، سپس انسان آن را زیبا می‌بیند پس او را به شگفتی وا می‌دارد و حساب می‌کند، که عمل خوب و نیکی انجام داده است».

دوم: «وَ مِنْهَا أَنْ يُؤْمِنَ الْعَبْدُ بِرَبِّهِ فَيَمُنُّ عَلَى اللَّهِ وَ لَئِنَّ الْمِنَّةَ عَلَيْهِ فِيهِ؛ بنده به خدا ایمان می‌آورد، سپس بر خداوند برای ایمان آوردنش مَنّت می‌گذارد، در حالی که برای خداوند است که مَنّت به گذارد و برای خدا است، مَنّت بر او در مورد ایمانش».

(۲۴۷)

پیام‌ها:

۱. انسان باید خود محور نبوده و همیشه خطا و اشتباه را در کارهای خویش امری طبیعی بدانند.
۲. انسان باید عینک خوش‌بینی نسبت به دیگران به گذارد، اما باید قناعت نسبت به رفتار عملی خود نداشته باشد.
۳. بشر باید همه کمالات خویش را در گرو عنایات ربّانی بدانند. و نسبت به توفیقاتی که شاملش می‌گردد، شاکر الهی باشد.
۴. انسان باید واقع‌گرا باشد، خوبی‌ها را زیبا و بدی‌ها را زشت به بیند، و نسبت به اعمال و رفتار و اندیشه خویش، در حالت ترس و امیدواری به رحمت الهی باشد.

(۲۴۸)

«فصل چهاردهم»
(۲۴۹)

امام رضا و صله رحم

انسان برای زندگی اجتماعی خود نیاز به ارتباط با یکدیگر دارد، تا از تنهایی بیرون آید. شادابی روحی خود را در ادامه زندگی حفظ نماید. خداوند سبحان خالق جهان هستی روابطی را که نقش حیاتی در محبت و صفای زندگی اجتماعی بشر دارد، آن‌ها را تحت دستورات واجب و مستحبی خویش قرار داده، تازندگی اجتماعی و خانوادگی در میان آشنایان گرمی بهتری پیدا نماید. مثل ارتباط با محرم‌ها و اقوام و خویشان که در صدر آن‌ها پدر و مادر، برادران و خواهران، عمو و دایی، عمه و خاله می‌باشد.

(۲۵۰)

خداوند در این باره در قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يُسِيدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»^(۱) کسانی که پیمان‌های الهی را بعد از استحکام و بیعت می‌شکنند و آن‌ها را خداوند دستور به ارتباط آن نموده است (چون ارتباط با خویشان) آن را قطع می‌نمایند و در زمین فساد می‌کنند، اینان اهل خسارت و ضرر هستند».

آری؛ مخالفت با فرمان‌ها و احکام الهی، موجب فساد در زمین و خسارت در دنیا و آخرت می‌گردد. عدم ارتباط اقوام و خویشان جامعه اسلامی را به فساد و تباهی در جهات مختلف می‌کشاند.

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمود: «صِلْ رَحِمَكَ وَ لَوْ بِشَرْبَةٍ مِنْ مَاءٍ وَ أَفْضَلُ مَا تُوصَلُ بِهِ الرَّحِمُ كَفُّ الْأَذَى عَنْهَا؛ ارتباط خویشاوندی را اگر چه به نوشیدنی از آب هم می‌باشد، حفظ نما، و بهترین ارتباط خویشاوندی و قومی حفظ آن‌ها از آزار و اذیت می‌باشد». دیگران را رنجش مده، تا موجب دشمنی و تفرقه و بدبینی گردد و صفای زندگی را نابود نماید.

۱. بقره (۲): ۲۷.

(۲۵۱)

حضرت امام رضا علیه‌السلام در ادامه بیان خود به آیات قرآن استناد فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأَذَى»^{(۱)(۲)} ای کسانی که ایمان آوردید، صدقاتتان را با منت و آزار دادن باطل ننمایید».

ارتباط انسان‌ها در جامعه به چهار گونه قابل تصور است:

الف: ارتباط نسبی: بین اقوام و خویشان چون پدر و مادر و اجداد که پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها می‌باشند و هم چنین خاله‌ها و عمه‌ها، دایی‌ها و عموها که صله رحم به وسیله ارتباط با آن‌ها محقق می‌گردد، که این ارتباط بالاترین و مقدس‌ترین رابطه بین انسان‌ها می‌باشد، که در اصطلاح فرهنگ قرآنی و دینی صله‌رحم گفته می‌شود، ترك آن گناه بزرگ موجب کوتاه شدن عمر و رفتن برکت از زندگی انسان می‌باشد. این ارتباط تکوینی بین قطع رابطه خویشاوندی و اثرات نامطلوب آن در زندگی دنیا و آخرت بشر می‌باشد.

۱. بقره (۲): ۲۶۴.

۲. تحف العقول، ص ۴۶۹.

(۲۵۲)

ب: ارتباط سببی؛ که از طریق ازدواج بین مرد و زن محقق می‌گردد. که بعضی با یکدیگر محرم گشته، و ارتباط خانوادگی برقرار می‌گردد.

ج: ارتباط اُخوت دینی: این رابطه در زیر پرچم اسلام و شریعت مذهبی تحقق می‌یابد. جایگاه این گونه رابطه‌ها در آیات و روایات با بیانات گوناگون تشریح شده است.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»^(۱) انسان‌های با ایمان برادر یکدیگرند». که در بحث زیارت، فضیلت بسیاری در روایات برای زیارت برادران ایمانی بیان گردیده است. و آن را زیارت خدا و مهمان او ارزیابی نموده است.

د: ارتباط اجتماعی؛ اسلامی و عرفی: رابطه همسایه‌ها و همکاران در اجتماع و محل کار، دارای اهمیت ویژه برای ثبات و صفا و صمیمیت در جامعه و روح محبت و همبستگی در زندگی اجتماعی می‌باشد.

۱. احزاب (۴۹): ۱۰۰.

(۲۵۳)

خداوند می‌فرماید ك تعاونوا على البرّ و التقوى و لا تعاونوا على الاثم و العدوان؛ بر کارهای خوب و تقوی یکدیگر را یاری نمایید و بر گناهان و دشمنی‌ها نباید یکدیگر را کمک نمایید». اگر این ارتباط‌ها در چهار مورد در جامعه از باب اعضای يك پیکر عملی گردد، مدینه فاضله و عدالت اجرا می‌گردد.

پیام‌ها:

۱. خویشان باید به حقوق یکدیگر و ارتباط‌های مداوم و مستمر اهمیت ویژه بدهند، اولویت و برتری را برای محرم‌هایی از نزدیکان در تمام خدمات قابل باشند.

۲. خویشان باید گرفتاری‌ها و مشکلات بین خود را مورد توجه قرار داده و راه حل‌های آن‌ها را پیگیری نمایند و یار و یاور یکدیگر باشند.

۳. اندیشه اقوام و افراد در جامعه با ارتباط‌های چهارگانه باید این گونه باشد.

(۲۵۴)

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز يك گوهرند تو کز مهنت دیگران بی غمی	چو عضوی ببرد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار نشاید که نامت نهند آدمی
--------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------

۴. باید سیره و روش انسان خدمت به همه مردم باشد. در رتبه اول کمک نمودن به اقوام نسبی که موجب تحقق عینی صلّه رحم می‌باشد. «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ؛ خدمت‌گزار خویشان، سرور و آقای آن‌ها می‌باشد»^(۱)

۶. انسان باید در صورت خدمت به هر يك از گروه‌های مذکور به خصوص اقوام و خویشان، از ریاکاری، منت گذاردن و زخم زبان و سروری بر آن‌ها دوری نماید، باید برای خدا باشد، تا کارها ارزش معنوی و الهی خود را حفظ نماید.

۷. بشر در همه ارتباط‌ها دارای مسئولیت و وظایف

۱. (۱) برای آشنایی با ارزش خدمات به مردم برای رضای خدا به چهل حدیث خدمت رسانی و کتاب نهضت خدمت رسانی از مؤلف مراجعه گردد.

مختلفی می‌باشد، که شرایط زمانی و مکانی، فردی و اجتماعی، نوع تکلیف انسان را بیان می‌نماید.

۸. آن چه را خداوند به آن دستور داده، مثل رابطه خویشان، برادران و خواهران و سایر بستگان، دارای ثمرات و منافعی برای انسان می‌باشد، اگر چه بشر بسیاری از حکمت‌های آن را نمی‌فهمد.

«فصل پانزدهم»

امام رضا علیه‌السلام و پدر و مادر

جایگاه پدر و مادر در فرهنگ انسانی و اسلامی در نزد عرف و عقل و قلب سلیم به ویژه در محضر حضرت رب العالمین، دارای مقام بس رفیع و بلندی می‌باشد که خداوند بعد از امر به عبادت خویش و توحید، احترام به والدین و اطاعت از آنان و نیکی به آنها را بیان نموده است: «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا؛ خدا را عبادت کنید نسبت به او چیزی را شریک ندهید و به پدر و مادر خوبی و نیکی نمایید». حال گه قرآن جایگاه پدر و مادر را بیان نمود. پدر و مادرها باید قدر شناس این مقام، از جانب خداوند باشند و وظایف خطیر و بزرگ خویش را در قبال جایگاه رفیع الهی

انجام دهند و از او به خواهند، در انجام تکلیف و تربیت فرزندان، آنان را موفق و پیروز فرماید.

حضرت ثامن الائمه علیه‌السلام فرمود: «وَ بَرُّ الْوَالِدَيْنِ وَ إِنْ كَانَا مُشْرِكِينَ فَلَا تُطْعِمُهُمَا وَ صَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا لِإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «وَ اسْكُرْ لِي وَ لِيَوْمِ الْمَصِيرِ وَ إِنْ جَاهَدَكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطْعِمُهُمَا»^(۱)؛ خوبی و نیکی به پدر و مادر نمایید و اگر برای خدا شریک قرار دادند، (از مسیر توحید خارج شدند) پس از آنها اطاعت ننمایید. و با آنها در دنیا به خوبی همراهی نمایید، به درستی که خداوند می‌فرماید: برای من و پدر و مادرانتان شکر گزاری نمایید. بازگشت به سوی من است. و پدر و مادر اگر تلاش کردند، برای این که شریکی برای من قرار بدهی، نسبت به آن چه آگاهی به آن نداری، پس از آنها اطاعت ننما».

حضرت امام رضا علیه‌السلام در نامه‌اش به مأمون نوشت: «وَ بَرُّ الْوَالِدَيْنِ وَاجِبٌ وَ إِنْ كَانَا مُشْرِكِينَ وَ لَا طَاعَةَ لَهُمَا فِي مُعَصِيَةِ الْخَالِقِ وَ لَا يُغَيِّرُهُمَا فَإِنَّهُ لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مُعَصِيَةِ الْخَالِقِ»^(۲) و خوبی نمودن به پدر و مادر واجب

۱. تحف العقول، ص ۴۴

۲. وسائل الشیعه، ش ۲۱۲۲۹.

است، اگر چه مشرک باشند، و در مسیر نافرمانی خداوند از پدر و مادر و غیر آن دو پیروی نمی‌باشد. همانا، برای مخلوق در جهت نافرمانی خالق پیروی و اطاعت جایز نیست».

در قرآن شریف احترام و جایگاه پدر و مادر بعد از عبادت و بندگی خداوند سبحان مطرح گردیده، نیکی نمودن به آنان از تعهدات الهی است، که خداوند از فرزندان حضرت آدم آن پیمان را گرفته و در همه دین‌های آسمانی مطرح است.

خداوند در قرآن فرمود: «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا؛ یاد آورید زمانی که ما از بنی اسرائیل پیمان و تعهد گرفتیم غیر از خدا نپرستید، و به پدر و مادر نیکی نمایید».

خداوند فرمود: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا؛ و پروردگارت حکم نمود، به جز خداوند را نپرستید و به پدر و مادر خوبی نمایید». خلاصه ك خوبی و خدمت نمودن به پدر و مادر از

(۲۶۰)

پیمان‌ها و تعهدهای خداوندی است که پروردگار هستی به آن حکم نموده است. پس همگان باید در مقابل آن بی قید و شرط تسلیم شده و عمل نمایند.

پیام‌ها:

۱. وظیفه الهی هر انسان، بیزاری اعتقادی و عملی از هر گونه شرک می‌باشد.
۲. پیروی جاهلانه و خلاف فطرت توحیدی، خلاف شأن انسان کامل است.
۳. اطاعت از پروردگار و حفظ از گناهان سبب موفقیت انسان می‌باشد.
۴. تشکر واقعی از خداوند و پدر و مادر، بلکه از همه خدمت گزاران به بشر، باید به واسطه رفتار عملی و گفتار صحیح تحقق یابد.
۵. خوبی به پدر و مادر دستور الهی، شرعی و عقلی

(۲۶۱)

است، که باید در متن زندگی عملی انسان قرار گیرد، تا به سعادتش نایل گردد.

۶. در آیات و روایات مقام اطاعت و پیروی از پدر و مادر و تواضع در محضر آنان بعد از پروردگار قرار گرفته است، این روشن‌گر وظیفه مهم فرزندان در اطاعت از پدر و مادر و انجام وظیفه در محضر آنان می‌باشد.

(۲۶۲)

«فصل شانزدهم»

(۲۶۳)

امام رضا علیه‌السلام و ایمان کامل

حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام فرمود: «لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّىٰ تَكُونَ فِيهِ خَصَالٌ ثَلَاثٌ؛ بنده‌ای حقیقت ایمان را کامل نمی‌نماید، مگر این که در او سه خصلت یافت گردد».

حضرت در ادامه فرمود: «الْتَّقَةُ فِي الدِّينِ وَ حُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الرَّزَايَا^(۱)؛ دانستن عمیق دین و انداز‌مگیری اقتصادی در زندگی و استقامت

۱. تحف العقول: ص ۴۷۱.

(۲۶۴)

بر مشکلات».

اول: دین را با آگاهی کامل بشناسد. قدرت شناخت او را در آسیب پذیری حفظ نماید.

دوم: انسان باید مسائل اقتصادی و فرهنگی، درآمد و خرج نمودن را در زندگی به صورت زیبا اندازه‌گیری نماید.

سوم: بشر باید با بلاها و مصیبت‌ها مقاوم و استوار گردد.

انسانی که مراحل از اعتقاد و ایمان و عمل را گذرانده و درجات قابل قبولی را در محضر حضرت حق به دست آورده ولی به کمالات عالی آن دست نیافته، می‌تواند با برنامه‌ریزی صحیح و حاصل نمودن صفات ذکر شده بالا توفیق رسیدن به واقعیت ایمان و عمل را نصیب خود گرداند. چرا که آگاهی و دانش حقیقی و عمیق به دین، عامل اصلی عشق و ورزیدن به اسلام می‌باشد. و این‌جا است که نور حقیقی، قلب فقیه فرزانه را روشن می‌نماید.

(۲۶۵)

آنجا که حضرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اعظم فرمود:

«الْعِلْمُ نُورٌ يَفْذِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ؛^(۱) علم نوری است که خداوند در دلی که به خواهد، ایجاد می‌نماید».

در نتیجه انسانی که آگاه به واقعیت‌های الهی و به حقایق وجود عارف می‌گردد. سپس به زندگی متعادل اجتماعی روی آورده و از جهات اقتصادی دور از اسراف و تبذیر و بی‌عدالتی زیست می‌نماید، و با استواری در مقابل مشکلات و بلاها و تحمل آن‌ها و شناسایی راه‌های نجات و حل مصیبت‌ها، خویشتن را با ارتباط با خدا و قرآن و اهل بیت و با عنایات ربانی و توجهات چهارده معصوم علیهم‌السلام به کمالات حقیقی ایمان می‌رساند.

پیام‌ها:

۱. فقه: دانستن. فقیه: فردی که دارای دانش عمیق دینی است. اما در اصطلاح علمای اسلام: کسی که قدرت اجتهاد و استخراج احکام را با استفاده از چهار دلیل، قرآن و احادیث، اتفاق علمای اسلام و عقل دارا

۱. مصباح الشریعة، ص ۱۶.

(۲۶۶)

باشد.

۲. توازن و تعادل اقتصادی، برنامه‌ریزی صحیح در آمد و خرج کردن در زندگی بشر رمز موفقیت انسان در زندگی امروز است.

۳. صبر و شرح صدر، حوصله داشتن، ظرفیت تحمل مشکلات و مصیبت‌ها در موقع خشم و ناراحتی همراه با حفظ ایمان و اسلام انسان مسلمان را به پیروزی می‌رساند.

(۲۶۷)

«فصل هفدهم»

(۲۶۸)

مهمانی و زندگی زیبا

پذیرایی و مهمانوازی، محبت و خدمت را همه انسان دوست داشته، آن را ارج می‌نهند. فطرت سالم، غریزه نوع دوستی، سخاوت و ایثار انسان را به کمالات رسانده، از پذیرایی دیگران لذت می‌برد.

«أَكْرَمَ الضَّيْفِ وَلَوْ كَانَ كَافِرًا» مهمان را گرامی به دارید، اگر چه کافر باشد

علی بن شعیب می‌گوید وارد بر حضرت امام رضا علیه‌السلام شدم حضرت فرمود: «يَا عَلِيُّ مَنْ أَحْسَنُ النَّاسِ مَعَاشًا؟»

(۲۶۹)

ای علی! چه کسی از جهت زندگی بهترین مردم است؟

عرض کردم: أَنْتَ يَا سَيِّدِي أَعْلَمُ بِهِ مَنِّي؛ ای سرورم! شما این مطلب را بهتر از من می‌دانید.

حضرت فرمود: «يَا عَلِيُّ مَنْ حَسَنَ مَعَاشٍ غَيْرِهِ فِي مَعَاشِهِ؟» ای علی! کسی که زندگی دیگری را در زندگی خودش نیکو و زیبا نماید.

سپس حضرت سؤال بعدی را مطرح فرمود:

«يَا عَلِيُّ مَنْ أَسْوَأَ النَّاسِ مَعَاشًا؟» ای علی چه کسی از نظر زندگی بدترین مردم است.

عرض کردم: «أَنْتَ أَعْلَمُ؛ شما بهتر می‌دانید.»

حضرت فرمود: «قَالَ: مَنْ لَمْ يَعْشَ غَيْرَهُ فِي مَعَاشِهِ؛^(۱) کسی که دیگری در زندگی او امرار معاش ننماید.»

۱. تحف العقول، ص ۴۷۱.

(۲۷۰)

۱. انسان باید زندگی را منحصر برای خود نداند. بلکه دیگران هم از امکانات او بهرمنند گردند.

۲. مهمانی رفتن را انسان‌ها دوست دارند. باید مهمانی نمودن را با عمل زیبا ارزیابی نمایند.

۳. یکی از صفات نیکوی الهی پذیرایی از دیگران می‌باشد.

(۲۷۱)

«فصل هجدهم»

(۲۷۲)

کمالات انسانی

انسان‌ها در زوایای محسوس زندگی اقتصادی و رفاهی، معنوی و روحانی رشد و تکامل را دوست دارند، همه دنبال بهترین انتخاب‌ها می‌باشند. حقیقت کمال یابی جزء فطرت و آفرینش بشر می‌باشد. مردم انسان‌های کمال یافته را بیشتر دوست می‌دارند. آنان را افتخار خویش می‌دانند. تاریخ نشان‌گر گرایش مردم به انبیاء و امامان نور، دانشمندان و فرزندگان الهی و تاریخ سازان افتخار آفرین چون سید جمال‌الدین‌ها، مدرس‌ها، خمینی‌ها می‌باشند. حال بشر باید در این دنیای پر از مخاطره، عقل و اندیشه، ایمان و اعتقاد را بر محسوس مقدم به دارد، راه حقیقی عزت‌ها و کمالات را

(۲۷۳)

شناسایی نماید تا به تواند، خویشتن را به سوی پیروزی و افتخار پرواز دهد.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود:

«خَمْسٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلَا تَرْجُوهُ لِشَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا وَ الْأَخْرَةِ؛ کسی که در او پنج چیز یافت نمی‌گردد، در نتیجه برای چیز از دنیا و آخرت به او امید نداشته باش.»

اول: «مَنْ لَمْ تُعْرِفْ الْوَثَاقَةَ فِي أَرْوَمِنِهِ؛ کسی که در اصل و ریشه‌اش اعتماد و اطمینانی شناخته نشده است.»

دوم: «وَ الْكِرْمُ فِي طَبَاعِهِ؛ در طبیعت و وجودش کرامت نیست.»

سوم: «وَ الرَّصَانَةُ فِي خُلُقِهِ؛ در اخلاقش استواری و استحکام شناخته شده نیست.»

چهارم: «وَ النَّبْلُ فِي نَفْسِهِ؛ نجابت در وجودش

(۲۷۴)

نمی‌باشد.»

پنجم: «وَ الْإِمْرَةُ لِرَبِّهِ^(۱)؛ ترس و حیا از محضر پروردگارش ندارد.» پس جنبه اثباتی موارد که اعتماد و کرامت و اخلاق اسلامی و نجابت و ترس از خداوندی می‌باشد. انسان را به بسیاری از کمالات نایل می‌گرداند. گویا این مورد از موارد اساسی کمال انسانی به شمار می‌رود.

نقد کلام:

راستی مقام عصمت و طهارت در يك بیان بسیار عمیق، اصول اساسی انسان مفید و مؤثر را در دنیا و آخرت بیان نمودند، تا همه کسانی که خواهان رسیدن به کمالات انسانی، تأثیرگذاری و خدمت به بشریت هستند، میزان‌ها و ملاک‌های آن را در نفس خویش ایجاد کنند، تا روح و جانشان چشمه جوشان ارزش‌های انسانی گردد.

۱. تحف المعول، ص ۴۷۰.

(۲۷۵)

بله؛ انسانی که در اصل و اساس خویش، اعتماد، و اطمینان و صداقت را با اندیشه و ایمان و رفتار عملی در جان و نفس خود حاکم نموده و با بزرگواری انسانی انس گرفته و از دنائت‌ها و پستی‌ها فاصله گرفته و خوی و اخلاق نیکو و معاشرت زیبایی با اقوام و مردم را ملکه خویش قرار داده و آرامش در سخن و برخوردها و نجابت روحی و ظاهری را سیره رفتاری خود نموده و ترس و حیا از محضر خداوندی را در تمام لحظات و امور زندگی جزء وجود فکری و عملی خود نموده است، زمینه رسیدن به خوبیها و خیرات را برای خود آماده کرده و امیدواری به خیرات در دنیا و آخرت در او زنده گردیده است.

پیام‌ها:

۱. از مفهوم کلمات حضرت، اساس کمالات انسانی در دنیا و آخرت روشن گشته است.

۲. اعتماد و اطمینان در فرد و جامعه سبب پویایی، رشد و پیشرفت در همه موارد اقتصادی و سیاسی و فرهنگی می‌گردد.

(۲۷۶)

۳. زمانی که بزرگواری و کرامت با فطرت انسان آمیخته گردد، دناوت‌ها ریشه کن، انسان به کمال خویش نایل می‌شود.

۴. زمانی که حسن اخلاق و معاشرت سیره عملی در خانواده اجتماع قرار گیرد، بشر به کمالات دست می‌یابد.

۵. نجابت و آرامش، عامل پیشرفت در تمام جهات انسانی است.

۶. خوف از محضر الهی همه غرائز و ابعاد وجودی انسان را کنترل و مهار می‌نماید، تا انسان در دامن پستی‌ها سقوط نکرده به پیروزی عظیم دست یابد.

(۲۷۷)

«فصل نوزدهم»

(۲۷۸)

موانع ذکر الهی

ذکر که همان یاد نمودن می‌باشد، در مقابل غفلت و بی‌توجهی به کار گرفته می‌شود. از مصداق‌های ذکر؛ قرآن، نماز، انبیاء و ائمه معصومین علیهم می‌باشد. یاد خداوند و پیامبرانش، با ارتباط با قرآن و امامان نور، همه‌اش موجب کسب فضیلت‌ها و کمالات انسانی است.

اما در همه راه‌های پرواز و معراج به سوی حق موانع و حجاب‌هایی وجود دارد، پویندگان آن طریق باید موانع را که لهوها، لغوها و لعب‌ها و غیره می‌باشند، شناسایی نموده از مسیر راه خویش بردارند، تا به توانند به سرای

(۲۷۹)

معشوق راه یابند.

اعراض و دوری از ذکر الهی هم عواقب بسیار خطرناکی برای دنیا و آخرت انسان دارد که در آیات قرآنی مطرح می‌باشد. ترک واجبات و به ویژه نماز، بی‌توجهی به قرآن و انجام گناهان از موانع ذکر الهی شمرده می‌شود. جایگاه بحث ذکر در قرآن و روایات بسیار گسترده است.^(۱)

حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام فرمود: «وَالْمَلَاهِي الَّتِي تَصُدُّ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ مِثْلُ الْغِنَاءِ وَضَرْبِ الْأَوْتَارِ وَ الْأَصْرَارِ عَلَى الصَّغَائِرِ مِنَ الذُّنُوبِ؛^(۲) لهو و لعب‌هایی که انسان را از یاد خداوند باز می‌دارد، مثل غناء و تار زدن و تکرار گناهان صغیره».

۱. لهویه

۲. لغو به

۱. (۱) به بخشی از این بحث در کتاب قرآن معجزه جاوید از مولف مراجعه شود.

۲. تحف العقول، ص ۴۵.

(۲۸۰)

۳. لعب به

شناسایی مصداق‌های فکری و عملی لهو دقت بیشتری را طلب می‌نماید، شناخت موسیقی که موجب شادی و تحریک در جهت باطل می‌شود، هم چنین آگاهی به مصداق‌های گناهان صغیره و کبیره و حفظ نمودن جان‌ها و ارواح و عقول از آن‌ها کار بسیار مشکلی است، که قهرمانان این مسیر توانسته‌اند، راه را برای یاد و ذکر خدا برای پویایی و معراج هموار نمایند.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَ الَّذِي نَسُوفُ عَنْهُمُ الْجُزْءُ مَعْرُضُونَ»^(۱) انسان با ایمان از کارهای بیهوده دوری می‌نماید».

انسان کمال یافته در جهت ایمان به خدا و قرآن و چهارده معصوم علیه‌السلام به خود اجازه نمی‌دهد، که عمر خویش را در طریقی که برای او منافع معنوی دنیا و آخرت را تأمین نمی‌نماید صرف کند. زیرا این عمل را اسراف و ستم نمودن به عمر خویش می‌داند. انسان

۱. مؤمنون (۲۳): ۳.

(۲۸۱)

وارسته و شایسته الهی در اندیشه و اعتقاد، دنبال جذب و جلب نظر معشوق خویش در سرای عشق بازی است. تا از لحظه لحظه عمرش بهترین و شایسته‌ترین بهره‌وری را به نماید.

پیام‌ها:

۱. انسان باید از کارها و سخن‌های بازیچه و بی‌ارزش و بدون ثمره و فایده دوری نماید، تا بتواند، انسانی هدفمند و ارزشی در نظام وجود برای خود و جامع خویش باشد، و اگر استعمار و استثمار و استعمار داخلی و خارجی او را از نظام ارزشی جدا کند، در واقع ماهیت وجودی انسان را که استعداد رسیدن به بالاترین تعالی و تکامل و پویایی را دارد، تغییر دهد. در این صورت سرمایه‌های انسان تخریب، توان رسیدن به ارزش‌های خویش را از دست می‌دهد.

۲. کارهای لهو و لغو و لعب، انسان را بازی داده، سرگرم می‌نماید، او را از پرداختن و اندیشه نمودن و پی‌گیری کارهای حقیقی و ارزشمند باز می‌دارد، این رکود فکری و عملی انسان است، که عمرش را اسراف، او

(۲۸۲)

را از هستی ساقط می‌نماید. دیگر انسان ارزش وجودی خویش را استخراج نمی‌کند.

۳. پرداختن به گناهان و سرگرمی، انسان را از ذکر و ارتباط با خدا، قرآن و اهل‌بیت باز می‌دارد.

۴. آوازاها و آهنگ‌های مطرب در جهت ترویج و نشر باطل انسان را به قساوت دل مبتلا و از پذیرش تذکر و حق باز می‌دارد.

۵. انسان هدفمند، باید تمام کارها و اندیشه‌هایش دارای ارزش و هدف باشد، تا از پوچی و ضرر نجات یابد و از مرز ایمان خارج نگردد.

۶. هر چیز و عملی که انسان را نسبت به واجبات و دستورات الهی غافل نماید، و بشر را از ذکر الهی باز دارد، و غیر خدا را در دل انسان زنده نماید، تحت عناوین لغو و لهو و لعب، حرام و مکروه، قرار می‌گیرد.

(۲۸۳)

«فصل بیستم»

(۲۸۴)

گناهان کبیره

خلاف و گناه مورد انزجار و تنفر وجدان و طبیعت و فطرت سالم هر انسانی می‌باشد. خداوند؛ خالق جهان هستی و آفریننده انسان، خواسته این موجود در بستر و طریق سالم قدم نهد. تا بتواند به جوهره وجودی خویش پی ببرد. شناخت گناهان و اثرات منفی آن‌ها بر روی روح و روان انسان‌های معصوم و کسانی که اجتناب و دوری از گناه برای آنان ملکه تربیتی گشته، به سبب باوری هست که آن‌ها از اثرات گناه در دنیا و آخرت بر جسم و جان خویش دارند. چنان چه يك انسان با شناخت از نوشیدنی‌ها و خوراکی‌ها برای خودش هیچ وقت فکر خوردن سم را نمی‌نماید. مقام معصوم و

(۲۸۵)

عارفان به حق هم با شعور و باوری که دارند، در هیچ زمانی فکر ارتکاب گناه را هم نمی‌کنند چه رسد که تصمیم انجام آن را به گیرند.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام درباره نشانه‌های ایمان و اصول اساسی دین در تشریح گناهان کبیره فرمود: «وَ اجْتِنَابُ الْكِبَائِرِ؛ از گناهان بزرگ دور شدن». آن گناهان به شرح زیر می‌باشد:

۱. «قَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ؛ کشتن انسانی که خون او دارای احترام است».

۲. «وَ شُرْبُ الْخَمْرِ؛ شراب نوشیدن».

۳. «وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ؛ پدر و مادر را آزار دادن».

۴. «وَ الْفِرَارُ مِنَ الزَّحْفِ؛ فرار از میدان جنگ».

۵. «وَ اَكْلُ مَالِ الْيَتَامَى ظُلْمًا؛ اموال یتیم را ظالمانه خوردن».

(۲۸۶)

۶ و ۷ و ۸. «وَ اَكْلُ الْمَيْتَةِ وَ الدَّمِ وَ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ؛ جسد مرده و خون و گوشت خوک را خوردن».

۹. «وَ مَا أَهَلَ بِهِ لِعَيْبِ اللَّهِ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ بِهِ؛ بدون ضرورت، خوردن آن چه در موقع ذبح نام خداوند برده نشده است».

قربانی برای غیر خداوند، مثل قربانی برای بت‌هاست.

۱۰ و ۱۱. «وَ اَكْلُ الرِّبَا وَ السُّحْتِ بَعْدَ الْبَيِّنَةِ؛ خوردن ربا. با آگاهی اموال حرام را خوردن».

۱۲. «وَ الْمَيْسِرُ؛ غمار بازی».

۱۳. «وَ الْبُخْسُ فِي الْمِيزَانِ وَ الْمِكْيَالِ؛ در وزن و پیمانه کم فروشی نمودن».

۱۴. «وَ قَدْفُ الْمُحْصِنَاتِ^(۱)؛ به زنان پاکدامن تهمت زنا دادن».

۱. اجناس در بازار به صورت متری - وزنی - عددی - پیمانه‌ای، تویی - ماشینی و غیره، کم فروشی در هریک از آن‌ها حرام است.

(۲۸۷)

۱۵ و ۱۶. «وَ الزَّنا وَ اللّواطُ؛ زنا کردن، آمیزش مردان با مردان. (هم جنس بازی).

۱۷. «الشَّهَادَةُ الزُّورُ؛ شهادت به باطل دادن».

۱۸. «وَ الْيَأْسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ؛ ناامیدی از رحمت الهی».

۱۹. «وَ الْأَمْنُ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ؛ در امان دانستن خویش، از فریب الهی».

۲۰. «وَ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ؛ ناامیدی از رحمت الهی».

۲۱. «وَ مُعَاوَنَةُ الظَّالِمِينَ وَ الرُّكُونُ إِلَيْهِمْ؛ یاری ظالمین و به آنها دل بستن و تکیه نمودن».

۲۲. «وَ يَمِينُ الْغُمُوسِ؛ قسم دروغ خوردن».

۲۳. «وَ حَبْسُ الْحُقُوقِ مِنْ غَيْرِ عُسْرِ؛ حقوق دیگران را بدون تنگ دستی پرداخت نمودن».

(۲۸۸)

۲۴. «وَ الْكِبْرُ؛ تکبر نمودن».

۲۵. «وَ الْكُفْرُ؛ کفر ورزیدن».

۲۶. «وَ الْإِسْرَافُ وَ التَّبَذِيرُ؛ اسراف نمودن (در همه ابعاد زندگی) و تبذیر نمودن».

۲۷. «وَ الْخِيَانَةُ؛ خیانت کردن».

۲۸. «وَ كَيْمَانُ الشَّهَادَةِ؛^(۱) شهادت را پوشاندن یا انکار کردن».

بیان بیست و هشت مورد از گناهان کبیره دلیل بر انحصار نمی‌باشد. هر يك از گناهان تأثیرات خاص تکوینی و تربیتی را بر ارواح و عقول، اندیشه و عمل، تربیت و اخلاق انسان‌ها و فرزندان در جامعه به جای می‌گذارند.

جنگ سرد علیه مسلمین و کشورهای اسلامی همان

۱. تحف العقول، ص ۴۴۵.

(۲۸۹)

تخریب روح و جان اسلام به وسیله گسترش گناهان، از اموال حرام گرفته تا رفتارها و گفتارهای ضد شرعی و دینی، که به مردم تزریق می‌شود. همان هجوم فرهنگی که کشورهای استعمارگر آن را به وسیله ماهواره‌ها، و رسانه‌های جمعی و نوشته و فیلم‌ها، در میان مسلمین و کشورهای اسلامی تحقق می‌بخشند.

اما مسلمانان باید خود را به این دام‌های شیاطین حفظ و نجات دهند، تا عزت و افتخار اسلامی و الهی خود را از دست آورند.

پیام‌ها:

۱. راه نجات و پیروزی فرد و اجتماع ترك گناهان است.

۲. همه باید با علت‌های ایجاد گناه، مبارزه نمایند.

۳. باید اثرات نامطلوب گناهان بر جان و اندیشه انسان‌ها در جامعه بیان گردد، تا با انگیزه مردم آن‌ها را رها نمایند، تا سلامت خویش را حفظ کنند.

۴. سخت‌ترین مجازات از طرف حکومت باید جهت افراد ایجاد کننده و زمینه ساز گناهان تحقق یابد.

۵. گناه یعنی تخلف نمودن از قانون، اصل مجازات متخلف طبق شریعت دینی، عرفی و عقلی جامعه برای همه روشن است. پس گناه کار باید عذاب و تنبیه گردد.

۶. عدم مجازات خلاف کار موجب رونق گناه می‌گردد.

۷. پاک سازی جامعه و مردم از گناهان، حسن اعتماد عمومی را بالا می‌برد. امنیت و آرامش را بر اجتماع حاکم می‌نماید.

فصل هجدهم

جایگاه نظافت

پاکی و نظافت از دوست داشتنی‌های فطری و روحی و روانی هر انسان است. هر کسی در مذهب و مسلکی که هست، از نظام و نظافت و تمیزی لذت می‌برد. گویا صحنه‌های دلپذیر روح و روان، شادی برای بشر به ارمان می‌آورد. او غم و غصه‌ها را فراموش نموده، احساس سبکی و پرواز می‌کند. حتی در دستگاه گوارش و تغذیه او مؤثر می‌گردد. لذا چه زیبا و با صفاست که انسان روح و جسم مکان و لباس خود را در جهتی که صفا بخش و دلپذیر است، هدایت نماید. حضرت ثامن الائمه علیه السلام فرمود: «مِنْ اخلاقِ الانبياءِ النَّظْفَةُ»

از خوی و (روش عملی و اقتصادی) انبیاء نظافت نمودن است. «النَّظْفَةُ مِنْ الْاِيْمَانِ»

نظافت (هر انسان) از ایمان نشأت گرفته است. «بُنِيَ الْاِيْمَانُ عَلَى النَّظْفَةِ؛ اسلام بر نظافت بنا شده است» طهارت و پاکی و نظافت که شامل روح و جسم

و ظاهر و باطن انسان می‌گردد، سرچشمه ایمان به اسلام و قرآن، مبدأ و معادمی باشد زیرا وجودی که به شرك و كفر، نفاق و ظلم، ریا و تکبر، غیبت و تهمت و فحش آلود گردید، تا خویش را از آن ها خالی ننماید، قادر به پاکی و وجود خویش نمی‌باشد. اسلام اعتقادی و عملی هر مسلمانی بر محور طهارت و وجودی در زوایای ایمان و عمل دور می‌زند. زمانی که انسان مسلمان می‌خواهد، در طریق انبیاء و اولیاء الهی قدم به گذارد، باید اخلاق و روش آن را در پاکی اندیشه و اعضای بدن و تقوی الهی برای بالنگی و پویایی و رشد خویش انتخاب نماید. در این بحث برای همه انسان ها روشن است، که مراد از پاکی، فقط نظافت جسم و لباس و مکان نیست، بلکه شامل همه ابعاد روحی و جسمی، معنوی و مادی می‌گردد. در نتیجه از همه پاکی ها مهم‌تر آن موردی است، که ایمان و اسلام وجود انسان را تأمین نماید، پاک شدن روح و روان و جسم، از شرك و كفر، ریا و گناهان کبیره و صغیره، وجود انسان را پاک و نظیف، آماده پرواز به محضر حق می‌نماید. خالی شدن نفس انسانی از هر آلودگی معنوی و مادی که مانع رسیدن به مطلوبند، موجب نظافت روحی و فکری، اعتقادی و عملی ظاهری و باطنی می‌گردد و بشر به کمالات حقیقی می‌رساند و قله‌های رفیع عرفان و معروفات را کسب می‌نماید، از جمله طهارت روحی؛ اسلام آوردن، غسل و

وضو و تیمم است، از همه بالاتر این که شهدا باین که ظاهر آبدنشان به خاک و خون آلوده و خون هم نجس است، اما بدن آن ها از بدن هایی که سه مرتبه غسل داده شده و لباس های سفید به عنوان کفن پوشانده شده، ارزشمندتر می‌باشد. چرا؟ چون

نظافت فکری و اعتقادی و ایمانی و عملی در شهدا، آن‌ها را عاشقی دلباخته نموده، تادرسرای معشوق جان به جانان تسلیم نموده و به بالاترین لذات دنیایی و آخری نایل گشته‌اند.

پیام : ۱. نظافت و پاکی، فقط شامل ظواهر نمی‌گردد، چراکه بسیاری از دشمنان اسلام و دین از جهت ظاهری آراسته هستند، اما از کمالات بشری خارج می‌باشند.

۲. هر مسلمانی باید در همه جهات ظاهری و باطنی، روحی و جسمی خویش را از هر گناهی پاک نماید

۳. زیربنای همه اصول اعتقادی و عملی اسلام

(۲۹۴)

پاکی، وجود از رذایل می‌باشد.

۴. خداوند در سوره شمس بعد از یازده قسم می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا؛ پیروز کسی است، که نفس خویش را پاک نموده و به رشد و کمال برساند.» و در سوره اعلی می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى؛ کسی که پاک گردد، همانا پیروز است.»

فصل نوزدهم

جایگاه گوینده و شنونده

گوینده انسانی است که دیگران را تأثیر سخنان خویش جهت مثبت یا منفی قرار می‌دهد، تحریک و تبلیغ از جانب سخن پردازان به سوی خدایا شیاطین محقق می‌گردد، اینان آمرین معروف و ناهین از منکر هستند، و در چهره باطل آمرین به باطل و نهی کنندگان از منکر می‌باشند. در روایت ماگروه اول مورد مدح و ستایش، تقدیر و ثواب در دنیا و آخرت می‌گردند. و گروه دوم به توبیخ و سرزنش و عذاب الهی و عده داده می‌شود. پس شنوندگان باید سخنان

(۲۹۵)

و گویندگان را مورد ارزیابی قرار دهند تا اندیشه‌ها و جان و دل را در اختیار هر سخن پرداز و گوینده‌ای قرار ندهند.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «مَنْ أَصْغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ، فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ اللَّهِ وَأَعْنِ كَانَ النَّاطِقُ يَنْطِقُ عَنْ لِسَانِ إِبْلِيسَ فَقَدْ عَبَدَ إِبْلِيسَ؛ کسی که گوش جان سپرد، به گوینده‌ای، قطعاً او را عبادت نموده است. و اگر گوینده از خداوند بگوید، همانا خدا را پرستش نموده است. و اگر گوینده از زبان شیطان سخن بگوید، حتماً ابلیس را پرستیده است.» اندیشه و رفتار علمی انسان باید در جهت خالق و معبود خویش شکل به بگیرد. و اگر عقل انسان چراگاه شیاطین و عقل‌های ناقص قرار گرفت، موجب سقوط او خواهد گشت، اما اگر نوار فکری و شکل‌گیری و والگوگری انسان از مقامات عالی الهی و معصوم باشد، او به بالندگی و رشد و کمالات چشم‌گیری نایل می‌گردد. همنشین تو از توبه باشد تا عقل و دین بیافزاید

حالات گویند و شنوند، زبان و مکان، نوع مطالب و کیفیت بیان آن بسیار مؤثر در تأثیرگذاری به سوی حق و عدل، خدا و قرآن، پیامبران و امامان نور علیهما السلام می‌باشد.

(۲۹۶)

پیام‌ها

۱. ابزار شناخت انسان در اختیار هر کسی قرار گیرد، گویا آن فرد را معبود و معشوق خویش قرار داده است.

۲. مراد از ابزار شناخت حواس پنجگانه و عقل و اندیشه

بشری است.

۳. ابزار معروف است اگر در اختیار خوبان و نیکان قرار گیرد، از آن حسن استفاده رامی نماید.

۴. اگر انسان از جهت فکری و ابزار شناخت و عملی در اختیار غیر خدا جوین و نااهلان قرار گیرد از او سوء بهره را برده و سرانجام سقوط خواند کرد.

۵. انسان باید ظرف وجودی خویش را در اختیار پاکترین افراد قرار دهد، تا نابترین جام بهترین الگوی بشریت بنوشد. همچنان که زیباترین جام

(۲۹۷)

بلورین را باید ظرف زلالترین شراب ناب قرار داد.

(۲۹۸)

(۲۹۹)

(۳۰۰)

(۳۰۱)

(۳۰۲)

(۳۰۳)

(۳۰۴)

(۳۰۵)